

دوره جامع
مالیه عمومی و بودجه ریزی دولتی

دکتر محمد کشاورز

Dr. Keshavarz

بخش اول؛ مالیه عمومی

فصل اول؛ کلیات

نکته؛ مساله اساسی که هر جامعه و اقتصادی با آن روبرو است، این است که چگونه منابع کمیاب بین کاربردهای رقیب تخصیص یابند. در اقتصاد، تخصیص منابع توسط تصمیم گیرندگان مختلفی مثل خانوارها، بنگاه ها، دولت و اقتصاد خارج صورت می گیرد، لذا علم اقتصاد به درک چگونگی تصمیم گیری کارگزاران و تصمیم گیرندگان در مورد استفاده از منابع کمیاب مربوط می شود. به عبارت دیگر علم اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع کمیاب است که برای این منظور به تجزیه و تحلیل انتخاب ها می پردازد.

تست؛ موضوع اساسی علم اقتصاد چیست؟

(۱) بررسی عرضه و تقاضای کالاهای خاص

(۲) بررسی کشش کالاهای مختلف

(۳) چگونگی تولید و قیمت گذاری

(۴) تخصیص منابع محدود به کاربردهای رقیب

نکته؛ مالیه خصوصی بحث درباره اصول، قواعد و وسایل تهیه درآمد به منظور تامین هزینه های واحدهای بخش خصوصی اقتصاد (شرکت ها و واحدهای تولیدی) است. هدف از فعالیت واحدهای بخش خصوصی تحصیل حداکثر سود ممکن است. به عبارت دیگر، هر تصمیم در مورد هزینه و درآمد بر اساس اصل سود نهایی اتخاذ می گردد.

اما هدف از فعالیت های دولت تحصیل سود نیست، بلکه تامین رفاه اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه است. بنابراین اصل سود نهایی در مورد فعالیت های دولت به اصل مطلوبیت نهایی اجتماعی تبدیل می شود. همچنین میزان مخاطره این دو بخش اقتصادی با یکدیگر متفاوت می باشد. در مالیه خصوصی مخاطره کمتر و در مالیه عمومی به علت حجم گسترده و صرف هزینه های بالا مخارج بیشتر می باشد.

وجه تشابه و تفاوت مالیه عمومی و خصوصی

نوع وجه	مالیه عمومی	مالیه خصوصی
وجه تشابه	موازنه دخل و خرج حداکثر نمودن منافع ضرورت استقراض افزایش درآمد ناشی از افزایش مخارج سرمایه‌گذاری	موازنه دخل و تصرف حداکثر نمودن منافع ضرورت استقراض افزایش درآمد ناشی از افزایش مخارج سرمایه‌گذاری
وجه تفاوت	هماهنگی بین درآمدها با هزینه‌ها الزام تنظیم سالانه بودجه تأمین منابع مالی از طریق استقراض درونی و بیرونی برخورداری از سیاست کسری بودجه هدف، تحصیل سود اجتماعی است. گسترده بودن شعاع زمانی هنر نبودن بودجه احتیاطی عدم داشتن تن‌پوشی رازگونه برخوردار بودن از حمایت قوه مجریه (دولت)	عدم هماهنگی بین هزینه‌ها با درآمدها عدم الزام تنظیم سالانه بودجه تأمین منابع مالی از طریق استقراض بیرونی عدم برخورداری از سیاست کسری بودجه حداکثر نمودن رضایت‌مندی یا سود پنگاه محدود بودن شعاع زمانی و کمی مخاطره هنر بودن بودجه احتیاطی داشتن تن‌پوشی رازگونه عدم برخورداری از حمایت قوه مجریه

نکته فرعی؛ بودجه‌گذاری احتیاطی یا مازاد برای بخش خصوصی، هنر به شمار می‌آید، ولی چنین کاری در بخش عمومی دولت ضرورت ندارد.

نکته فرعی؛ مالیه خصوصی تن‌پوشی رازگونه دارد (اعتبار بخش خصوصی به آنچه واقعاً دارد نیست)، بلکه به آن چیزی است که به نمایش می‌گذارد، در حالی که مالیه عمومی اینگونه نیست.

تست؛ تفاوت مالیه خصوصی و عمومی در کدام گزینه دیده می‌شود؟

۱) مالیه خصوصی در مورد اصول و قواعد تهیه درآمد بخش‌های خصوصی اقتصاد صحبت می‌کند، در حالی که مالیه عمومی در مورد تحصیل حداکثر سود ممکن بحث می‌نماید.

۲) مالیه خصوصی و عمومی در خصوص یک موضوع مشترک صحبت می‌کند.

۳) اصل سود‌نهایی مالیه خصوصی در مورد فعالیت دولت به اصل مطلوبیت‌نهایی اجتماعی تبدیل می‌شود.

۴) در مالیه عمومی مخاطره کمتر و در مالیه خصوصی به علت حجم گسترده و صرف هزینه‌های بالا مخارج بیشتر می‌باشد.

تست؛ در مالیه هدف از فعالیت‌های مختلف تحصیل سود نیست، بلکه تأمین رفاه اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه است.

۱) خصوصی

۲) عمومی

(۳) تبعی

(۴) اشتراکی

نکته فرعی؛ مالیه تبعی یا اقتضایی را باید از تبعات تجزیه و تحلیل کینز در اقتصاد دانست که اولین بار پرفسور لرنر آن را مطرح نمود. اصل پایه در این مالیات آن است که مالیه عمومی باید به عنوان ابزاری جهت دستیابی به اهداف اصلی جامعه مد نظر قرار گیرد.

تست؛ کدام گزینه در خصوص مالیه عمومی صحیح است؟

(۱) نسبت به مالیه خصوصی مخاطره کمتری دارد.

(۲) سیاست کسری بودجه ندارد.

(۳) دارای استقراض درونی و بیرونی است.

(۴) به بودجه سالیانه نیازی ندارد.

نکته فرعی؛ مالیه عمومی مخاطره بیشتری نسبت به مالیه خصوصی دارد و مورد حمایت دولت و قوه مجریه است. مالیه عمومی سیاست کسری بودجه دارد و مبتنی بر بودجه است و تأمین مالی آن از طریق استقراض درونی و بیرونی انجام می پذیرد.

نکته؛ در روش های سنتی اقتصاد بخش عمومی، چنین فرض می شده که دولت به منزله ی یک انسان، با بصیرت کامل تنها با انگیزه ی خیرخواهی (عقلانیت کامل و سالم)، برای عموم دست به انتخاب می زند. حوالی نیمه دوم قرن بیستم، این تلقی زیر سؤال رفت و تلاشی آغاز شد تا با مدل رفتار عقلایی مربوط به بخش خصوصی، انتخاب ها در بخش عمومی تبیین شود. بدین ترتیب پلی بین اقتصاد و سیاست زده شد تا معلوم شود تصمیمات دولت چگونه شکل می گیرد. به تعریف مولر، انتخاب عمومی مطالعه تصمیم گیری غیربازاری یا به طور ساده کاربرد علم اقتصاد برای علوم سیاسی است.

نکته؛ نظریه انتخاب عمومی مدعی است که اقدامات متقابل رأی دهندگان، سیاستمداران، کارچاق کن های سیاسی و کارمندان در مجموع نتایج نهایی را در بخش عمومی معین می کند: چه چیز و به چه مقدار تولید شود، از که و چقدر مالیات گرفته شود. این نظریه چنین فرض می کند که انگیزه افراد، در فضای سیاست نیز حسابگرانه است؛ مشابه آنچه در بازار به رفتار آنها شکل می دهد. بر اساس این نظریه دولت باید وظایف مشخصی را که بازار قادر به انجام آن نیست را انجام دهد.

تست؛ موضوع کلی نظریه انتخاب عمومی چیست؟

۱) انگیزه افراد، در فضای سیاست مشابه آنچه در بازار به رفتار آنها شکل می‌دهد، حسابگرانه است.

۲) دولت نباید وظایف بازار را انجام دهد.

۳) برای تأمین منابع مالی، شبه مکانیزم‌های بازار نظیر اخذ هزینه از مصرف کنندگان چندان مفید نیست.

۴) پلی بین جامعه‌شناسی و سیاست زده شد تا معلوم شود تصمیمات جامعه چگونه شکل می‌گیرد.

نکته؛ آدام اسمیت بنیانگذار مکتب کلاسیک، در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی به سه اصل کلی معتقد بود؛

- آزادی اقتصادی

- ضرورت وجود منافع خصوصی (مالکیت)

- رقابت در کسب فرصت‌ها

و بر این اساس سه وظیفه برای دولت قائل شد؛

- حفظ و حراست از جامعه (امنیت خارجی)

- حمایت از افراد در مقابل ظلم (نظم داخلی)

- برپایی و نگهداری نهادهای اجتماعی و خدمات عمومی (ارائه کالاهای عمومی)

در خصوص وظیفه سوم، اسمیت در کتاب "ثروت ملل" خود عنوان می‌کند که هر جا مالکیت بزرگ وجود داشته باشد، نابرابری عظیمی مشاهده می‌شود و در این شرایط به وجود دولت احتیاج است، اما جایی که مالکیت خصوصی قادر باشد به نحو کارا عمل کند، وجود دولت لزومی ندارد. به این ترتیب مشخص می‌شود که کلاسیک‌ها بجز در مورد انحصارات طبیعی که به اعتقاد آنها نوعی شکست بازار در تخصیص منابع به شمار رفته و در آن مالکیت عمومی را توصیه می‌کردند، مداخله دولت را در سایر موارد غیر مجاز و مضر میدانستند، زیرا منجر به کاهش کارایی می‌شود.

تست؛ عبارت "هر جا مالکیت بزرگ وجود داشته باشد، نابرابری عظیمی مشاهده می‌شود" ناظر بر کدام وظیفه دولت از دیدگاه آدام اسمیت می‌باشد؟

۱) حفظ و حراست از جامعه

۲) حمایت از افراد در مقابل ظلم

۳) برپایی و نگهداری نهادهای اجتماعی و خدمات عمومی

۴) تأمین نظم داخلی

نکته؛ در طول دو قرن گذشته، تحلیل‌های متفاوتی درباره‌ی افزایش اندازه‌ی دولت‌ها مطرح شده است که می‌توان به اختصار به موارد ذیل اشاره کرد؛ واگنر در سال ۱۸۷۶ تغییر ساختار و تجدید بنای جامعه را لازمه‌ی بزرگ‌شدن حجم دولت‌ها می‌دانست. انگل در سال ۱۸۸۰ رشد درآمد سرانه و تجملی بودن کالاهای عمومی را موجب افزایش اندازه دولت می‌دانست. پیکاک و وایزمن با معرفی اثر جابجایی (چرخ‌دنده‌ای) عواملی همچون جنگ را موجب افزایش مخارج دولت در دوره‌ای خاص می‌دانند. بامول در سال ۱۹۶۷ بیان کرد بهره‌وری نازل بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی را موجب افزایش کارکنان دولتی و در نتیجه افزایش مخارج دولت و بزرگ‌تر شدن حجم دولت می‌دانند. ماسگریو بیان کرد که هزینه‌های فزاینده‌ی نسبی خدمات عمومی در مقایسه با سطح عمومی قیمت‌ها، علت افزایش حجم دولت است. مولر نیز در سال ۱۹۸۰ بیان کرد وجود گروه‌های ذینفع موجب افزایش اندازه دولت می‌شود.

تست؛ کدام گزینه در خصوص نظریات پیرامون دلایل بزرگ شدن دولت صحیح می‌باشد؛

(۱) از دیدگاه مولر هزینه‌های فزاینده‌ی نسبی خدمات عمومی در مقایسه با سطح عمومی قیمت‌ها، علت افزایش حجم دولت است.

(۲) پیکاک و وایزمن با معرفی اثر جابجایی (چرخ‌دنده‌ای) عواملی همچون جنگ را موجب افزایش مخارج دولت در دوره‌ای خاص می‌دانند.

(۳) ماسگریو بهره‌وری نازل بخش عمومی نسبت به بخش خصوصی را موجب افزایش کارکنان دولتی و در نتیجه افزایش مخارج دولت و بزرگ‌تر شدن حجم دولت می‌دانند.

(۴) از نظر بامول وجود گروه‌های ذینفع موجب افزایش اندازه دولت می‌شود.

تست؛ از دیدگاه رشد درآمد سرانه و تجملی بودن کالاهای عمومی موجب افزایش اندازه دولت می‌شود.

(۱) ماسگریو

(۲) بامول

(۳) انگل

(۴) واگنر

نکته؛ در رابطه با نقش دولت در اقتصاد سه دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول اساساً سهمی برای دولت قائل نبوده و رشد و توسعه اقتصادی را در سایه ایجاد بهره‌وری و رقابت از طریق ورود و خروج آزاد و تخصیص بهینه منابع از طریق ساز و کار بازار در راس امور قرار می‌دهد.

در دیدگاه دوم اساساً همه چیز در اختیار دولت قرار دارد. وجود حجم وسیع سرمایه در اختیار دولت به عنوان عامل اصلی برای به حرکت درآوردن موتور رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌شود.

در میان این دو دیدگاه افراطی، دیدگاه های متعادل تری مبنی بر اصل اجماع و توافق میان بخش های عمومی و خصوصی مطرح است.

نقش دولت در اقتصاد معمولاً از طریق اندازه گیری نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی یا ملی ارزیابی می شود، که به نسبت مالیاتی موسوم است. مهم ترین عوامل موثر بر نسبت مالیات ها عبارتند از میزان هزینه های دولت، امکانات موجود درآمدهای غیرمالیاتی (شامل استقراض)، ظرفیت مالیاتی کشور و محصول ناخالص داخلی.

نکته؛ ریچارد ماسگریو از بزرگترین اقتصاددانان تأمین مالی بخش عمومی قرن بیستم، برای دولت سه وظیفه اقتصادی در نظر گرفت؛

الف) وظیفه تخصیص

برطرف کردن مشکلات بازار از طریق تدوین مقررات، سیستم مالیات، یارانه و ارائه کالای عمومی

ب) وظیفه توزیع

تدوین قوانین و مقررات از طریق دنبال نمودن عدالت اجتماعی، انصاف و تاکید بر برابری و حذف تبعیض های اقتصادی در دسترسی به امکانات بازار

ج) وظیفه تثبیت

در اقتصاد بازار، اشتغال کامل و تثبیت به خودی خود قابل تأمین نیست مگر اینکه با هدایت دولت و اتخاذ سیاست های مناسب برای تأمین آن اقدام شود. بدون آن اقتصاد دستخوش نوسانات عمده خواهد شد، و یا از تحمل ادوار بیکاری و تورم رنجور خواهد گردید. تردیدی نیست که سیاست دولتی هم چنانچه بطریق نادرست دنبال شود وضع اقتصادی را آشفته تر خواهد کرد. بهمین لحاظ باید دید ترتیب سیاست بودجه ای باید چگونه باشد تا برای تأمین مقصود موثر واقع شود. وظایف تثبیتی دولت عمدتاً بوسیله ابزارهایی مانند سیاست مالی و پولی و سایر ابزارهای سیاستگذاری اقتصاد کلان مانند سیاست های ارزی اعمال می گردد.

امروزه فعالیت های دولت در هر سه شاخه به هم گره خورده است و نمی توان آنها را دقیقاً آنطوری که ماسگریو مجسم کرده است، طبقه بندی کرد. با این حال وظایف سه گانه ای که او برای اقتصاد بخش عمومی در نظر می گیرد یک راه سهل الوصول برای نگاه به هزاران فعالیتی که دولت با آن سر و کار دارد، فراهم می کند.

تست؛ برطرف کردن مشکلات بازار از طریق تدوین مقررات، سیستم مالیات، یارانه و ارائه کالای عمومی جزء وظایف دولت است.

(۱) تثبیت

(۲) تخصیص

(۳) توزیع

(۴) تعدیل

فصل دوم؛ دخالت دولت در اقتصاد

نکته؛ نظریه لزوم دخالت دولت در توزیع درآمد؛ این نظریه متعلق به بوکانن است. این نظریه بر این واقعیت استوار است که در جهان کنونی عده‌ای ثروت سرشاری برخوردارند، در حالی که گروهی در فقر و فلاکت دست و پا می‌زنند. بسیاری از افراد بدون آنکه غیر کارآمد و تنبل باشند، به دلایل مختلف کم درآمد هستند و در انتهای گروه‌های درآمدی قرار دارند. در صورتی که برخی بر حسب تصادف و بدون داشتن لیاقت لازم و توانایی کافی ثروت بسیاری به دست آورده‌اند.

تست؛ اینکه برخی بر حسب تصادف و بدون داشتن لیاقت لازم و توانایی کافی ثروت بسیاری به دست آورده‌اند و عده‌ی دیگر بدون آنکه غیر کارآمد باشند، به دلایل مختلف کم درآمد هستند، بیانگر نظریه است.

(۱) نظریه لزوم دخالت دولت در توزیع درآمد - بوکانن

(۲) نظریه نقاط بهینه - پرتو

(۳) نظریه توزیع ناعادلانه درآمد - ماسگریو

(۴) نظریه اشتغال ناقص - کینز

نکته؛ امروزه سیستم اقتصادی کشورهای مختلف در سایه‌ی پیروی از عقاید اقتصادی حاکم، در قالب یک سیستم اقتصاد مختلط اداره می‌شود و در این سیستم هم بخش خصوصی و هم دولت نقش‌های مهمی را ایفا می‌نمایند. دولت نقش‌هایی در راستای جبران شکست بازار، پیامدهای خارجی و عدم تحقق شرایط رقابت کامل ایفا می‌کند. نقش‌هایی که ناشی از محدودیت توانایی بازار و بخش خصوصی برای به دست دادن یک نتیجه کارا و کارآمد از فعالیت‌های اقتصادی و همچنین فراهم نکردن نیازهای اساسی اجتماعی است.

تست؛ کدام یک از موارد زیر جزء نقش‌های دولت در راستای جبران نقش‌های بازار نمی‌باشد؟

(۱) شکست بازار

(۲) پیامد خارجی

(۳) ارائه کالای خصوصی

نکته؛ از دیدگاه منشاء و نوع فعالیت ایجادکننده پیامد خارجی (منافع یا هزینه های خارجی) می توان انواع پی آمد خارجی را به صورت زیر طبقه بندی نمود:

الف: پیامد خارجی منفی تولیدی مانند: آلودگی هوا توسط کارخانه تولیدی همچون سیمان و

ب: پیامد خارجی مثبت تولیدی مانند: منافع تولید گل برای زنبورداران

ج: پیامد خارجی منفی مصرفی مانند: از بین رفتن هوای پاک برای دیگران به خاطر دود ناشی از کشیدن سیگار

د: پیامد خارجی مثبت مصرفی مانند: منافع واکسیناسیون در برابر بیماری های واگیر دار برای دیگران

نکته : منافع خارجی همان پیامد خارجی مثبت است که به دو صورت تولیدی و مصرفی است.

نکته؛ در رابطه با پیامدهای خارجی نمونه های زیادی وجود دارد که در آنها اقدامات یک فرد یا بنگاه افراد یا بنگاه های دیگر را تحت تاثیر قرار می دهد؛ جایی که یک بنگاه هزینه ای را بر بنگاه های دیگر تحمیل می کند اما آن هزینه را جبران نمی کند یا بر عکس، یک بنگاه منفعتی را به دیگر بنگاه ها می رساند اما از بهره مندشدگان آن پاداشی را دریافت نمی کند. آلودگی هوا و آب مثال هایی از این قبیل هستند. هنگامی که فردی با خودرویی که به دستگاه کنترل آلودگی مجهز نیست رانندگی می کند، کیفیت هوا را پایین می آورد و لذا هزینه ای را به دیگران تحمیل می کند. بطور مشابه، یک کارخانه شیمیایی که مواد شیمیایی اش را درون رودخانه مجاور تخلیه می کند، هزینه هایی را بر استفاده کنندگان پایین دستی آب آن رودخانه تحمیل می کند؛ آنها احتمالاً مجبورند مبلغ قابل توجهی را هزینه کنند تا آب را برای قابل استفاده کردن پاکیزه گردانند.

تست؛ چنانچه یک شرکت تولیدکننده سیمان در شهر شیراز به طور مستمر منجر به آلودگی هوا گردد، ایجاد می گردد و دخالت دولت لازم می گردد.

(۱) پیامد خارجی منفی تولیدی

(۲) پیامد خارجی منفی مصرفی

(۳) پیامد خارجی مثبت تولیدی

(۴) پیامد خارجی مثبت مصرفی

نکته؛ پیامدهای خارجی مثبت زمانی اتفاق می افتد که فعالیت بنگاه تولیدی یا فرد مصرف کننده که پیامد خارجی تولید می کند، باعث افزایش نفع دیگران به صورت افزایش سود برای بنگاه ها و یا افزایش مطلوبیت برای مصرف کنندگانی شود که از آن تأثیر می پذیرند. هر چه پیامد خارجی مثبت تولید کالا یا خدمتی بیشتر باشد، باید میزان پرداخت یارانه بیشتر باشد. در بعضی حالات تمام هزینه تولید یا قیمتی که تولید کننده تمایل به دریافت دارد را باید بصورت یارانه به تولید کننده پرداخت نمود، به عبارت دیگر باید کالا یا خدمات مربوطه بصورت رایگان به مصرف کننده داده شود. در بعضی حالات دیگر ممکن است علاوه بر پرداخت تمام هزینه های تولید به تولید کننده بصورت یارانه، مقداری یارانه نیز به مصرف کننده برای استفاده از این کالا یا خدمت پرداخت گردد تا سطح تولید کارآمد باقی بماند.

تست؛ زمانی اتفاق می افتد که فعالیت بنگاه تولیدی یا فرد مصرف کننده که پیامد خارجی تولید می کند، باعث افزایش نفع دیگران به صورت افزایش سود برای بنگاه ها و یا افزایش مطلوبیت برای مصرف کنندگانی شود که از آن تأثیر می پذیرند.

(۱) پیامد خارجی منفی مصرفی

(۲) پیامد خارجی مثبت

(۳) پیامد خارجی خنثی

(۴) پیامد خارجی منفی تولیدی

نکته؛ پیامد خارجی منفی زمانی اتفاق می افتد که فعالیت یک بنگاه تولیدی یا فرد مصرف کننده که پیامد خارجی تولید می کند، باعث ضرر و زیان دیگران گردد. یعنی برخی بنگاه ها از فعالیت یک بنگاه آسیب بینند یا میزان مطلوبیت مصرف کنندگان کاهش پیدا کند. آلودگی هوا توسط کارخانه ی تولید سیمان و از بین رفتن هوای پاک برای دیگران به خاطر دود ناشی از کشیدن سیگار نمونه هایی از پیامدهای خارجی منفی است.

نکته؛ پدیده ی ازدحام نیز جزء پیامدهای خارجی منفی استفاده از کالاها و خدمات است. پارک ها، خیابان ها و محوطه ساحلی برای ماهیگیری از نمونه کالاها ی عمومی هستند. مثلاً آزاد راه تهران - کرج را که کالایی عمومی است در یک روز وسط هفته در نظر بگیرید که اتومبیل ها در آن رفت و آمد می کنند و با صرف بنزین، وقت راننده و سرنشینان، روغن و استهلاک ماشین به مقصد می رسند. حال یک روز تعطیل در فصل تابستان را مجسم کنید که به دلیل تعداد بسیار زیاد اتومبیل ها، رفت و آمد با اشکال در جریان است و هزینه رسیدن به مقصد برای سرنشینان و راننده ماشین ها افزایش می یابد. در اینجا تأثیر ازدحام عبارت است از افزایش هزینه برای عده ای که با ورود ماشین های اضافی ایجاد می شود که برابر است با تفاوت هزینه حرکت از یک مبدأ و رسیدن به مقصد در یک روز عادی و هزینه مشابه در یک روز تعطیل تابستان.

تست؛ پدیده ازدحام جزء کدام یک از پیامدهای خارجی محسوب می‌شود؟

(۱) منفی

(۲) مثبت

(۳) خنثی

(۴) هیچ کدام

نکته؛ سیاست‌های قابل اعمال توسط دولت برای برخورد با پیامدهای خارجی منفی می‌توانند شامل مالیات، مجوزهای قابل مبادله در مورد فعالیت، جریمه، تغییر تکنولوژی تولید، توقف فعالیت و یا تعریف حقوق مالکیت باشند. ماهیت سیاست‌های مورد نظر دولت در خصوص برخورد با فعالیت‌هایی که پیامد خارجی منفی در پی دارند به صورتی است که به علت تولید بیشتر بازار از این دسته از کالاها، دولت به منظور افزایش رفاه اجتماعی خواهان کاهش تولید این کالاها تا سطح کارا می‌باشد. دولت به منظور افزایش رفاه اجتماعی اقدامات مختلفی را متناسب با ماهیت کالاها و بازار آن‌ها به عمل می‌آورد. معمول ترین اقدامات دولت در خصوص اصلاح فعالیت‌هایی که دارای پیامد خارجی مثبت می‌باشند دربردارنده سیاست‌هایی است مثل: تولید و تدارک عمومی کالاها، پرداخت یارانه، کمک و اعانه موردی و هدفمند، حمایت از حقوق مالکیت معنوی و تعریف درستی از حقوق مالکیت برای افراد.

تست؛ کدام یک از گزینه زیر به ترتیب بیانگر سیاست‌های قابل اعمال دولت در خصوص پیامدهای خارجی مثبت و منفی است؟

(۱) حمایت از حقوق مالکیت معنوی - مجوزهای قابل مبادله در مورد فعالیت

(۲) مالیات - تغییر فناوری تولید

(۳) تولید و تدارک عمومی کالاها - پرداخت یارانه

(۴) توقف فعالیت - کمک و اعانه موردی و هدفمند

نکته؛ در مواردی که پیامدهای خارجی (مثبت یا منفی) وجود دارد، دولت‌ها به عنوان برطرف کننده یا کاهش دهنده اثرات، وارد عرصه اقتصاد می‌شوند و مقدار تولید این نوع کالاها را به بهینه نزدیکتر می‌کنند. اضافه بار منفی یا رفاه گم شده اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که بازار فاقد پیامد خارجی مثبت و یا منفی باشد و پرداخت یارانه به این بازار منجر به ناکارایی بازار می‌شود. در نتیجه دولت در چنین مواردی نباید یارانه به بازار تخصیص دهد.

تست؛ در رابطه با پیامدهای خارجی، اضافه بار منفی یا رفاه گم شده اجتماعی چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

(۱) زمانی که بازار فاقد پیامد خارجی مثبت و یا منفی باشد.

(۲) زمانی که بازار دارای پیامد خارجی مثبت یا منفی باشد.

(۳) زمانی که پرداخت یارانه به این بازار منجر به ناکارایی بازار شود.

(۴) ۱ و ۳

نکته؛ اقتصاددانان با ویژه در مواجهه با پیامدهای خارجی زیست محیطی عموماً با نظارت‌ها و کنترل‌های دولتی که تکنولوژی‌هایی خاص یا اقدامات تجاری مشخصی را الزامی می‌سازند، مخالفت می‌کنند. این روش‌ها هزینه پاکسازی محیط زیست را بسیار بیش از آن چه باید باشد می‌سازند، زیرا هزینه کاهش آلودگی در میان شرکت‌ها و صنایع مختلف فرق می‌کند. راه حلی کارا تر برای انجام این امر صدور "مجوزهای آلودگی" قابل معامله است که نشان دهنده میزان آلودگی هدف باشند. منابعی که بتوانند پیامدهای خارجی منفی خود را با هزینه ای اندک کاهش دهند، به نحو چشمگیری تولید خود را کاهش داده و مجوزهایشان را به منابع آلودگی دارای انعطاف کمتر خواهند فروخت.

نکته؛ در صورتی یک فعالیت اقتصادی، کارا خواهد بود که هزینه نهایی اجتماعی و منافع نهایی اجتماعی آن برابر شود. هزینه نهایی اجتماعی از دو هزینه درونی و هزینه بیرونی تشکیل می‌شود. زمانی که یک آموزش و یا یک فعالیت آموزشی ارائه می‌شود، هزینه بیرونی آن توسط فردی که فعالیت را انجام می‌دهد پرداخت نمی‌شود و به شکل آثار خارجی به شخص ثالث که خارج از سیستم بازار است، تحمیل می‌گردد.

تست؛ در صورتی یک فعالیت اقتصادی، کارا خواهد بود که شود.

(۱) هزینه نهایی اجتماعی و منافع نهایی اجتماعی آن برابر باشد.

(۲) هزینه نهایی اجتماعی بیشتر از منافع نهایی اجتماعی آن شود.

(۳) منافع نهایی اجتماعی بیشتر از هزینه نهایی اجتماعی آن شود.

(۴) منافع نهایی اجتماعی صفر شود.

نکته؛ با توجه به این که نفع خصوصی و اجتماعی در ایجاد کالای عمومی است، چه کسی باید کالای عمومی را تولید کند؟ کالای عمومی یکی از مصادیق شکست نظم بازار در هماهنگی منافع شخصی در راستای تامین منافع اجتماعی است. در واقع به دلیل ویژگی‌های خاص کالای عمومی، نظم بازار قادر نیست که منافع شخصی را در راستای تامین منافع اجتماعی هماهنگ نموده و کالای عمومی مورد نظر را در حد مطلوب تامین نماید. برای مثال اگر چه نفع اجتماعی

در تامین حد مطلوب امنیت به عنوان یک کالای عمومی است، اما نظم بازار قادر نیست منافع شخصی افراد را برای تامین کالای امنیت با هم هماهنگ نماید به گونه ای که کالای امنیت به اندازه مطلوب جامعه تولید گردد. بنابراین نظم بازار در تامین کارایی جهت رسیدن به وضعیت بهینه پرتو شکست می خورد. در واقع در چنین شرایطی زمینه ای وجود دارد که می توان با دخالت در نظم بازار، با تخصیص منابع در فرآیندهای تولید و مصرف در سیستم اقتصادی به وضعیتی رسید که بهینه پارتو است. یعنی به وضعیت رفاهی دست یافت که در آن، وضعیت رفاهی حداقل یک نفر بهبود یابد، بدون اینکه وضعیت رفاهی فرد دیگری در سیستم اقتصادی بدتر شود. اینجا است که یکی از مصادیق کلاسیک ضرورت اقدام و مداخله دولت در نظم بازار، بروز و ظهور می یابد. دولت به عنوان طرف سوم می تواند اقدام به تامین کالای عمومی نماید.

نکته؛ تهیه و تدارک کالاهای عمومی و یا فرآیندی که در طول آن، منابع کل بین کالاهای خصوصی و عمومی تقسیم می شود و همچنین در جریان آن ترکیب کالاهای عمومی مورد تصمیم گیری و گزینش قرار می گیرد، یکی از نقش های دولت است که می توان آن را نقش تخصیصی نامید. دولت در انجام این وظیفه دغدغه ای کارایی دارد و در پی اتخاذ سیاست های متناسب اقتصادی در ارتباط با تولید و مصرف کارای کالاهای خصوصی و عمومی می باشد.

نکته؛ کالای عمومی خالص؛ بر این اساس، کالای عمومی خالص (سره یا محض)، کالایی است که تا حد بالایی استثنانپذیر و رقابت ناپذیر باشد. به علاوه، کالاهای عمومی از جهت پوششی که به مصرف کنندگان می دهند، به سه سطح کالای عمومی محلی (مثل پارک)، ملی (مثل دفاع ملی و قانون) و جهانی (منافع ناشی از برطرف کردن سوراخ لایه ازن) قابل تقسیم هستند.

بر خلاف یک کالای عمومی، یک کالا وقتی خصوصی است که این ویژگی ها را ندارد. برای مثال یک قرص نان و یا یک فنجان چای یک کالای خصوصی است. تعلق آن به یک فرد می تواند دیگران را از استفاده از آن محروم کند، و با یکبار مصرف آن دیگر نمی تواند دوباره استفاده شود. تولیدات رادیویی و تلویزیونی در صدا و سیما یک کالای عمومی خالص است لذا از ویژگی رقابت ناپذیری برخوردار است و هم چنین نمی توان عده ای از دیدن آن بازداشت. در نتیجه با توجه به این که با اضافه شدن یک مصرف کننده جدید نیازی به ایجاد ظرفیت های جدیدی نمی باشد، هزینه نهایی تولید صفر خواهد بود.

نکته؛ کالای خصوصی باید دارای دو ویژگی اساسی باشد: اول استثنانپذیری و دوم رقابت پذیری. بر این اساس و بر حسب وجود و یا عدم وجود این دو ویژگی و خاصیت برای کالاها می توان کالاها را در چهار گروه مطابق با جدول زیر طبقه بندی کرد:

استثناپذیری رقابت پذیری	استثناپذیر (دارای قابلیت تفکیک و تخصیص منافع)	استثناپذیر (فاقد قابلیت تفکیک و تخصیص منافع)
	رقابت پذیر	رقابت ناپذیر
رقابت پذیر	کالاهای خصوصی خالص	کالاهای همگانی یا مشترک
رقابت ناپذیر	کالاهای باشگاهی یا گروهی	کالای عمومی خالص

کالای خصوصی خالص هم استثناپذیر و هم رقابت پذیر محسوب می شود که در مصرف یک کالای رقابت پذیر محسوب می شود.

تست؛ در کدام یک از شرایط زیر یک کالا عمومی تلقی می گردد؟

- ۱) رقابت پذیر - استثناءپذیر
- ۲) رقابت ناپذیر - استثناءپذیر
- ۳) رقابت پذیر - استثناءناپذیر
- ۴) رقابت ناپذیر - استثناءناپذیر

نکته؛ گروهی از کالاها که به آنها کالای باشگاهی یا گروهی گفته می شود دارای ویژگی رقابت ناپذیری می باشند، ولی این ویژگی برای این کالاها دارای ظرفیت خاصی می باشد و این ویژگی تا محدوده ای از مصرف برای آنها وجود دارد و در صورت افزایش تعداد مصرف کنندگان آن کالا، ازدحام در مصرف کالا بوجود می آید. به عبارت دیگر بعضی از کالاها هستند که به علت محدودیت سطح پذیرش پس از حدی از مصرف همزمان، افزایش تعداد مصرف کنندگان فقط با کاهش در فایده دیگران، ممکن می گردد. این گونه کالاها را کالای عمومی ناخالص می نامند. یعنی پس از تکمیل یک ظرفیت خاص مصرفی، اضافه شدن هر فرد دیگر باعث کاهش خدمات برای همه مصرف کنندگان می گردد. کالاهایی مثل استخر، تئاتر، سیرک، جاده، اتوبان ها و وقتی در مرحله ازدحام قرار گیرند، نمونه هایی از کالاهای عمومی ناخالص هستند.

تست؛ عبارت زیر بیانگر کدام یک از انواع کالاها می باشد؟

در این نوع از کالاها پس از تکمیل یک ظرفیت خاص مصرفی، اضافه شدن هر فرد دیگر باعث کاهش خدمات برای همه مصرف کنندگان می گردد.

(۱) کالای همگانی

(۲) کالای خصوصی خالص

(۳) کالای عمومی خالص

(۴) کالای باشگاهی یا گروهی

نکته؛ منافع بدست آمده از کالاهای عمومی ناخالص (ناسره) با افزایش مصرف کنندگانی که در مصرف آنها سهیم می شوند، کاهش می یابد. این پدیده به نام «پدیده ازدحام» معروف است و فقط مشمول کالاهای عمومی می گردد. پدیده ازدحام برای کالاهای خصوصی صادق نیست.

نکته؛ هزینه نهایی استفاده از کالاهای عمومی خالص صفر است. یعنی اضافه شدن یک استفاده کننده دیگر هزینه ای جدید ایجاد نخواهد کرد. مثلاً پس از احداث یک پل، اضافه شدن یک عابر به آن هزینه جدیدی ایجاد نخواهد کرد. یا مثلاً وقتی برنامه تلویزیونی تولید شده و منتشر گشت اضافه شدن دارندگان تلویزیون تاثیری بر هزینه ندارد. یعنی هزینه نهایی صفر است. $CM=0$

نکته؛ الگوی ساموئلسون؛ پل ساموئلسون در مقاله سال ۱۳۵۴ خود «نظریه تولید و مصرف کالای عمومی» را در چارچوب شرایط بهینه پارتو تطبیق داد. او با در نظر گرفتن دو خاصیت غیر قابل تفکیک بودن منافع و امکان مصرف همزمان برای کالای عمومی، شرایط بهینه پرتو را نشان داد. الگوی وی بر فرض های زیر مبتنی است:

۱. در این الگو فرض می شود که سلیقه ها و درآمدها و قیمت دیگر کالا معین و داده شده است.
۲. انسان از همه قیمت های مورد رضایت افراد برای خرید کالای عمومی اطلاع دارد.
۳. منحنی تقاضا در مورد کالای عمومی با جمع کردن تقاضاها به صورت عمودی و در روی ستون قیمت صورت می گیرد، زیرا میزان کالای عمومی قابل دسترس برای هر دو فرد تقریباً یکسان است.
۴. افراد، ترجیحاتشان را برای کالای عمومی آشکار می کنند.

بر اساس الگوی ساموئلسون در شرایط بهینه پرتو، شرط تولید بهینه کالای عمومی از برابری مجموع فواید نهایی مصرف کنندگان با هزینه نهایی تولید بدست می آید. به عبارت دیگر اگر یک کالای عمومی مثل G را دو فرد ۱ و ۲ مصرف نمایند، انگاه میزان تولید بهینه کالای عمومی از رابطه زیر بدست می آید:

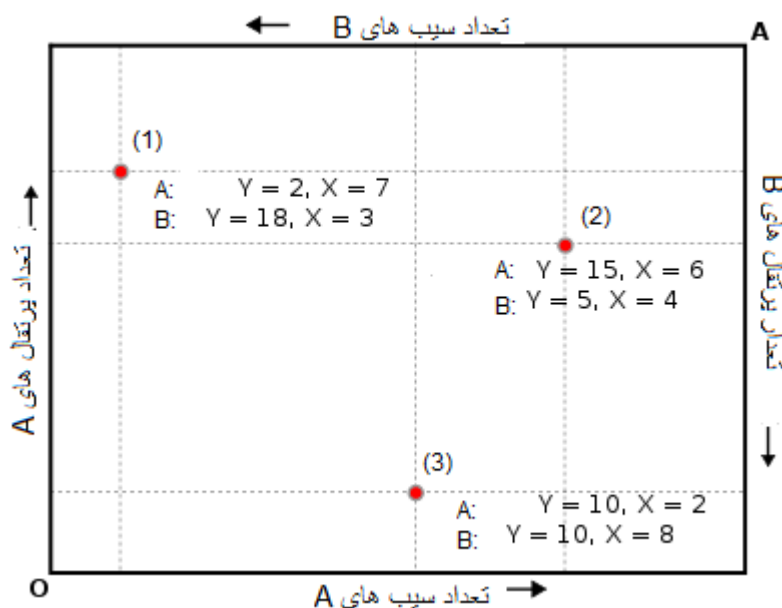
$$MB1_G + MB2_G = MC_G$$

که در این رابطه MC_G هزینه نهایی و MB_G فایده نهایی کالای عمومی است.

نکته: نقطه بهینه پرتو؛ در جعبه اج ورث نقطه ای از تخصیص منابع وجود دارد که در آن نقطه امکان بالابردن مطلوبیت یک شخص را بدون پایین آوردن مطلوبیت شخص دوم وجود ندارد. به این نقطه، نقطه بهینه پرتو گوییم. در این نقاط منحنی‌های مطلوبیت بازیگران در صورت وجود جواب درونی برهم مماس خواهد بود و نرخ نهایی جانشینی دو کالا برای افراد یکسان است. این نقاط بیانگر شرایطی از اقتصاد است که در آن اتلاف منابع نداریم و منابع به گونه‌ای تخصیص داده شده‌اند که افراد به تنهایی تمایلی به تغییر شرایط ندارند. در این نقطه بردار قیمت مماس بر هر منحنی‌های بی تفاوتی هر دو فرد خواهد بود. در نقطه تعادل نرخ نهایی جانشینی کالای A به جای B برای هر دو فرد برابر و معادل نسبت قیمت کالاها خواهد بود.

مثال: فرض کنید اقتصادی با دو مصرف‌کننده و دو نوع کالای سیب و پرتقال داریم. در مجموع ۲۰ عدد پرتقال و ۱۰ عدد سیب در این اقتصاد موجود است. می‌توان سهم هر فرد از هر کالا را در جعبه اج ورث مطابق شکل مشخص کرد. نقطه ۱ بیانگر نقطه ایست که فرد A در ابتدا ۷ عدد سیب و ۲ عدد پرتقال همچنین فرد B، به تعداد ۳ عدد سیب و ۱۸ عدد پرتقال دارد. سایر نقاط تخصیص‌های دیگری از دو کالا به افراد را نشان می‌دهند. در شکل طول محور افقی میزان کل سیب در این اقتصاد و طول محور عمودی میزان کل پرتقال موجود را نمایش می‌دهد.

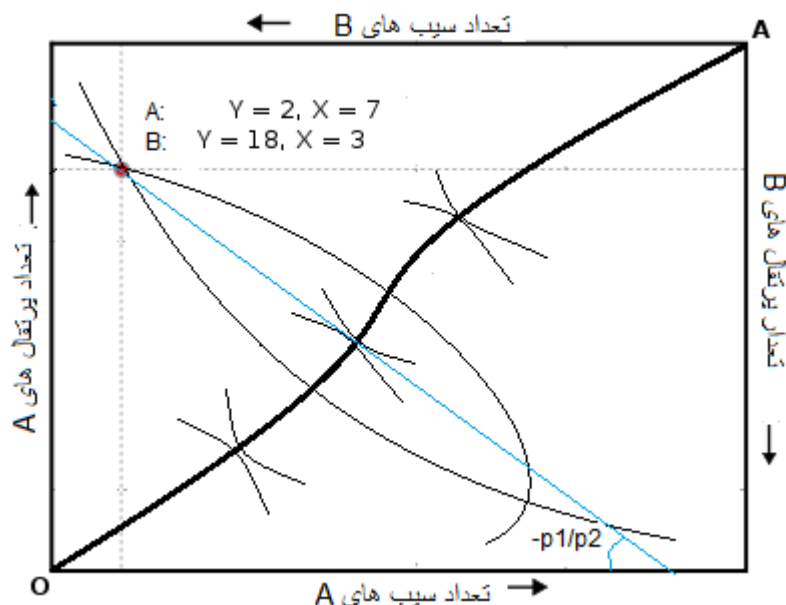
برای بررسی رفتار این دو فرد تابع مطلوبیت آن‌ها را در نقطه (۱) رسم می‌کنیم (شکل دوم). نقاط هاشور خورده نقاطی را نشان می‌دهند که با فرض ثابت بودن تعداد کل سیب و پرتقال وضعیت هر دو فرد A و B در این نقاط بهتر خواهد شد و این دو فرد می‌توانند با مبادله کالاهای خود به هر کدام از این نقاط دست یابند.



منحنی قرارداد:

مکان هندسی تمام نقاط بهینه پرتو منحنی قرارداد نامیده می‌شود.

در رابطه با وضعیت بهینه پرتو، ترجیح این است که افراد بر روی خط قرارداد قرار گیرند.



تست؛ در صورتی که در جعبه اچ ورث در یک نقطه دیگر نتوان مطلوبیت یک شخص را بدون پایین آوردن مطلوبیت شخص دوم افزایش داد، به آن گفته می‌شود.

(۱) نقطه بهینه پرتو

(۲) نقطه بهینه تولید

(۳) نقطه تعادل

(۴) نقطه اقتصادی سفارش

نکته؛ چون وظیفه اصلی اقتصاد، تخصیص مؤثر منابع در فرآیند تولید جامعه است، اثرات تخصیص منابع مربوط به مالیات‌ها و یارانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار هستند. تخصیص بهینه نهاده‌ها در تولید ستاده‌ها تضمین‌کننده‌ی رشد مناسب، افزایش توان تولیدی جامعه، افزایش درآمد ملی و درآمد سرانه می‌شود.

معمولاً مالیات و یارانه در بازار رقابتی، تخصیص غیرمؤثر منابع را بدنبال دارند. آنچه که از نظر کلاسیک‌ها به عنوان دلیل عدم دخالت دولت در اقتصاد مطرح می‌شد، همین بحث است.

نکته؛ وظایف دولت به دو دسته وظایف حاکمیتی و وظایف تصدی‌گری تقسیم می‌شود؛ وظایف حاکمیتی که امنیت خارجی و نظم داخلی را شامل می‌شود. وظیفه تصدی‌گری دولت در شمار وظایفی است که بخش خصوصی نیز می‌تواند از عهده آنها برآید ولی در بعضی موارد برحسب ضرورت‌هایی نیاز به دخالت دولت در تولید، توزیع و مصرف کالاها می‌-

باشد. مثل توزیع کالاها توسط دولت در زمان جنگ. وظیفه تصدی‌گری دولت یک وظیفه موقتی است و بستگی به ضرورت‌ها دارد و درازمدت به ناکارآمدی اقتصادی در دولت منجر می‌شود.

تست: کدام یک از وظایف زیر بر حسب ضرورت‌هایی نیاز به دخالت مستقیم دولت در تولید، توزیع و مصرف کالاها دارد؟

(۱) نظم داخلی

(۲) وظایف تصدی‌گری

(۳) امنیت خارجی

(۴) وظایف حاکمیتی

نکته: بسیاری از اقتصاددانان کارایی بخش عمومی در رشد و توسعه اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند که در این خصوص یکی از ابعاد مهم تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی، تعیین اندازه بهینه دولت ذکر شده است. اگر چه سابقه موضوع تأثیر دولت بر فعالیت‌های اقتصادی بسیار طولانی است و به دوره کلاسیک‌ها برمی‌گردد، بررسی‌های علمی و کاربردی در خصوص "اندازه بهینه دولت" بحث جدیدی است. اندازه بهینه دولت متغیری نسبی است که متناسب با شرایط اقتصادی، تعداد صنایع و زیربخش‌های اقتصادی، درجه توسعه یافتگی، نرخ تورم و بیکاری، دامنه و وسعت موارد شکست بازار و... تعیین خواهد شد.

نکته: توافق عمومی وجود دارد که نظام بازار قادر نیست حداقل‌ها را در عدالت توزیعی فراهم سازد و به اقدام باز توزیعی دولت نیاز داریم. مطابق با اصل توزیع، وظیفه دولت به شکل اخذ مالیات تصاعدی از صاحبان ثروت و انتقال آن به شکل یارانه به طبقات پایین درآمد صورت می‌گیرد یا به شکل کسب انواع مالیات و ارائه خدمات عمومی مورد نیاز طبقات اجتماعی نیازمند (مثل خدمات آموزشی، بهداشتی، مسکن و سایر اقدامات مشابه) است. هر اقدام توزیعی ممکن است هزینه‌ای از حیث کارایی تولید در بر داشته باشد و سرانجام شیوه‌های جدید، بیشتر متوجه به کاهش فقر است. در سیاست توزیعی، دولت به دنبال توزیع عادلانه مبتنی بر سیاست رفاه اجتماعی می‌باشد که برای پایین‌ترین طبقه درآمد جامعه، حد معینی را که حداقل معیشت فرد را تأمین کند، معین می‌سازد بدون اینکه محدوده‌ی بالاترین طبقه را تعیین نماید. بنابراین می‌توان گفت که ایجاد تغییرات در سیاست‌های مالیاتی و هزینه‌ای در راستای خط‌مشی‌هایی که افراد فقیر منتفع می‌شوند پیرو اصل توزیع می‌باشد.

نکته: ضریب جینی یک واحد اندازه‌گیری پراکندگی آماری است که معمولاً برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که ارزشی بین صفر و یک

دارد. یکی از مهمترین نشانه‌های رشد اجتماعی و وضعیت رفاه در یک جامعه، تعادل و توازن توزیع درآمد یا ثروت در آن جامعه است. از جمله مهمترین شاخص‌های این سنجش ضریب یا شاخص جینی است. هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد صفر باشد، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می‌دهد و بالعکس هر چقدر ضریب جینی نزدیک به عدد یک باشد، توزیع نابرابر درآمد را مشخص می‌کند. اگر ضریب جینی مساوی با عدد صفر باشد، یعنی همه درآمد و ثروت یکسان دارند (برابری مطلق) و اگر مساوی با عدد یک باشد، یعنی نابرابری مطلق به گونه‌ای که ثروت تنها در دست یک نفر است و مابقی هیچ درآمدی ندارد.

تست؛ مقدار مطلوب ضریب جینی (توزیع درآمد برابر) زمانی است که به نزدیک باشد.

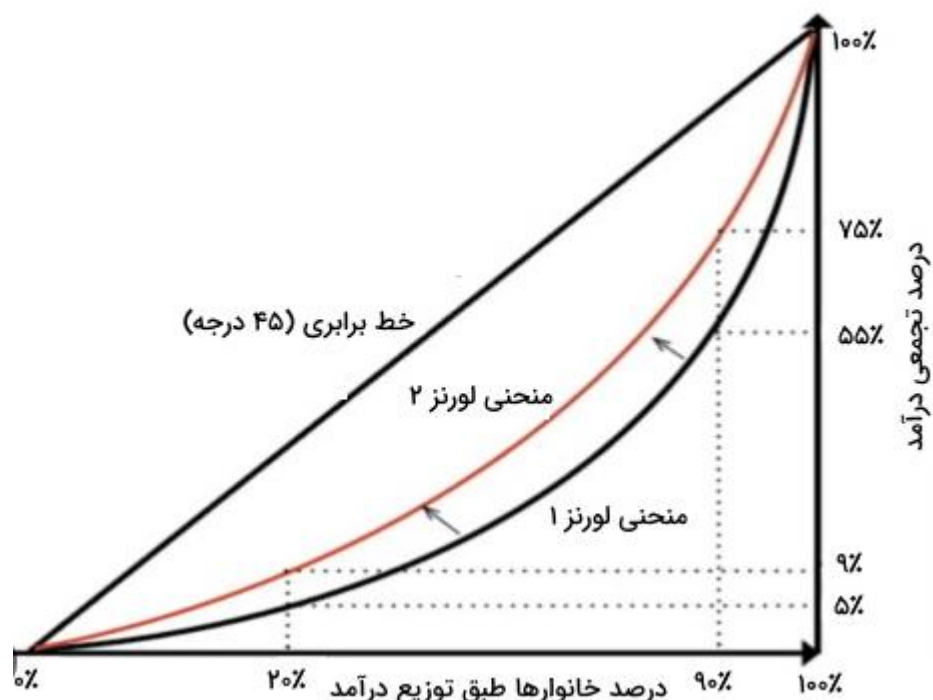
- ۱) یک
- ۲) ۲
- ۳) صفر
- ۴) -۱

نکته؛ در ضریب جینی نسبت سطح فاصل بین منحنی لورنز و خط برابری کامل درآمد به کل مثلث سمت راست و پایین خط برابری کامل درآمد می‌باشد. ضریب جینی برای منحنی لورنز در زیر آمده است:

$$G = \frac{A}{BCD}$$

ضریب جینی عددی است بین صفر و یک. اگر منحنی لورنز منطبق بر خط توزیع کاملاً درآمد شود (توزیع درآمد کاملاً برابر است) ضریب جینی صفر خواهد شد. اگر منحنی لورنز منطبق بر دو ضلع مثلث پایین شود (توزیع درآمد کاملاً نابرابر است) ضریب جینی یک خواهد شد. هر چقدر ضریب جینی کوچکتر باشد (به صفر نزدیکتر باشد) نشان دهنده توزیع برابرتر و مناسب تر درآمد می‌باشد.

باید گفت که ضریب جینی از تقسیم مساحت زیر خط ۴۵ درجه و منحنی لورنز بر کل مساحت زیر خط ۴۵ درجه بدست می‌آید. در مجموع می‌توان گفت منحنی لورنز، با وضع مالیات بر اساس توانایی پرداخت، حداقل می‌شود.



شاخص های علمی دیگری نیز برای سنجش نابرابری های اقتصادی در سطح جامعه فرضی وجود دارند که مهمترین آن ها عبارتند از شاخص اتکینسون و شاخص تایل

نکته فرعی؛ شاخص تایل یکی از شاخص های توزیع درآمد می باشد و از نوع شاخص های اثباتی (عینی) و شاخص های نابرابری درون توزیعی محسوب می شود.

نکته فرعی؛ شاخص اتکینسون یکی از شاخص های نابرابری توزیع درآمد می باشد و از نوع شاخص های اخلاقی (قیاسی) و شاخص های نابرابری درون توزیعی محسوب می شود.

نکته؛ زمانی که به دنبال برقراری یک سیستم تأمین اجتماعی مطلوب هستیم، اولین قدم تعیین خط فقر است که به این ترتیب جامعه هدف مشخص خواهد شد و با شناسایی فقرای جامعه سیستم قدرتمندتری برای تأمین اجتماعی خواهیم داشت. بر اساس مفهوم مطلق فقر، خط فقر مطلق عبارت است از مقدار درآمدی که برای تأمین حداقل نیازهای فردی در یک جامعه لازم است و عدم تأمین آن موجب می شود فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظر گرفته شود.

به منظور تعیین خط فقر نسبی ابتدا مخارج خانوارها در دهک درآمدی مرتب می شود و سپس از مخارج دهک های پنجم و ششم میانگین گرفته می شود و این میانگین به عنوان میانه مخارج خانوارها در نظر گرفته می شود و سپس ۵۰ یا ۶۰ درصد آن را به عنوان خط فقر در نظر می گیرند.

نکته؛ خط فقر عبارت است از مقدار درآمدی که برای تامین حداقل نیازهای فردی در یک جامعه لازم است.

(۱) نسبی

(۲) مطلق

(۳) معکوس

(۴) موازی

فصل سوم؛ درآمدهای دولت

نکته؛ بر اساس حکمرانی مخارج عمومی، دولت‌ها موظفند در تمامی سطوح (ملی، منطقه‌ای و محلی) برای تأمین هزینه‌های بخش عمومی از منابع مختلفی کسب درآمد کنند. جزئیات وضع مالیات با دو اصل تعیین می‌شود؛ چه کسی سود می‌برد و چه کسی می‌تواند پرداخت کند. در حکمرانی مخارج عمومی، بر اساس قاعده منفعت، نباید مخارج عمومی صرف گروه خاصی از افراد جامعه شود و باید برای کسب حداکثر مطلوبیت اجتماعی هزینه گردد.

نکته؛ واگنر معتقد است که وقتی درآمد جامعه افزایش یافت، تقاضا برای آموزش و فرهنگ، بهداشت و خدمات رفاهی بالا می‌رود. لذا هزینه‌های عمومی دولت برای پاسخ به تقاضاهای جدید منجر به افزایش سهم دولت در تولید ملی تعادلی می‌شود. افزایش هزینه‌های دولت منجر به افزایش تقاضای کل اقتصاد و نهایتاً منجر به افزایش درآمد ملی می‌گردد، افزایش درآمد ملی منجر به افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری می‌شود که هر کدام مجدداً روی درآمد ملی اثر می‌گذارد. در الگوی کلاسیک‌ها به دلیل عدم حساسیت عرضه کل به قیمت‌ها، افزایش تقاضا به خاطر افزایش هزینه‌های دولت فقط منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود.

نکته؛ ماسگریو نظریه خود را مبتنی بر یک دیدگاه رفاه اجتماعی بیان کرد که در سال‌های بعد از ارائه این نظریه انواع شاخص‌های رفاه اجتماعی و توسعه‌ای همچون شاخص توسعه انسانی، توسعه شخصی و غیره از جانب نهادهای بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد برای آن ارائه شد. نظریه ماسگریو تنها نظریه‌ای است که به طور صریح از نقش درآمدهای مالیاتی در بهبود توزیع درآمد و به تعبیر او رفاه اجتماعی صحبت می‌کند. استفاده از متغیر نهادهای به نام دولت نیز بیش از پیش تأثیر مالیات‌ها در توزیع درآمد را در دیدگاه او روشن می‌سازد.

اگر طبق نظریه ماسگریو، مالیات برای هر فرد، درآمد را به حدی کاهش دهد که مطلوبیت نهایی درآمد برای همه یکسان شود، حداقل کاهش در رفاه جامعه صورت خواهد گرفت.

مالیات‌ها باید دارای شرایط و صفاتی باشند که از ابتدای به وجود آمدن علم مالیه تاکنون مورد توجه قرار گرفته‌اند. از دیدگاه آدام اسمیت اصول مالیات شامل موارد زیر می‌شود:

۱. عدالت مالیاتی
۲. اصل اطمینان (اصل معین و مشخص بودن)
۳. اصل سهولت (اصل سهل الوصول بودن)
۴. اصل صرفه‌جویی

تست؛ همه گزینه‌های زیر جزء اصول مالیات از دیدگاه آدام اسمیت است، بجز؟

- (۱) اطمینان
- (۲) صرفه‌جویی
- (۳) دقت
- (۴) سهولت

نکته؛ عدالت مالیاتی بدین معنا است که مالیات‌ها می‌بایستی عادلانه باشد و مقصود از عادلانه بودن، تناسب مالیات با توانایی پرداخت مؤدیان است. در جهت اجرای چنین اصلی، مالیات می‌بایست دارای دو خصیصه عمده و برجسته باشد: نخست اینکه عمومیت داشته باشد و بین آحاد مردم تقسیم و به صورت عادلانه از همه افراد جامعه وصول شود و هیچ‌کس از پرداخت مالیات خارج از قانون معاف نباشد. البته منظور این نیست که مالیات میان کلیه افراد کشور حتی کسانی که قادر به پرداخت نیستند یکسان عمل شود، بلکه بالعکس اعمال معافیت و تخفیف در مورد افراد و طبقات ناتوان و کم‌درآمد عین عدالت سازمانی است که طبق قانون برقرار می‌شود. خصیصه دوم تساوی افراد در برابر مالیات است که این بعد در واقع همان اصل مالیاتی عادلانه نیز است که افراد غنی‌تر مالیات بیشتری را پرداخت می‌کنند. اصل توانایی پرداخت دارای دو بعد جداگانه است و افرادی که از حیث مالی در یک سطح هستند، به یک میزان مالیات می‌پردازند. قسمت اول بیانگر عدالت عمودی است و قسمت دوم بیانگر عدالت افقی است. عدالت افقی بدین معناست که بار مالیاتی به صورت مساوی در شرایط یکسان و به طور نامساوی در شرایط غیریکسان سرشکن شود. عدالت عمودی که به اصل توانایی پرداخت تعبیر می‌شود، این است که در مالیات‌ها می‌بایستی با اشخاصی که از نظر اقتصادی در

وضعیت متفاوتی هستند، به صورت نامساوی برخورد شود و در شرایط تورمی از ثروتمندان مالیات بیشتری دریافت شود.

تست؛ اینکه افراد غنی تر مالیات بیشتری را پرداخت کنند، بیانگر کدام مفهوم در مالیات است؟

(۱) عدالت عمودی

(۲) عدالت افقی

(۳) عمومیت

(۴) معافیت

نکته؛ توماس هابز و جان لاک معتقدند که برقراری مالیات و انتقال درآمد مالیاتی به صورت یارانه باعث دخالت در انگیزه‌هایی می‌شوند که بوسیله بازار ایجاد می‌شود. به این صورت که مالیات بر درآمد صاحبان ثروت باعث کاهش انگیزه کار آنها خواهد شد. در حالی که انتقال این درآمد مالیاتی به فقرا نیز انگیزه کار و تلاش آنان را هم کاهش می‌دهد و در نتیجه از هر دو سو تولید کل کاهش می‌یابد و چنین کاهش هزینه توزیع مجدد درآمد خواهد بود که باعث کاهش نرخ رشد اقتصادی می‌گردد.

تست؛ کدام یک از موارد زیر دیدگاه توماس هابز و جان لاک در خصوص برقراری مالیات و انتقال درآمد مالیاتی صحیح نیست؟

(۱) برقراری مالیات به صورت یارانه باعث دخالت در انگیزه‌هایی می‌شوند که بوسیله بازار ایجاد می‌شود.

(۲) مالیات بر درآمد صاحبان ثروت باعث افزایش انگیزه کار آنها خواهد شد.

(۳) انتقال درآمد مالیاتی به فقرا انگیزه کار و تلاش آنان را هم کاهش می‌دهد.

(۴) کاهش هزینه ناشی توزیع مجدد درآمد ثروتمندان باعث کاهش نرخ رشد اقتصادی می‌گردد.

نکته؛ اصل دخالت در برقراری مالیات به این مفهوم است که دولت از طریق ابزار مالیات، دیگر اهداف اجتماعی و اقتصادی را نیز تعقیب می‌کند. امروزه مالیات‌ها علاوه بر آنکه منبع تامین درآمد برای دولت می‌باشند، وسیله‌ی بسیار موثری برای ارشاد اقتصاد یعنی مداخله دولت در امور اقتصادی به منظور نیل به هدف‌های اقتصادی و اجتماعی نیز هستند.

نکته؛ قسمت عمده مالیات‌ها، معمولاً از نیروی کار و در ازاء کسب درآمد اخذ می‌شود. افراد چه نیروی کار خود را به دولت عرضه کنند و چه به کارفرمایان خصوصی (که در بعضی اوقات خود فرد می‌باشد) بفروشند، مشمول مالیات می‌شوند.

شوند. اهمیت شناخت اثرات وضع مالیات به کثرت افراد مشمول مالیات کاملاً مشخص است. حال این سوال مطرح می شود که آیا دولت می تواند با مالیات بیشتر، افراد را به کار کردن بیشتر وا دارد؟

پاسخگویی به سؤالات متنوعی، از جمله سؤالات فوق، نیاز به شناخت روحیه نیروی کار در یک جامعه دارد. هر انسانی وقتی حاضر به کار کردن می باشد که بتواند از درآمد به دست آمده، به کالایی دست یابد که برای او مطلوبیت یا رضایت خاطر داشته باشد. در غیر این صورت وقتی خود را به استراحت که الزاماً مطلوبیت دارد، اختصاص می دهد. افراد مدت زمانی که در اختیار دارند «مثل ۲۴ ساعت در یک روز» را بین فراغت و کار تخصیص می دهند، هر چه کار برای آنان رضایت بیشتر داشته باشد از فراغت خود می کاهند و بالعکس. با توجه به اصل نزولی بودن مطلوبیت نهایی، هر فرد ترکیبی از فراغت و کار را طوری انتخاب می کند که مطلوبیت او حداکثر گردد. برخی از مالیات ها با تغییر دادن رفتار تصمیم گیرندگان اقتصادی باعث بر هم زدن کارایی اقتصادی فعالیت ها می شوند. وضع مالیات بر مزد و حقوق چون دارای اثر جانشینی می باشد و روی ساعت کار کارکنان تأثیر دارد، یکی از مالیات هایی به شمار می رود که کارایی اقتصادی را به هم خواهد زد.

نکته؛ مالیات ها وظایفی دارند و یک ابزار اقتصادی نیست که بتوان برای تمام هدف ها از آن استفاده کرد. وظیفه اصلی مالیات جمع آوری منابع لازم برای انجام وظایف و اهداف دولت است. دولت از مالیات در اموری همچون خدمات عمرانی برای مردم، هزینه های اجرایی برای خدمت رسانی، اجرای پروژه ها و ... استفاده می کند. چارچوبی که برای جمع آوری مالیات مورد نظر است باید به گونه ای باشد که هم کمترین صدمه را به کارایی اقتصادی بزند و هم اگر می تواند کمک به بحث توزیع درآمد و عدالت کنند. با استفاده از ابزار مالیات های مستقیم می توان به اهداف عدالت محور رسید. اما رسیدن به عدالت در جامعه با استفاده از ابزار مالیات های غیرمستقیم براحتی ممکن نیست.

تست؛ کدام یک از موارد زیر وظیفه اصلی مالیات ها محسوب می شود؟

(۱) دستیابی به اثربخشی در حوزه اقتصاد

(۲) جمع آوری منابع لازم برای انجام وظایف و اهداف دولت

(۳) کنترل و توزیع ثروت

(۴) کنترل قیمت کالاها و خدمات

نکته؛ مالیات های زیر بر اساس تاریخ اقتصادی مالیات در ایران وجود داشته است:

مالیات راهداری و عوارض گمرکی که به آن باج اطلاق می شد.

مالیات املاک مزروعی: این مالیات از قرار صدی ده (عشر) درآمد املاک محاسبه و دریافت می گردید و میزان درآمد نیز بوسیله ممیزی تشخیص داده می شد.

تست؛ بر اساس تاریخ اقتصادی مالیات در ایران، به مالیات راهداری و عوارض گمرکی گفته می‌شود.

(۱) اوبازی

(۲) خراج

(۳) گزیت

(۴) باج

تست؛ کدام مالیات از قرار صدی ده (عشر) درآمد املاک محاسبه و دریافت می‌گردید و میزان درآمد نیز بوسیله ممیزی تشخیص داده می‌شود؟

(۱) مالیات بر ارث

(۲) مالیات مستغلات

(۳) مالیات املاک مزروعی

(۴) مالیات ضرابخانه

نکته؛ مالیات‌ها از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند: عمده‌ترین تقسیم‌بندی آنها تقسیم به دو گروه مالیات بر هزینه و مالیات بر درآمد است. معمولاً مالیات‌های بر هزینه به عنوان مالیات‌های غیرمستقیم و مالیات‌های بر درآمد را به عنوان مالیات‌های مستقیم مطرح می‌کنند. گرچه تعریف جامع و مانعی از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم در دست نیست، با این وجود می‌توان گفت که مالیات‌های مستقیم با توجه به ویژگی‌ها و اوضاع و احوال شخص (میزان دارایی و درآمد) وضع می‌شود، در حالی که مالیات‌های غیرمستقیم اغلب روی قیمت کالاهای مورد مصرف عمومی کشیده می‌شود و در هنگام توزیع یا فروش به روش‌های مختلف وصول می‌گردد و نقش کمتری در توزیع درآمد دارند.

تست؛ مالیات‌های با توجه به ویژگی‌ها و اوضاع و احوال شخص - میزان دارایی و درآمد - وضع می‌شود، در حالی که مالیات‌های اغلب روی قیمت کالاهای مورد مصرف عمومی کشیده می‌شود.

(۱) مستقیم - غیرمستقیم

(۲) تصاعدی - تنازلی

(۳) تنازلی - تصاعدی

(۴) غیرمستقیم - مستقیم

تست؛ کدام یک از مالیات‌های زیر در هنگام توزیع یا فروش به روش‌های مختلف وصول می‌گردد و نقش کمتری در توزیع درآمد دارند؟

(۱) مالیات‌های مستقیم

(۲) مالیات‌های غیر مستقیم

(۳) مالیات‌های تصاعدی

(۴) مالیات‌های تنازلی

تست؛ کدام یک از گزینه‌های زیر به ترتیب جزء مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم محسوب می‌شود؟

(۱) مالیات بر هزینه - مالیات بر درآمد

(۲) مالیات بر واردات - مالیات بر درآمد

(۳) مالیات بر درآمد - مالیات بر هزینه

(۴) مالیات بر مصرف - مالیات بر دارایی

نکته؛ بنگاه جایی است که در آنجا عوامل تولید جمع و با هدفی مشترک اقدام به تولید کالا و یا خدمت در حیطه تخصص خود می‌کنند. انواع مالیات‌هایی که امکان دارد بر یک بنگاه تولیدی وضع شود عبارتند از:

* مالیات بر واحد کالای بنگاه

* مالیات بر پس‌انداز و مصرف

* مالیات بر درآمد

* مالیات بر سرمایه‌گذاری

* مالیات بر سود

از مالیات‌هایی که باعث تغییر رفتار نمی‌شود، مالیات بر سود است که در آن قیمت و مقدار تعادلی بازار تغییر نمی‌کند. علت این عدم تغییر این است که سود بعد از تعیین مقدار تولید و فروش آن محاسبه می‌شود و در نتیجه مالیات بر سود منجر به تغییر تولید نمی‌گردد.

تست؛ کدام یک از مالیات‌های زیر منجر به تغییر در تولید نمی‌گردد؟

(۱) مالیات بر پس‌انداز

(۲) مالیات بر سرمایه‌گذاری

۳) مالیات بر سود

۴) مالیات بر واحد کالای بنگاه

نکته؛ مالیات بر درآمد اشخاص از جمله مالیات‌های مستقیم است. اگر یک اقتصاد بتواند به صورت مناسب مالیات بر درآمد را جمع‌آوری نماید، از دیدگاه اثرات توزیع درآمد و به عنوان منبع درآمد برای دولت دیگر نیاز به جمع‌آوری دیگر مالیات‌ها نبوده و هر مالیات دیگری تکراری خواهد بود.

برخی از اقتصاددانان معتقدند مالیات بر درآمد اثر جابجایی منابع ندارد و وسیله بسیار مناسبی برای توزیع مناسب درآمد است و براحتی قابل انتقال به غیر نیست. در بیشتر کشورها از جمله ایران مالیات بر درآمد نرخ تصاعدی دارد.

پایه مالیات بر درآمد عبارت است از:

۱. درآمد ناشی از کار و سرمایه مانند مالیات بر دستمزد و سود شرکت‌ها
۲. درآمد ناشی از اموال و دارایی‌ها مانند مالیات بر درآمد حاصل از اجاره ساختمان
۳. درآمدهای اتفاقی و تصادفی مانند مالیات بر ارث

تست؛ با جمع‌آوری کدام مالیات از دیدگاه اثرات توزیع درآمد و به عنوان منبع درآمد برای دولت دیگر نیاز به جمع‌آوری دیگر مالیات‌ها نبوده و هر مالیات دیگری تکراری خواهد بود؟

۱) مالیات بر درآمد

۲) مالیات بر سرمایه‌گذاری

۳) مالیات بر سود

۴) مالیات بر مصرف

تست؛ کدام یک از موارد زیر جزء پایه‌های مالیات بر درآمد محسوب نمی‌شود؟

۱) درآمد ناشی از کار و سرمایه

۲) درآمد ناشی از اموال و دارایی‌ها

۳) درآمدهای اتفاقی و تصادفی

۴) درآمدهای اشخاص حقوقی

نکته؛ نرخ نهایی مالیات نسبت تغییرات مالیات به تغییرات ارزش پایه مالیاتی می‌باشد. نرخ نهایی مالیات نرخ پرداخت مالیات برای آخرین واحد ارزش پایه مالیاتی است و از طریق نسبت تغییر در مالیات پرداختی به تغییر در ارزش پایه‌ی مالیاتی محاسبه می‌گردد. به عبارت دیگر نرخ نهایی مالیات نرخ است که خانوارها و بنگاه‌ها بخاطر افزایش درآمد و یا پایه مالیاتی می‌پردازند.

نکته؛ در اثر وضع مالیات بر واحد فروش در بازار کالای x ، به علت افزایش قیمت برای مصرف‌کننده، اضافه رفاه مصرف‌کننده کاهش می‌یابد. از طرف دیگر بخاطر کاهش قیمت بعد از مالیات برای عرضه‌کننده، اضافه رفاه عرضه‌کننده نیز کاهش می‌یابد. در نتیجه در اثر وضع مالیات بر واحد در بازار رقابت کامل تولید یکایک بنگاه‌ها کاهش می‌یابد.

نکته؛ در صورتی که در بازار، شرایط رقابت کامل برقرار باشد، اضافه رفاه مصرف‌کننده حداکثر خواهد بود، چرا که این اضافه رفاه تابعی از میزان کارایی می‌باشد. با تغییر شیب منحنی تقاضا، میزان اضافه رفاه بازار تغییر می‌کند. در صورتی که شیب منحنی تقاضا کاهش یابد، اضافه رفاه بازار کمتر می‌شود.

نکته؛ اصل توانایی پرداخت افراد (اصل فداکاری یا اصل مطلوبیت درآمد): مطابق این اصل مخارجی که برای حفظ و اداره مملکت لازم است بایستی به تناسب توانایی پرداخت افراد یعنی درجه ثروتمندی و یا درآمد اشخاص بین افراد جامعه تقسیم شود؛ به عبارت دیگر مالیات باید متناسب با قدرت پرداخت افراد باشد نه میزان استفاده افراد از منافع کالاها و خدمات دولت. این اصل را اصل فداکاری نیز می‌نامند. این اصل پرداخت مالیات را به برقراری اיתار یا فداکاری برابر بین افراد مختلف جامعه مربوط می‌کند. قاعده فداکاری برابر، از قانون نزولی بدون مطلوبیت نهایی درآمد برای افراد نتیجه می‌شود، به طوری که افرادی که در اثر وضع مالیات مطلوبیت منفی کمتری نصیبشان می‌شود باید با نرخ بالاتری مالیات بپردازند و بر عکس افرادی که مالیات باعث ایجاد مطلوبیت منفی بیشتری برای آنها می‌شود با نرخ مالیات کمتری باید مشمول مالیات گردند. در مجموع می‌توان گفت طبق اصل توانایی پرداخت، مالیات باید متناسب با قدرت پرداخت افراد باشد به گونه ای که هر فردی که قدرت پرداخت بیشتری دارد باید مالیات بیشتری بپردازد و بر عکس.

نکته؛ اصل بهای خدمات؛ مطابق این اصل مخارجی را که برای حفظ و اداره مملکت لازم است، می‌بایستی به تناسب منافع که از کالاها و خدمات عمومی عاید افراد می‌شود، در میان تمام شهروندان تقسیم شود و دولت بهای خدمات انجام شده را از افراد دریافت نماید. در واقع اجرای چنین اصلی نوعی معاوضه میان دولت و مودی است. اجرای اصل بهای خدمات برای تامین مخارج عمومی نه عادلانه و نه علمی است. برای این منظور اصلی به نام اصل توانایی

پرداخت یا اصل فداکاری در مالیه عمومی پایه گذاری شده است. همچنین هر فردی که از کالاها و خدمات تولید شده توسط دولت فایده ای می برد لازم است که بهای این کالاها و خدمات را به عنوان مالیات پرداخت نماید.

نکته؛ با بکارگیری قاعده رمزی می توان مشخص کرد که چگونه مالیات با ویژگی های کالاها مرتبط است. قاعده رمزی در شروع خود، فقط در مورد مالیات بهینه در اقتصادی که تنها یک مصرف کننده در آن وجود دارد و هیچ کدام از ملاحظات مربوط به برابری مدنظر نیست، توضیحاتی را ارائه می دهد. اما برخلاف قاعده عکس کشش ها، این امکان وجود دارد که قاعده رمزی را برای حالتی که در آن ملاحظات مربوط به برابری و عدالت نیز مدنظر است، می توان تعمیم داد.

با بکارگیری این تقریب، قاعده رمزی را می توان این گونه تفسیر کرد؛ نظام مالیات بهینه باید سیستمی باشد که در آن تقاضای جبران شده برای هر کالا در اثر وضع مالیات، با نسبت یکسانی کاهش یابد. این تفسیر استاندارد قاعده رمزی است.

آنچه قاعده رمزی می گوید آن است که آثار منفی وضع مالیات بر حسب مقدار و نه قیمت اندازه گیری می شود. بنابراین این آثار منفی را باید بر حسب مقدار حداقل نمود.

قاعده رمزی پیشنهاد می کند که برای حداقل نمودن اضافه بار مالیاتی لازم است که نرخ مالیات بر کالاها تابعی از کشش تقاضا برای کالاها باشد به طوری که نسبت نرخ مالیات بر دو کالا با نسبت معکوس کشش تقاضای آنها برابر باشد.

نکته؛ نظریه فداکاری نسبی؛ بر اساس این نظریه مودیان مالیاتی از بخشی از درآمد خود صرف نظر می کنند و درواقع نوعی فداکاری نشان می دهند تا منافع حاصل از آن به سایر اقشار مردم برسد و بخشی از مطلوبیت خود نادیده می گیرند. این نظریه نسبت مطلوبیت از دست رفته ناشی از مالیات به مطلوبیت کل درآمد را نشان می دهد.

نکته؛ یکی از بنیانگذاران اقتصاد مدرن سر ویلیام پتی است. او معتقد است که دولت نباید با فروش اموال خود، به دنبال تامین مالی باشد. ویلیام پتی بیان می کند که دولت تنها یک راه درآمد دارد و آن استفاده از مالیات های مستقیم و غیرمستقیم است.

مالیات مستقیم مالیاتی است که مستقیماً بر عوامل تولید مثل کارگر وضع می گردد، و شخص پرداخت کننده آنرا تحمل می کرد، مالیات بر حقوق و دستمزد از جمله این مالیات ها است.

مالیات غیر مستقیم: مالیاتی است که امکان انتقال پرداخت مالیات به گروهی دیگر میسر می باشد. مثل مالیات بر سیگار که تولید کننده سیگار آنرا به وسیله افزایش سیگار به مصرف کننده منتقل می شود.

نکته؛ مالیات‌های مستقیم مالیات‌هایی هستند که به صورت بدون واسطه و مستقیم از خود مودی وصول می‌شود و یا مالیات‌هایی هستند که مستقیماً بر درآمد و دارایی وضع می‌شوند و متناسب با درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی وصول می‌شوند. مالیات‌های غیرمستقیم (با واسطه) مالیات‌هایی هستند که پرداخت‌کننده آن‌ها مشخص نبوده و تحقق آن بستگی به قسمتی از فعالیت‌های اقتصادی و عملیات افراد داشته و قابلیت انتقال پذیری آن بسیار زیاد است. مانند مالیات بر سیمان.

نکته؛ مالیات‌های مستقیم مزایا و معایبی دارد؛

مزایا: عادلانه بودن، اقتصادی بودن، معین بودن، با کشش بودن

معایب: پذیرفتنی نبودن، گریزپذیری، دلبخواهی بودن (استبدادی بودن)

نکته: از آنجا که دولت‌ها خود مستقیماً مالیات‌های مستقیم را تعیین می‌کنند به این مالیات‌ها، مالیات دلبخواهی و استبدادی گویند.

تست؛ کدام یک از گزینه‌های زیر جزء مزایای مالیات‌های مستقیم محسوب نمی‌شود؟

(۱) با کشش بودن

(۲) عادلانه بودن

(۳) دلبخواهی بودن

(۴) اقتصادی بودن

نکته؛ موضوع مالیات‌های مستقیم معمولاً چیزهای دائمی و مستمر مانند دارایی و درآمد افراد است. اما موضوع مالیات غیرمستقیم درآمدهایی است که جنبه غیر دائمی و موقتی دارند و معمولاً از فعالیت‌ها و عملیات اشخاص از قبیل مصرف آنان و تولید کالا اخذ می‌گردد.

نکته؛ منظور از گریزناپذیری یا اجتناب مالیاتی استفاده از پایه‌های کم مالیات بجای پایه‌های پر مالیات توسط مودیان می‌باشد. گریزناپذیری از مزایای مالیات‌های غیرمستقیم است.

نکته؛ نوعی دیگر از مالیات‌ها در ایران، مالیات‌های غیر مستقیم است. انواع نظام‌های مالیاتی در فرهنگ مالیات، مالیاتی را که توسط دولت از مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات از طریق تولیدکنندگان آنها دریافت می‌شود، مالیات غیر

مستقیم می نامند. از بعد اقلام تشکیل دهنده می توان مالیات غیرمستقیم در ایران را در دو گروه عمده مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش مورد بررسی قرار داد. مالیات بر واردات شامل، حقوق گمرکی و سود بازرگانی دارای اهمیت بیشتری است. این نوع مالیات در بین وصولی های غیرمستقیم بیشترین سهم را داراست و اساساً متکی به واردات بوده و با توجه به اینکه هزینه واردات در اقتصاد کشور ما اغلب از طریق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت حاصل می شود، این نوع مالیات به شدت به صادرات نفت وابسته است. مالیات بر مصرف و فروش شامل فرآورده های نفتی، نوشابه های غیرالکلی، مالیات اتومبیل و نقل و انتقالات آن و فروش سیگار است که فرآورده های نفتی و فروش سیگار بالاترین سهم را داراست. یکی از عیب های مالیات غیرمستقیم، تنازلی بودن آن است. به این صورت که افراد با مصرف بیشتر با نرخ کمتری مالیات می پردازند. این خصوصیت از ویژگی های منفی مالیات های غیرمستقیم است.

نکته: مالیات بر مصرف با توجه به میزان کشش یا حساسیت تقاضا برای هر کالا بین تولیدکننده و مصرف کننده توزیع می گردد. در صورتیکه تصور کنیم مقداری از این مالیات بر مصرف کننده تحمیل می گردد، وضع مالیات بر یک کالا یا خدمت باعث افزایش قیمت آن کالا یا خدمت خواهد شد. در این رابطه تولید کننده یا مصرف کننده هر کدام که دارای منحنی با کشش کمتری باشد بار مالیات بیشتر و هر کدام دارای منحنی با کشش بیشتری باشد بار مالیات کمتر را تحمل می نماید.

در صورتی که سهم مالیات تولیدکننده بیش تر از مصرف کننده است که کشش قیمتی منحنی تقاضا بیشتر از کشش قیمتی منحنی عرضه باشد.

نکته: از لحاظ نظری مالیاتی را می توان منطقی دانست که اجرای آن با کارایی صورت گیرد. بنابراین، با اجرای قانون مالیات می توان درباره کارآمد بودن ساختمان مالیاتی و بالنتیجه منطقی دانستن آن قضاوت کرد. چنانچه یک سیستم مالیات بر درآمد به وسیله دستگاه اداری کارآمد بموقع اجرا درآید، علاوه بر تحصیل درآمد مستقیم، بطور غیرمستقیم نیز موجب وصول مالیات های دیگر می گردد. میزان عایدی مالیاتی و همچنین مخارج وصول مالیات قابل اندازه گیری است. اگر از کلیه طبقاتی که مشمول مالیات هستند در نتیجه با کفایت بودن دستگاه اداری و اعمال سیاست اداری مقتضی مالیات قانونی وصول شود، و مخارج آن هم درصد ناچیزی از کل عایدی مالیاتی را تشکیل دهد، از لحاظ نافعیت قابل دفاع است. نافعیت درآمد مالیاتی از طریق محاسبه نسبت هزینه های وصول مالیات به درآمدهای مالیاتی بدست می آید که مقدار کمتر آن نشانه نافعیت بیشتر درآمد مالیاتی می باشد.

نکته: مساله انتقال مالیات و تشخیص پرداخت کننده نهایی یکی از پیچیده ترین مسائل مالیاتی بشمار می رود. زیرا در غالب موارد، مالیاتی که از یک شخص دریافت می شود پرداخت کننده واقعی آن شخص دیگری است. چه پرداخت

کننده نخست ممکن است بطرق مختلفی بتواند قسمتی از بار مالیاتی را به کس دیگری منتقل کند. مالیات بر فروش و مصرف معمولاً از چنین خصوصیتی برخوردار است، زیرا مصرف کننده کالاهای مشمول مالیات است که با خرید کالا به قیمت تعیین شده تمام یا قسمتی از مالیات مربوط را پرداخت می کند. این انتقال را انتقال به فعالیت های بعدی می گویند. نوع دیگر انتقال اینست که تولید یا توزیع کننده کالای مشمول مالیات برای اینکه قسمتی از بار مالیاتی را به اشخاص دیگر منتقل نماید، می کوشد عوامل تولید را با قیمت کمتری بدست آورد. به کارگر دستمزد کمتری بپردازد، اضافات معمول را به او پرداخت نکند، و یا مواد اولیه را به بهای ارزانتری خریداری کند و از این قبیل. باین ترتیب در حالت اول بار مالیات را مصرف کنندگان و در حالت دوم عرضه کنندگان عوامل تولید تحمل می کنند. مرحله انتقال مالیات را می توان از طریق مکانیسم عرضه و تقاضا تجزیه و تحلیل کرد. هر گروهی (تولید کننده یا مصرف کننده) که دارای منحنی با کشش کمتری باشد، سهم بیشتری در پرداخت مالیات دارد. در این شکل با توجه به این که کشش منحنی تقاضا برابر با صفر است، لذا تمامی بار مالیاتی بر دوش مصرف کننده خواهد بود.

نکته: کارایی مالیاتی که به کالایی وضع می شود، با کشش عرضه و تقاضا مرتبط است. در صورتی که با وضع یک مالیات عرضه و تقاضا برای آن کالا تغییر کند، کشش پذیری عرضه و تقاضا افزایش می یابد و آن مالیات کارا نخواهد بود. همچنین ممکن است باعث انتقال مالیات ها گردد. اگر عرضه کم کشش باشد، بیشتر بار مالیاتی بر دوش تولید کننده است. بر عکس اگر عرضه کالا با کشش باشد تولید کننده از طریق کاهش عرضه خود بار مالیاتی را به صورت افزایش قیمت کالا به خریداران منتقل خواهد شد.

نکته: مالیاتی که به کالایی وضع می شود، ممکن است تماماً توسط خریدار پرداخت شود یا آنکه عرضه کننده پرداخت نماید. چگونگی و میزان مالیات پرداختی طرفین به میزان کشش عرضه و تقاضای آن کالا بستگی دارد. یکی از مهمترین عوامل انتقال مالیات بر کالاهای مختلف بستگی به کشش پذیری عرضه و تقاضای این کالاها نسبت به قیمت آن ها دارد.

نکته: عوامل موثر بر انتقال مالیات شامل موارد زیر می شود؛

۱. مقدار مالیات
۲. اعتماد و اعتقاد به نظام مالیاتی
۳. کشش های عرضه و تقاضا
۴. دوره زمانی
۵. ساخت بازار

۶. منطقه جغرافیایی

۷. سیاست های اقتصادی

چنانچه که میزان تقاضای کالایی دارای کشش صفر باشد، مصرف کننده نمی تواند در برابر افزایش قیمت واکنش نشان دهد و لذا میزان تقاضای خود را تغییر نمی دهد. در این حالت اگر مالیات وضع شود، عرضه کننده بار مالیاتی را به طور کامل به مصرف کننده انتقال می دهد. به این صورت که اگر مالیات بر کالایی وضع شد، عرضه کننده با افزایش قیمت کالا، بار مالیاتی را تماما به مصرف کننده منتقل می کند.

تست؛ همه موارد زیر جزء عوامل مؤثر بر انتقال مالیات محسوب می شود، بجز؟

(۱) منطقه جغرافیایی

(۲) کشش های عرضه و تقاضا

(۳) نظام تولید

(۴) اعتماد به نظام مالیاتی

نکته؛ مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی چندمرحله ای است که در مراحل مختلف زنجیره تولید تا مصرف کالاها یا ارائه خدمات با نرخ ثابت بر ارزش افزوده هر مرحله اخذ می گردد. به طور خلاصه مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات غیرمستقیم عام بر عموم کالاها و خدمات است که به صورت چندمرحله ای از اضافه ارزش کالاهای تولیدشده (ارزشی که در هر مرحله به ارزش کالا افزوده می شود) یا خدمات ارائه شده در مراحل مختلف تولید و توزیع اخذ می شود. همچنین مالیات بر ارزش افزوده جزو مالیات بر حقوق و دستمزد و مالیات بر ارث نیز محسوب می شود.

تست؛ کدام مالیات نوعی مالیات غیرمستقیم عام بر عموم کالاها و خدمات است که به صورت چندمرحله ای از خدمات ارائه شده در مراحل مختلف تولید و توزیع اخذ می شود؟

(۱) مالیات بر ارزش افزوده

(۲) مالیات بر دارایی

(۳) مالیات بر درآمد

(۴) مالیات بر سرمایه گذاری

نکته؛ مالیات بر ارزش افزوده دارای یکسری ویژگی هایی است:

اول اینکه پایه مالیاتی در این روش مالیات گیری، حاصل تفاوت کل درآمد ناشی از فروش از ارزش خرید نهاده است. بنابراین تمامی کالاها و خدمات واسطه ای از پرداخت این مالیات معاف هستند.

دوم اینکه، نرخ مالیات ثابت است و این نوع مالیات از نوع غیرتصادفی است.

سوم آنکه مالیات بر ارزش افزوده شکلی از مالیات بر مصرف است.

چهارم این که، پرداخت کننده نهایی مالیات بر ارزش افزوده مصرف کننده است و از این نظر شبیه مالیات بر فروش است.

تست؛ کدام یک از موارد زیر جزء ویژگی های مالیات بر ارزش افزوده محسوب نمی شود؟

(۱) نرخ مالیات ثابت است و این نوع مالیات از نوع غیرتصادفی است.

(۲) مالیات بر ارزش افزوده شکلی از مالیات بر دارایی است.

(۳) پرداخت کننده نهایی مالیات بر ارزش افزوده مصرف کننده است و از این نظر شبیه مالیات بر فروش است.

(۴) پایه مالیاتی در این روش مالیات گیری، حاصل تفاوت کل درآمد ناشی از فروش از ارزش خرید نهاده است.

نکته؛ از آن جایی که مصرف کننده نهایی، نمی تواند مقدار مالیات را به گروه دیگری منتقل کند، می توان نتیجه گرفت که پرداخت کننده مالیات بر ارزش افزوده مصرف کننده نهایی است.

تست؛ در کدام یک از مالیات های زیر پرداخت کننده مالیات مصرف کننده نهایی است؟

(۱) مالیات بر درآمد

(۲) مالیات بر دارایی

(۳) مالیات بر مستغلات

(۴) مالیات بر ارزش افزوده

نکته؛ در اصل مقصد مجموع ارزش یک محصول تابع مالیات کشور وارد کننده می شود. به عبارت دیگر، اگر کالایی از فرانسه به آلمان غربی صادر شود ممکن است بر اساس توافق فیما بین، کشور فرانسه در موقع صدور کالا مالیات بر آن تحمیل نکند، بلکه آلمان غربی در هنگام ورود کالا بر طبق مقررات خود مالیات دریافت نماید؛ و بر عکس، آلمان نیز در موقع صدور کالا به فرانسه، آنرا مشمول مالیات بر صادرات قرار ندهد تا فرانسه هنگام ورود، مالیات مربوط را دریافت دارد. در صورت وضع مالیات ارزش افزوده مبتنی بر اصل مقصد، آن دسته از کالاهای تولید شده برای صادرات از پرداخت مالیات ها معاف می شود و آن دسته از کالاهایی که برای مصرف داخلی است مشمول مالیات می شود. در نتیجه مالیات بر ارزش افزوده وضع شده، منجر به تشویق صادرات می گردد چرا که مالیات پرداختی صادرکنندگان مسترد می شود.

نکته؛ در صورتی که افراد از کالاهای سرمایه‌ای مانند طلا و نقره استفاده نمایند که فاسد نمی‌شود، در نتیجه نوعی مالیات بر آنها وضع می‌شود. در واقع منظور از تبدیل مالیات به سرمایه این است که مالیات بر کالاهای غیرمصرفی فاسدشدنی به ارزش آنها منتقل شود.

نکته؛ اگر در بکارگیری از ابزار مالیات‌ها و یارانه‌ها، نتایج ناشی از جابجایی منابع نادیده گرفته شود و فقط موضوع توزیع درآمد مد نظر قرار گیرد، این خطر وجود دارد که اثر نامناسب مالیات‌ها و یارانه‌ها تخصیص منابع را به ضرر رفاه جامعه تغییر داده و در نهایت رفاه و درآمد کل جامعه کاهش یابد. این کاهش درآمد ملی می‌تواند کاملاً اثرات سیاست‌های توزیع درآمد را برای گروه کم درآمد خنثی نموده و آنها را به سطح رفاهی قبلی و یا حتی عقب‌تر باز گرداند. اگر مالیاتی دارای اثر جانشینی باشد، دارای بار اضافی خواهد بود و کاهش رفاه از دست رفته را به دنبال خواهد داشت.

نکته؛ منظور از مالیات بهینه، یافتن مجموعه‌ای از مالیات‌ها است که با توجه به سطح مشخصی از درآمد موردنیاز دولت، بیشترین سطح رفاه را ایجاد نماید. در تعیین چنین مالیات‌هایی باید مصرف‌کنندگان را در انتخاب ارجح‌ترین طرح مصرفشان در هر سطح خاصی از قیمت‌ها آزاد گذاشت و همزمان بایستی بنگاه‌ها نیز به پیشینه‌کردن سود خود ادامه داده باشند. به طور کلی شرط لازم وضع مالیات بهینه بر کالاهای وابستگی مالیات به کشش قیمتی تقاضا است.

نکته؛ یکی از قواعد مالیاتی برای مالیات بهینه قاعده عکس کشش‌ها است. رابطه مربوط به قاعده عکس کشش‌ها را این گونه می‌توان تفسیر نمود: نرخ تناسبی مالیاتی که بر کالای K ام وضع می‌شود، باید به صورت معکوس با کشش قیمتی تقاضای آن کالا مرتبط باشد. مثلاً اگر دو کالای A و B در اقتصاد وجود داشته باشد؛ نرخ‌های بهینه مالیات برای این دو کالا در رابطه $\frac{E^A}{E^B} = \frac{T^B}{T^A}$ صدق می‌نماید.

نکته؛ طبق دیدگاه لیندال، بر اساس قاعده توافق آراء، در جوامع با تعداد کم افراد می‌توان از توافق عمومی و قاعده اکثریت سطح تولید بهینه کالا فراهم گردد. طبق این نظریه قیمت یک کالا و نیز میزان تولید بهینه آن در سطحی تعیین می‌گردد که افراد بر حسب منافع شخصی مقدار کافی از آن کالا را مصرف نمایند.

بنابراین اگر برای تهیه کالا به مقدار بهینه رای گرفته می‌شد، موافقت به صورت اتفاق آراء در می‌آمد.

نکته؛ در منحنی لافر محور عمودی نشان دهنده ی نرخ های مالیات و محور افقی بیانگر درآمد مالیاتی است. درآمد در دو شاخه حداقل و حداکثر نرخ مالیات، صفر است و نرخ مالیات صد در صد، هیچ گونه درآمدی ایجاد نمی کند. نقاط موجود بین این دو نقطه نقطه ای است که در آن ها افزایش نرخ مالیات حقیقی موجب کاهش درآمد مالیاتی می شود؛ زیرا در نرخ مالیاتی بالا، تلاش برای فعالیت های " مشمول مالیات " کاهش می یابد، بیشتر وقت افراد صرف یافتن راه های کاهش بدهی های مالیاتی می شود و به کارهایی پرداخته می شود که مالیات به آن ها تعلق نمی گیرد. اگر نرخ نهایی مالیات از نقطه کلیدی تجاوز کند، با کمال تعجب، تخفیف در نرخ های مالیات به افزایش درآمدهای مالیاتی منجر خواهد شد.

نکته؛ بیاد داشته باشیم که بر اساس منحنی لافر زمانی که نرخ مالیات را افزایش می دهیم درآمد مالیاتی تا نقطه ای بالا می رود و پس از آن کاهش می یابد.

نکته؛ ظرفیت یا حجم مالیات معمولاً بوسیله اندازه گیری نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی یا ملی ارزیابی می گردد. عوامل موثر بر ظرفیت مالیاتی را می توان به دو گروه تقسیم کرد: عوامل مؤثر بر توان افراد به پرداخت مالیات و عوامل مؤثر بر توان دولت در گردآوری مالیات. توان دولت در گردآوری مالیات به عواملی ساختاری از قبیل سهولت دستیابی به پایه های مالیاتی و عوامل ارادی از قبیل کارایی نظام اجرایی گردآوری مالیات دارد. توان افراد در پرداخت مالیات نیز توسط عواملی ساختاری از قبیل سطح درآمد و عوامل ارادی از قبیل احساس مسئولیت افراد به پرداخت مالیات تعیین می گردد. در نتیجه، ظرفیت مالیاتی که توان پرداخت مالیات یک اقتصاد را اندازه گیری می نماید به میزان و گستره انجام فعالیت های اقتصادی بستگی دارد. در این راستا درآمد افراد جامعه و چگونگی توزیع درآمد و ثروت توان پرداخت افراد جامعه راحت تأثیر قرار می دهد. این دو گروه عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی تحت عنوان عوامل انسانی، اقتصادی و سیاسی مؤثر بر ظرفیت مالیاتی تعیین و مشخص می گردند.

نکته؛ اگر سیستم مالیاتی به گونه ای باشد که از پایه های مالیاتی بالا با نرخ کمتری مالیات بگیرد، در حالی که برای پایه های مالیاتی پایین نرخ مالیاتی بیشتر باشد، مالیات تنازلی خوانده می شود. در این سیستم مالیاتی نرخ متوسط مالیات بزرگتر از نرخ نهایی مالیات است. در مقایسه مالیات ها باید بگوییم که مالیات هایی کارا تر است که تغییر رفتار کمتری ایجاد می کند و از آنجا که مالیات های تنازلی این ویژگی را دارند، لذا مالیات های با نرخ نزولی از مالیات های تصاعدی و تناسبی کارا تر می باشد.

تست؛ اگر سیستم مالیاتی به گونه ای باشد که از پایه های مالیاتی بالا با نرخ کمتری مالیات بگیرد، در حالی که برای پایه های مالیاتی پایین نرخ مالیاتی بیشتر باشد، مالیات خوانده می شود.

(۲) با نرخ ثابت

(۳) با نرخ متغیر

(۴) تنازلی

نکته؛ گاهی مالیات به صورت مقطوع و یکجا می باشد. یعنی پایه مالیاتی مشخصی در اینجا مطرح نیست. شاید بتوان مالیات سرانه را نمونه ای از این مالیات دانست. مالیات مقطوع چون ارتباط با فعالیت خاصی ندارد، تاثیری روی تولید و حتی قیمت نیز نباید داشته باشد. در کوتاه مدت این مالیات تنها می تواند هزینه ثابت بنگاه و یا خانوار را بالا ببرد. اما تاثیری روی هزینه نهایی آن ندارد. ولی در بلندمدت چون تمام نهاده ها متغیر هستند، مالیات مقطوع می تواند روی تولید نیز موثر می باشد. نتیجه اینکه، مالیات مقطوع و یا یکجا تحت شرایطی تعریف شده است که در آن شرایط، هیچ تغییری در رفتار عاملین اقتصادی بعد از وضع مالیات مقطوع نسبت به قبل آن به وجود نمی آید. همین حقیقت سبب می شود تا وضع مالیات یکجا در اقتصاد به هم خوردگی و انحراف ایجاد نکند. به همین دلیل است که آن را به عنوان ابزار مالیاتی کامل قبول داریم. اقتصاددانان کلاسیک و از جمله آدام اسمیت از این نوع مالیات به علت حفظ کارایی فعالیت های اقتصادی طرفداری می نمودند، و مناسب ترین راه کسب درآمد برای دولت در اقتصاد را جمع آوری مالیات از طریق مالیات یکجا می دانستند.

نکته؛ برای تعیین نرخ موثر مالیاتی دو فاکتور نرخ صوری مالیات و هزینه های استهلاک را باید در نظر بگیریم. یک فرد بر اساس این نرخ و پس از منظور کردن نرخ استهلاک و محاسبه استهلاک، مالیات خود را که بر روی سود و رفتار او موثر می باشد، می پردازد.

نکته؛ اگر یک مالیات ثابت یا مالیات نسبی بر سود برقرار شود، تغییری در سطح تولید ایجاد نخواهد شد و اثر تخصیصی ندارد چون سود پس از مالیات در همان سطح قبل از مالیات، حداکثر خواهد بود. چون انحصارگر اگر به قصد کاهش مقدار مالیات، سطح تولید خود را کاهش یا افزایش دهد، سود خالص برای او کاهش پیدا می کند. اما اگر مالیات بر سود حداکثرکننده ی درآمد وضع شود، تولید بستگی به میزان نرخ مالیات خواهد داشت یعنی افزایش در نرخ مالیات بر سود برای حداکثرکننده درآمد منتهی به کاهش سطح تولید و کاهش نرخ مالیاتی منجر به افزایش سطح تولید او می شود.

نکته؛ آنچه در اقتصاد اسلامی مورد تأکید است، تنظیم مالیات بر مخارج مصرفی است نه تنظیم مخارج مصرفی بر اساس مالیات. به طور کلی در اقتصاد و به طور خاص در اقتصاد اسلامی، تنظیم مالیات بستگی به اندازه پایه های مالیاتی دارد. انتخاب پایه مالیاتی مناسب علاوه بر افزایش درآمدهای مالیاتی دولت به بهبود تخصیص منابع نیز در یک

کشور کمک می نماید. سوال اساسی که در این زمینه وجود دارد این است که چه پایه مالیاتی مناسب است. در این راستا نظریات مختلفی بیان شده است. برخی از این نظریات بر انتخاب مصرف به عنوان پایه مالیاتی تاکید دارند و برخی دیگر بر روی درآمد تاکید دارند و گروه سوم ثروت را به عنوان پایه ای مناسب در نظر می گیرند.

نکته؛ خمس نوعی مالیات شرعی و اسلامی است که یک فرد مسلمان با تعیین «سال خمسی» یک پنجم آنچه را که با کسر معونه زندگی پس انداز کرده است را به مرجع دینی خود می پردازد. بنابراین خمس منفعت و فواید کسب شبیه و همراستا با مالیات حکومتی بر پس انداز یا سود سالیانه است. در پرداخت خمس و زکات اجبار و الزامی در کار نیست و این خود مسلمان و مومن است که بر اساس اعتقادات و باورهای دینی اش به دلخواه خودش خمس و زکات را همانند نماز و روزه و حج می پردازد. ولی مالیات های کشوری درآمدهایی هستند که برای گرفتن آنها اعمال زور و قدرت لازم دارد. در مقایسه مالیات های اسلامی و خمس منفعت می توان گفت که خمس منفعت و فواید کسب مشابه مالیات بر پس انداز یا سود سالیانه است.

نکته؛ سرمایه گذاری در دولت به سه گروه زیربنایی، اجتماعی و انتفاعی تقسیم می شود.

سرمایه گذاری زیربنایی شامل سرمایه گذاری عمرانی و ساخت و ساز زیرساخت ها در جامعه مانند پل، راه آهن و کانال های آبرسانی

سرمایه گذاری اجتماعی شامل سرمایه گذاری در فعالیت هایی که خدمات اجتماعی ارائه می دهند مانند سرمایه گذاری برای مدرسه، درمانگاه و

سرمایه گذاری در طرح هایی که پس از آغاز بهره برداری به تبعیت از سیاست های دولت سود خوبی را بدست آورد.

تست؛ احداث کانال های آبرسانی و تاسیس مدرسه به ترتیب جزء کدام یک از سرمایه گذاری های دولت به حساب می آید؟

(۱) اجتماعی - زیربنایی

(۲) اجتماعی - اجتماعی

(۳) زیربنایی - زیربنایی

(۴) زیربنایی - اجتماعی

فصل چهارم: هزینه‌های دولت

نکته؛ دولت‌ها از نظر اقتصادی یکسری هزینه‌ها را باید بپردازند. مانند هزینه‌های اداری، هزینه‌های انتقالی و هزینه‌های سرمایه‌گذاری. هزینه‌های اداری همان هزینه‌های جاری دولت می‌باشد که در طول یک سال جنبه‌ی استمرار دارند. هزینه‌های انتقالی که قسمت اعظم آن صرف کمک به افراد نیازمند و یا بیکار می‌گردد، سازمان‌هایی همچون بهزیستی، کمیته امداد، صندوق وام بیکاری و بیمه‌های اجتماعی. هزینه‌های انتقالی مالی مربوط به قروض و دیون دولتی در سال-های گذشته است و دولت اکنون ملزم به پرداخت این قروض است. هزینه‌های سرمایه‌گذاری نیز قسمتی از مخارج دولت است که بیانگر گستره‌ی دخالت دولت در اقتصاد است. یکی از شاخص‌ترین راه‌ها برای از بین بردن عدم تعادل سرمایه‌گذاری است. پروژه‌هایی همچون گسترش شبکه‌ی راه‌آهن یا سدسازی از جمله هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولت است. دولت با هزینه‌های سرمایه‌گذاری دو هدف عمده را دنبال می‌کند.

۱. اقتصاد را به یک سمت خاص سوق می‌دهد.

۲. تعادل اقتصادی ایجاد می‌کند.

باید توجه داشت که قانون طلایی در مالیه عمومی این است که سهم بدهی و دیون دولتی نباید از سرمایه‌گذاری خالص دولتی تجاوز کند.

نکته؛ بر اساس ترکیب هزینه‌های دولت، ابتدا این هزینه‌ها به دو گروه تقسیم می‌شود:

الف: هزینه‌های تمام شدنی: هزینه‌هایی که نهایتاً به وسیله دولت صورت می‌گیرد. این هزینه‌ها باعث جابجایی منابع جامعه به بخش عمومی می‌شود. به عبارت دیگر، هزینه‌هایی که در قبال آن دولت اقدام به خرید کالاها و خدمات می‌نماید را هزینه‌های تمام شدنی گویند. این هزینه‌ها شامل:

(۱) خرید کالاها و خدمات جاری: همانند کالاهای مصرفی و نیروی کار

(۲) خرید کالا و خدمات سرمایه‌ای: همانند ایجاد راه‌ها، مدارس و بیمارستان‌ها. به عبارت دیگر این هزینه‌ها شامل خرید نهاده‌ها به وسیله بخش عمومی می‌شوند.

ب: هزینه‌های انتقالی: این هزینه‌ها جابجایی منابع از بخش‌های دیگر به بخش دولتی را به همراه ندارند. مانند هزینه دولت برای بازنشستگی، یارانه‌ها، پرداخت به بیکاران و.... این هزینه‌ها فقط توزیع منابع را بین افراد جامعه در درون بخش خصوصی تغییر می‌دهند.

تست؛ هزینه‌هایی که در قبال آن دولت اقدام به خرید کالاها و خدمات می‌نماید را گویند.

(۱) هزینه‌های جاری

(۲) هزینه‌های انتقالی

۳) هزینه‌های تمام‌شدنی

۴) هزینه‌های سرمایه‌ای

نکته؛ هزینه‌های انتقالی به سه دسته کلی تقسیم می‌شود؛

- هزینه انتقالی اجتماعی
- هزینه انتقالی مالی
- هزینه انتقالی اقتصادی

نکته؛ هزینه‌های انتقالی اجتماعی ناشی از عواملی چون انقلابات، کودتاها و هستند که دولت‌ها نمی‌توانند در عمل در قبال آنها بی‌اعتنا باشند و ناچار به پرداخت این نوع هزینه‌ها هستند. از جمله این هزینه‌ها می‌توان به بیمه‌های بیکاری دولت‌ها و کمک به اقشار آسیب‌پذیر جامعه اشاره کرد. هزینه‌های انتقالی اجتماعی یا به صورت جمعی است، مثل کمک به زلزله‌زدگان یا به صورت فردی است مثل انواع بیمه‌های اجتماعی.

نکته؛ هزینه‌های انتقالی مالی ناشی از عدم ثبات اقتصادی کشورها بعد از انقلابات، کودتاها و ... و یا بی‌کفایتی نظام‌های حکومتی و یا در بعضی از مواقع، جهت توسعه کشورها ناشی می‌شود. از جمله این هزینه‌ها می‌توان به بازپرداخت اصل و فرع وام‌های دریافتی دولت‌ها اشاره کرد. پرداخت اصل و فرع دیون دولت در طول سال مالی در مقابل دریافت کالا و خدماتی انجام نمی‌گیرد، بلکه عمل پرداخت به صورت استهلاک اصل و فرع دیون در مقابل خدمات مالی گذشته است که از طرف قرض‌دهندگان به صورت وام به دولت انجام شده است.

نکته؛ هزینه‌های انتقالی اقتصادی هزینه‌هایی هستند که دولت به منظور اعمال سیاست‌های اقتصادی، تقلیل بحران‌های اقتصادی، تثبیت و تعدیل قیمت‌ها و دستمزدها پرداخت می‌کند. برای مثال دولت در مواقع ضرورت، با پرداخت قسمتی از هزینه‌های تولید از تولیدکنندگان داخلی حمایت می‌کند و یا با پرداخت سوبسید واردکننده یا مصرف‌کننده را حمایت می‌کند، تا از این طریق نرخ کالاها و خدمات را تثبیت و تعدیل نماید.

تست؛ کدام یک از موارد زیر جزء هزینه‌های انتقالی دولت به حساب نمی‌آید؟

- ۱) هزینه انتقالی اجتماعی
- ۲) هزینه انتقالی مالی
- ۳) هزینه انتقالی اقتصادی

نکته؛ پرداخت اصل و فرع دیون دولت و انواع بیمه‌های اجتماعی به ترتیب جزء کدام یک از هزینه‌های انتقالی محسوب می‌شود؟

- ۱) هزینه انتقالی اجتماعی - هزینه انتقالی اقتصادی
- ۲) هزینه انتقالی مالی - هزینه انتقالی اجتماعی
- ۳) هزینه انتقالی اقتصادی - هزینه انتقالی سیاسی
- ۴) هزینه انتقالی سیاسی - هزینه انتقالی مالی

نکته؛ پرداخت یارانه برای کالاهای اساسی یکی از سیاست‌های اقتصادی رایج در کشورهای در حال توسعه و حتی برخی کشورهای توسعه یافته است. اجرای صحیح این سیاست اقتصادی در مواردی تامین‌کننده هدف‌هایی مانند حمایت از اقشار آسیب پذیر، توزیع عادلانه تر درآمد، تثبیت قیمت ها و سایر جنبه های با رویکرد تامین اجتماعی است. زمانی که در شرایط رقابت کامل یک کالا در تعادل باشد، تعادل مذکور کارا خواهد بود و رفاه اجتماعی حداکثر است. در صورتی که دولت با پرداخت یارانه برای این کالا در اقتصاد دخالت کند، این سیاست موجب تغییر نقطه تعادل بازار می شود و این امر باعث می گردد که با پرداخت یارانه توسط دولت قیمت برای مصرف کننده کاهش و برای تولید کننده نسبت به قبل افزایش یابد. این تغییر قیمت تغییر مقدار تعادلی را در پی دارد و در نهایت بر اساس میزان تولید و مصرف جدید نقطه تعادلی بازار از کارایی برخوردار نخواهد بود و اضافه بار گم شده منفی خواهد بود.

نکته؛ زمانی که یک انحصارگر در بازار وجود دارد و بر قیمت کالا تاثیر می گذارد، کارایی بازار را به هم می زند و منجر به شکست بازار می گردد. زمانی که تولید کننده به دلیل شرایط انحصاری ای که برایش بوجود آمده است، میزان کمتری تولید می نماید در نتیجه رفاه اجتماعی کاهش می یابد که به عنوان هزینه اجتماعی شرایط انحصاری شناخته می شود.

نکته؛ زمانی یک بازار از کارایی برخوردار خواهد بود که شرایط رقابت کامل وجود داشته باشد. در صورت وجود شرایط انحصار، بازار از کارایی برخوردار نخواهد بود. در صورتی که شرایط رقابت کامل برقرار باشد، اضافه رفاه کل حداکثر خواهد بود، چرا که این اضافه رفاه تابعی از میزان کارایی می باشد.

نکته؛ ایجاد یا فروش ذخایر، زمان بندی مصارف برنامه ها و اندازه برنامه های انتقالی و مقدار اعتبارات موجود برای برنامه های کنترل شده از جمله جنبه های درآمدی و هزینه ای بودجه می باشند که به سیاست مالی مربوط می شوند، در حالی که تغییرات در نسبت سپرده قانونی بانک های عضو از جمله ابزارهای سیاست پولی محسوب می شود.

نکته؛ زمانی که یک سیاست مالی انبساطی به اجزاء در می آید مثل افزایش مخارج دولت، کاهش مالیات و افزایش پرداخت های دولتی در واقع به نوعی دولت پرداخت های خود را افزایش می دهد و دریافتی های را کاهش می دهد می دانیم که تفاوت بین دریافت ها و پرداخت های دولت مازاد بودجه است.

$$BS = \bar{T} - G - \bar{TR}$$

زمانی که دولت T را کاهش می دهد یا TR ، G را افزایش مازاد بودجه کاهش می یابد و در واقع کسری بودجه افزایش می یابد.

همچنین باید ذکر کنیم که سیاست های مالی انبساطی که از طریق کاهش مالیات ها، و در نتیجه افزایش مصرف و همچنین افزایش هزینه های دولت صورت می گیرد، باعث افزایش تقاضای کل می گردد.

بخش دوم؛ بودجه ریزی دولتی

فصل اول؛ کلیات

نکته؛ بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تامین اعتبار و برآورد هزینه ها برای انجام عملیاتی است که منجر به نیل به سیاست ها هدف های قانونی می شود و از سه قسمت زیر تشکیل شده است:

۱. بودجه عمومی دولت شامل:

الف) پیش بینی دریافت ها و منابع تامین اعتبار که در سال مالی مستقیما یا غیر مستقیم به وسیله دستگاه ها از طریق حسابهای خزانه داری کل اخذ می گردد.

ب) پیش بینی پرداخت هایی که از محل درآمد عمومی یا اختصاصی برای دستگاههای اجرایی صورت می گیرد.

۲. بودجه شرکت های دولتی و بانک ها شامل پیش بینی درآمد ها و سایر منابع تامین اعتبار.

۳. بودجه موسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می شود.

تست؛ کدام یک از موارد زیر جزء بودجه عمومی دولت محسوب نمی شود؟

۱) پیش بینی دریافت ها

۲) بودجه شرکت های دولتی

۳) پیش بینی پرداخت های حاصل از درآمد عمومی

۴) پیش بینی منابع تأمین اعتبار

نکته؛ اولین قانون محاسبات عمومی ایران که در تاریخ ۲۱ صفر سال ۱۳۲۹ ه.ق به تصویب رسید در ماده اول مقرر می دارد:

" بودجه دولت سندی است که معاملات دخل و خرج مملکت برای مدت معینی در آن پیش بینی و تصویب شده باشد. مدت مزبور را سنه مالیه می گویند و عبارت است از یکسال شمسی".

در تعریفی دیگر بودجه را این گونه تعریف کرده اند:

" بودجه لایحه پیش بینی کلیه عواید و مخارج مملکتی است برای مدت یکسال شمسی که به تصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد."

با کمی دقت در تعاریف بالا روشن می شود که بنیانگذاران بودجه ایران با اطلاق واژه های سند و لایحه بودجه و پیروی از اصل تصویب بودجه توسط نمایندگان منتخب مردم، بیشتر اهداف سیاسی را از تعریف بودجه به دنبال نموده و بدون شک بر جنبه های سیاسی بودجه تاکید می ورزند.

نکته؛ مفهوم بودجه همگام با تکامل دولت ها و پیچیده تر شدن وظایف دولت، تغییر و تکامل یافته است. این تکامل را می توان به چهار مرحله متمایز تقسیم کرد:

- در مرحله اول، تقریباً از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۵، تاکید عمده روی ایجاد یک نظام با کفایت برای کنترل هزینه ها بود و حسابداری هزینه ها و پیوند بین حسابداری و بودجه مطرح شد. در مرحله اول بودجه به عنوان ابزار کنترل شناخته می شود. در نظارت بر دخل و خرج به عهده نمایندگان مردم واگذار شده تا از منافع مالیات دهندگان و دریافت کنندگان خدمات دولت حمایت کنند. هر گونه خرج بابت عمل به وظایف دولت باید کنترل گردد تا مالیات اضافی گرفته نشده و مخارج نیز کنترل شود.
- مرحله دوم که در توسعه بودجه عملیاتی خود را نشان داد، استفاده از بودجه به عنوان ابزار مدیریت مالی بود که در اصلاح ساختار، بهبود مدیریت و برنامه های اندازه گیری کار تجلی یافت. در مرحله دوم بودجه به عنوان ابزار مدیریت مالی شناخته می شود. با توسعه وظایف دولت و افزایش سریع هزینه ها، کنترل هزینه ها اهمیت خود را از دست داد. امر فوق نیاز به بهبود سیستم های مدیریت و برنامه ریزی را مطرح کرده و موجب توجه دولت ها به مدیریت مالی دولتی گردید. بدین ترتیب بعد جدیدی برای تصمیم گیری، تحت عنوان سیستم بودجه بندی عملیاتی و برنامه ای مطرح گردید.
- مرحله سوم با پیوند بودجه و برنامه به عنوان معیاری برای تجزیه و تحلیل رفاه اقتصادی آغاز شد و بر پیشرفت هایی تمرکز داشت که در فناوری تصمیم گیری و اطلاعاتی رخ داده بود. در مرحله سوم بودجه به عنوان ابزار برنامه ریزی شناخته شد. در این مرحله استفاده از بودجه به عنوان ابزار برنامه -

ریزی، به منظور تنظیم سیاست‌های مالی برای مقاصد اقتصادی صورت گرفت. در این رابطه اهداف زیر تامین می‌شود؛

✓ تعیین هدف‌های سرمایه‌گذاری و نرخ رشد و چگونگی اختصاص منابع در بین بخش‌ها

✓ تعیین نرخ رشد اقتصادی

✓ توجه به نقش مالیات‌ها و برنامه‌ریزی هزینه

- مرحله چهارم که بواسطه پیچیدگی محیط سازمان‌ها بوجود آمد، استفاده از بودجه بر مبنای صفر به عنوان ابزار برنامه ریزی راهبردی (استراتژیک) بود. در مرحله چهارم روند شکل‌گیری مفهوم و نقش بودجه، از بودجه به عنوان ابزار مدیریت استراتژیک یاد می‌شود. مرحله چهارم بودجه نویسی از زمانی آغاز شد که محیط سازمانی به عنوان یک محیط متلاطم و آشفته مطرح شد و پیچیدگی تصمیم و تغییر و تحولات بنیادی و خودجوش در محیط سازمانی، برنامه ریزی استراتژیک را در مدیریت به کار گرفت. در این دوره از بودجه نویسی به عنوان ابزار و عامل استراتژیک برای رویارویی با حوادث پیش بینی ناپذیر استفاده شد.

نکته؛ تعاریفی که بر جنبه‌های اقتصادی و مالی تاکید دارند:

در اینکه نظریه‌های نظام مالی بطور اعم و نظریه‌های نظام بودجه بطور اخص از بطن نظریه‌های اقتصادی زاده شده اند، تردیدی وجود ندارد. در واقع بودجه شاه‌رگ حیاتی دولت می‌باشد، که در شریان‌های آن منابع مالی و اقتصادی جاری است. تاکید بر جنبه‌های مالی و اقتصادی در تعاریف بودجه بیشتر بعد از گذار از اقتصاد کلاسیک به اقتصاد نئوکلاسیک صورت می‌گیرد.

در این موقع است که با گسترش وسیع دامنه فعالیت‌ها و عملیات دولت حجم بودجه‌ها نیز به سرعت افزایش یافته و در نتیجه تغییرات و تحولات بودجه‌ها هم در زمینه‌های نظری و هم در زمینه‌های عملی به شدت به تحولات اقتصادی و مالی پیوند می‌خورد.

در تعاریف، بودجه را چنین تعریف کرده اند:

بودجه یک طرح مالی است که هم به عنوان شالوده‌ای برای پیش‌بینی عملیات آتی و هم برای کنترل آن عملیات بکار می‌رود.

بنابراین تعاریف بودجه علاوه بر توجه به جنبه سیاسی و مدیریتی آن برگرفته از نظریه‌های اقتصادی است.

نکته؛ بودجه با حسابداری ارتباط نزدیکی دارد به طوری که می‌توان گفت این دو به یکدیگر وابسته اند. بودجه هدف‌ها و برنامه آینده دستگاه را در نظر می‌گیرد و برای تحقق آن اعتبارات مورد نیاز را پیش‌بینی می‌کند. این پیش‌بینی

معمولا در قالب برنامه، فصول هزینه و اجزاء آن صورت می گیرد. لیکن در عمل باید به صورت ریز تجزیه شوند تا ادارت حسابداری بر هزینه ها کنترل دقیق تری داشته باشند.

عملیات انجام شده و نتایج آن به صورت آمارها و گزارش های مالی استخراج می شود و در اختیار واحدهای بودجه قرار می گیرد تا هم از نظر لزوم تغییرات بودجه در سال مورد عمل و هم از لحاظ پیش بینی و برآورد نیازهای سال آینده مورد استفاده قرار گیرد.

بودجه دولت و حسابداری ملی، از طریق دو مولفه نقش منابع و مصارف بودجه دولت در درآمدها و هزینه های اقتصاد کشور با یکدیگر ارتباط پیدا می کنند.

نکته؛ اهمیت نهادن و تاکید بر نقش سیاسی بودجه است که باعث گنجاندن آن در اغلب قوانین حکومت های پارلمانی و تصویب قوانین و مقررات مربوط به نحوه عملکرد بودجه در اولین دوره های قانون گذاری تحت عنوان "قانون محاسبات عمومی" می گردد.

امروزه واژه های بودجه و برنامه یا در هم ادغام و مترادف گشته اند مثلا بودجه برنامه ای یا همواره با هم مورد استفاده قرار می گیرند - مانند بودجه و برنامه - و به هر حال امروزه مفهوم هیچ یک از آن دو را بدون دیگری نمی توان درست درک کرد.

تاکید بر جنبه های برنامه ای بودجه از مشخصات بارز تعاریف جدید و معاصر بوده است.

نکته؛ حکمرانی بودجه ای به معنای مشارکت معنادار بودجه در تصمیم گیری های دولتی است که خود تعیین کننده حکمرانی قابل محاسبه و مؤثر دولت محسوب می شود. شفافیت بودجه، کارآمدترین عامل برای شناسایی فساد مالی دردستگاه های اجرایی است که از طریق حکمرانی بودجه ای محقق می شود. حکمرانی بودجه ای به فرآیندها، قوانین، ساختارها و نهادهایی گفته می شود که قبول مسئولیت می کنند تا اطمینان حاصل شود که نظام بودجه ریزی به صورت اثربخش، باثبات و مداوم به اهدافش نائل گردد.

تست؛ به فرآیندها، قوانین، ساختارها و نهادهایی گفته می شود که قبول مسئولیت می کنند تا اطمینان حاصل شود که نظام بودجه ریزی به صورت اثربخش، باثبات و مداوم به اهدافش نائل گردد.

(۱) حکمرانی بودجه ای

(۲) شفافیت بودجه ای

(۳) سازماندهی بودجه ای

(۴) برنامه ریزی بودجه ای

نکته؛ از ویژگی های نظام بودجه GFS می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) هماهنگی متغیرهای آماری بودجه با مفاهیم اقتصادی
- (۲) هماهنگی ارقام بودجه ای با نظام حساب های ملی
- (۳) ارائه یک چارچوب تحلیلی که در آن داد و ستدهای غیر پولی، داد و ستدهای موجودی ها و جریان های اقتصادی تفکیک و در ترازنامه دولت انعکاس یافته باشد.

نکته؛ اغلب ادبیات مربوط به بودجه بندی به چگونگی تنظیم، ارائه و کنترل بودجه می پردازد. در سال ۱۹۴۰ پروفیسور وی. او. کی مقاله ای تحت عنوان «فقدان نظریه بودجه ای» منتشر کرد و بر این نکته تکیه کرد که هیچ نظریه بودجه ای وجود ندارد و ادبیات موجود در زمینه بودجه فقط به نحوه عمل سیستم بودجه بندی اشاره دارند. وی در این مقاله می گوید؛ بودجه بندی جزئی از اقتصاد کاربردی است که به تخصیص منابع کمیاب بین نیازهای مختلف و شاید متضاد می پردازد و باید از دیدگاه نظریه اقتصادی به ماهیت آن پی برد. پروفیسور «کی» در این بحث به سه دیدگاه ارزش نسبی، تجزیه و تحلیل روند افزایش هزینه ها و اثربخشی نسبی که از نظریه اقتصادی سرچشمه می گیرد، می پردازد.

نکته: قانون بازده نزولی یک قانون اقتصادی در استفاده از نهاده های متغیر در تولید و ترکیب آنها با نهاده های ثابت تولید می باشد و مبنای تخصیص نمی باشد.

نکته؛ قیود بودجه - یکی از چالش های اقتصاددانان مسأله ای اساسی بودجه ریزی بوده است. مسأله اساسی بودجه- ریزی تخصیص منابع محدود به نیازهای رقیب و اهداف و منافع مختلف است. یعنی اینکه در هنگام محدودیت منابع، بر چه مبنایی باید تصمیم گرفت که x ریال را به جای فعالیت A به فعالیت B اختصاص داد؟

تست؛ این موضوع که مسأله اساسی بودجه ریزی تخصیص منابع محدود به نیازهای رقیب و اهداف و منافع مختلف است، بیانگر کدام مفهوم در بودجه ریزی است؟

- (۱) قیود بودجه
- (۲) عقلانیت بودجه
- (۳) انضباط بودجه
- (۴) حکمرانی بودجه

شصت سال پیش وی. او. کی قاعده‌ای برای حل این مسأله ارائه کرد. او اظهار داشت که جواب‌های این مسأله را باید از طریق کاربست نظریه‌ی اقتصادی یافت. با این حال یادآور شد که یافتن یک نظریه‌ی جامع تخصیص منابع که بتوان آن را در عمل بکار گرفت، غیرممکن است، زیرا آشتی‌دادن بین مطالبات رقیب و اهداف و علائق سیاستی در قلمرو فلسفه‌ی سیاسی می‌باشد. اگر اصل اساسی انتخاب مصرف‌کننده "بیشتر بهتر است" پس چه چیزی مردم را از ولخرجی باز می‌دارد؟ آنچه که این ولخرجی را متوقف می‌کند، منابع محدود شده است که به آن "قیود بودجه" می‌گویند. قیود بودجه نموداری ریاضی از ترکیب کالاهاست که با توجه به درآمدهای حاصله می‌توان آنها را خریداری نمود.

نکته؛ عقلانیت در بودجه‌ریزی؛ باید توجه داشت که یک بودجه زمانی دارای عقلانیت قانونی است که در آن فرآیندها، قوانین، ساختارها و نهادها قبول مسئولیت می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که نظام بودجه‌ریزی به صورت اثربخش، اثبات و مداوم به اهدافش نائل شود.

نکته؛ هماهنگی میان برنامه و بودجه امری ضروری است، اما در عمل زمینه‌ها و ابزارهای لازم برای برقراری این هماهنگی به طور کامل فراهم نیست. به عبارت دیگر ارتباط صحیح بین برنامه‌های پنج ساله و بودجه سالانه وجود ندارد. از نظر کارشناسان ناهماهنگی و نبود ارتباط صحیح بین برنامه‌های ۵ ساله و بودجه سالانه وجود ندارد. از نظر متخصصان ناهماهنگی و نبود ارتباط صحیح بین برنامه و بودجه می‌تواند از عوامل زیر ناشی می‌شود:

(۱) فقدان اطلاعات و آمار تفصیلی خاص و بهنگام

(۲) فقدان الگوی اقتصادسنجی مطلوب برای انجام پیش‌بینی‌های کوتاه مدت (یک ساله و کمتر) و سنجش و سیاست‌گذاری

(۳) فقدان اقدام جدی در زمینه تهیه بودجه اقتصادی به پیوست لایحه بودجه

نکته؛ بودجه کنترل‌شده ارزشی فراگیر در دولت تلقی می‌شود. به علاوه، امروزه توانایی استقرار بودجه کنترل‌شده یا مدیریت شده یک عامل مهم در ارزیابی عملکرد و حتی عاملی برای توسعه و ارتقا تلقی می‌شود. مدیران باید مجموعه‌ای از رویکردها را برای بودجه کنترل‌شده به کار بگیرند. بودجه کنترل‌شده از طریق محاسبه و مقایسه هزینه‌ها و درآمدهای واقعی و همچنین عملکرد در قبال بودجه تعیین شده حاصل می‌گردد. این مقایسه الزامی است تا مدیران بتوانند درست عمل کنند و طرح‌های عملیاتی را در صورت نیاز تغییر دهند تا بتوانند بودجه خود را مدیریت کنند و ثبات اقتصادی را محقق سازند.

نکته؛ انضباط بودجه بیانگر توانایی دولت در محدود ساختن خودش از هزینه‌های بودجه مصوب یا بودجه متمم است که از طریق محاسبه‌ی نسبت مخارج بودجه به مخارج واقعی مورد سنجش قرار می‌گیرد. انضباط بودجه با انضباط مالی متفاوت است. انضباط مالی دولت بیانگر نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی.

نکته؛ انضباط مالی دارای چهار شاخص اساسی است که عبارتند از:

- ۱- انضباط بودجه‌ای؛ بودجه متوازن بدون کسری و متمم است که متولی آن دولت است.
- ۲- انضباط پولی یا انضباط در بازار پول؛ فعالیت های بانکی و ارزی را شامل می شود که متولی آن بانک مرکزی است.
- ۳- انضباط در مخارج و خزانه داری؛ در مواقعی که منابع به قدر کافی نیست، دولت باید بتواند منابع را اداره کند و متولی این بخش هم دولت است.
- ۴- بازارهای مالی؛ این بخش هم تحت تاثیر سیاست های دولت و بانک مرکزی قرار دارد و هر چه محیط کسب و کار امن تر باشد و ثبات در قوانین وجود داشته باشد شرایط در این بازارها بهبود می یابد و امکان تعادل در بازارهای مالی و کالا بیشتر می شود.

تست؛ عبارت "بودجه متوازن بدون کسری و متمم است که متولی آن دولت است" بیانگر کدام شاخص انضباط بودجه‌ای است؟

- (۱) انضباط بودجه‌ای
- (۲) انضباط پولی
- (۳) انضباط مالی
- (۴) انضباط در مخارج

نکته؛ ابعاد اصلی انضباط بودجه‌ای شامل ۴ مورد زیر است؛

- زمانی
- ارقامی
- مالی
- خط مشی

زمانی یک بودجه از انضباط در زمینه خط‌مشی برخوردار است که مطابق با لوایح و قوانین مشخص عمل نماید و در صورت بروز انحرافات، باید دوباره همسو با قوانین و مقررات بودجه‌ای گردد. زمانی که قوانین، مجریان بودجه را ملزم به عدم استفاده از تبصره‌های قانونی بودجه نماید، انضباط بودجه از نظر خط‌مشی محقق می‌گردد.

تست؛ همه موارد زیر جزء ابعاد انضباط بودجه‌ای محسوب می‌شود بجز؟

- (۱) زمانی
- (۲) مکانی
- (۳) خط مشی
- (۴) ارقامی

نکته؛ چارچوب میان مدت مخارج؛ نظام‌های مدیریت مالی هدف‌های سه‌گانه ثبات و انضباط مالی، تخصیص استراتژیک منابع و کارایی عملیاتی را دنبال می‌کنند. این سه هدف به چارچوب سه‌گانه نیز موسوم است. "چارچوب میان مدت مخارج دولت" فرآیندی است که در سال‌های اخیر برای تحقق سه هدف یاد شده در بسیاری از کشورهای جهان به کار گرفته شده است. در این فرایند دولت و سازمان مسئول برنامه و بودجه به تفاهم‌های قانونمندی برای تخصیص منابع عمومی بر اساس اولویت‌های استراتژیک، با رعایت انضباط مالی، می‌رسند. ساز و کار چارچوب میان-مدت مخارج سه وظیفه برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و بودجه‌ریزی را در یک‌چارچوب پیوسته با یکدیگر پیوند می‌دهد. همچنین انتخاب‌های سیاستی را چارچوب امکانات در دسترس قرار می‌دهد. فقدان مکانیسم ارتباط‌دهنده سیاست-گذاری، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی که ریشه در ضعف‌های نهادی و فنی موجود در نظام تصمیم‌گیری مالی دارد، مشکلی اساسی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است که نتایج ضعیفی را در هر یک از سه حوزه پدید آورده است. چارچوب میان مدت مخارج به عنوان یک ساز و کار ارتباط‌دهنده سه حوزه مذکور هم اکنون در بسیاری از کشورها به صورت چارچوبی برای فائق آمدن بر مشکلات تصمیم‌گیری‌های مالی دولت در حال طراحی و اجراست. ناتوانی ایجاد ارتباط میان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی یکی از ضعف‌های اساسی در مالیه عمومی به خصوص در کشورهای در حال توسعه با درجات مختلف است. فقدان ساز و کاری کارا در مرکز حکومت که این سه وظیفه (برنامه-ریزی، سیاست‌گذاری، بودجه‌ریزی) را در یک چارچوب پیوسته با یکدیگر مرتبط سازد، کارکردهای بسیار ضعیفی را در هر یک از این سه موجب می‌شود که با توجه به حوزه گسترده وظایف دولت، مشکلات فراوانی را به دنبال دارد. در بسیاری از کشورها سیستم تصمیم‌گیری مالی کاملاً تفکیک شده است. برنامه‌ریزی بیشتر محدود به پروژه‌های سرمایه‌گذاری است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه عمدتاً به پروژه‌هایی که از محل هدایا تأمین مالی می‌شوند، محدود می‌شود. سیاست‌ها عمدتاً به تناسب مسائل جاری طرح می‌شوند و ارتباط محدودی با برنامه دارند. چون مخارج سرمایه‌گذاری عمدتاً از قبل برای کل دوره برنامه‌ریزی تخصیص داده می‌شوند و بخش قابل توجهی از مخارج جاری نیز انعطاف‌پذیر است، بودجه‌ریزی عملاً به تخصیص بخش ناچیزی از منابع می‌پردازد و اساساً برنامه و سیاست از قبل هیچ محدودیتی بر بودجه اعمال نمی‌کند. فقدان یک ساز و کار ارتباط‌دهنده سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی ریشه در عوامل متعددی دارد. ناتوانی در پیش‌بینی منابع مالی حتی برای دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت، ناتوانی در هدایت منابع به اولویت‌های سیاستی، ناتوانی در طراحی اولویت‌های سیاستی بر مبنای برنامه، ناتوانی در محدود کردن برنامه‌ریزی و اولویت‌های سیاستی در محدوده امکانات، فقدان مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در نظام تصمیم‌گیری مجموعه عواملی هستند که فرایند تصمیم‌گیری را مختل می‌کند و نتیجه آنها کارکردهای ضعیف و مخرب برای انتخاب‌های مالی دولت است.

تست؛ بر اساس کدام فرآیند، دولت و سازمان مسئول برنامه و بودجه به تفاهم‌های قانونمندی برای تخصیص منابع عمومی بر اساس اولویت‌های استراتژیک و با رعایت انضباط مالی می‌رسند؟

(۱) چارچوب میان مدت مخارج

(۲) انضباط مالی

نکته؛ دیدگاه دیگری که در بودجه‌ریزی مطرح می‌شود، دیدگاه توهم مالی و سیاست‌های تثبیت نامتقارن است. بر اساس سیاست‌های تثبیت نامتقارن، سیاست‌مداران همیشه به اجرای کسری در دوران کساد تمایل دارند، اما هرگز تمایلی به ایجاد مازاد پس از گذشتن از دوران کساد ندارند. رأی‌دهندگان که از نظر مالی توهم دارند و این رفتار را مجازات نمی‌کنند. این توصیف‌ها درباره‌ی کسری بودجه از نظر برخی دلایل تجربی و نظری، به طور کلی قانع‌کننده نیست. اول آنها اساساً بر نظریه توهم مالی متکی هستند، نظریه‌ای که به خوبی به ماورای این دیدگاه قایل استدلال می‌رود که برای انتخاب‌کنندگان فهمیدن پیچیدگی بودجه دولتی دشوار است. تفاوتی اساسی بین خطاها و توهمات وجود دارد. اگر خطاهای رأی‌دهندگان هم بسته نباشند، آنها به طور متوسط هزینه‌ها و منافع مالیات‌ها و مخارج را بیش از حد و کمتر از حد برآورد نمی‌کنند. توهم اریبی نظام یافته در خطاها را بیان می‌کند. در حالی که بی‌چون و چرا، رأی‌دهندگان اشتباه کرده و به صورت ناقصی اطلاعات دریافت می‌کنند، به هیچ روی معلوم نمی‌شود که چرا خطاها باید در جهت معینی اریب داشته باشند، یعنی بار مالیاتی نسبت به منافع ناشی از مخارج کمتر از حد برآورد شود. دوم این نظریه به اندازه کافی به پرسش "چرا اکنون؟" پاسخ نمی‌دهد. مشکل کسری در برخی کشورها از اوایل دهه ۱۹۷۰ و در ایالات متحده در اوایل دهه ۱۹۸۰ ظاهر گردید. در مجموع دیدگاه توهم مالی می‌گوید که رأی‌دهندگان محدودیت بین زمانی دولت را نمی‌فهمند. وقتی یک برنامه مخارج مبتنی بر تأمین مالی به وسیله کسری پیشنهاد می‌شود، آنها منافع مخارج جاری را بیش از حد و بار مالیاتی را کمتر از حد برآورد می‌کنند. سیاست‌مداران فرصت‌طلبی که می‌خواهند دوباره انتخاب شوند، از این در هم ریختگی با افزایش مخارج به بیش از مالیت‌ها نفع برده و رأی‌دهندگانی را که از نظر مالی دچار توهم هستند، راضی می‌کنند. یکی از قوی‌ترین بحث‌ها راجع به مفهوم توهم مالی در مقاله واگنر و بوکانن (۱۹۷۷) وجود دارد. موضوع دیگری که به دیدگاه توهم مالی مربوط است، بحث دور تجاری سیاسی است. این دیدگاه می‌گوید که در سال‌های انتخابات سیاست‌مداران به اعمال سیاست‌های انبساطی دست می‌زنند. رأی‌دهندگان به سیاست‌مداران پاداش می‌دهند، بدون اینکه بفهمند یا از قبل یاد بگیرند که بهای سیاست‌های انبساطی بیش از انتخابات باید با کساد پس از انتخابات پرداخت شود. نوشته‌های در این زمینه وسیع است و شایسته برخورد جداگانه است. نکته‌ای که با ما مربوط می‌شود، این است که الگوهای دور تجاری سیاسی به خوبی برای توضیح روندهای بلندمدت نسبت‌های بدهی به تولید ناخالص ملی مناسب نیستند، در حالی که می‌توانند نوسان‌های کوتاه‌مدت مخارج و مالیت‌ها را در حول و حوش انتخابات توضیح دهند.

نکته؛ توهم مالی؛ توهم مالی پدیده‌ای است که بر اساس آن، هزینه کامل خدمات دولتی، پنهان است و یا بوسیله‌ی رأی‌دهندگان بخوبی درک و فهمیده نمی‌شود. از طرف دیگر مطابق با دیدگاه توهم مالی، رأی‌دهندگان در تأمین مالی به وسیله‌ی کسری بودجه، منافع مخارج جاری را بیش از حد و بار مالیاتی آینده را کمتر از حد برآورد می‌کنند. بنابراین به این طریق مردم جامعه را متقاعد می‌کنند تا به آنها رأی دهند.

تست؛ عبارت زیر بیانگر کدام پدیده زیر در بودجه‌ریزی عمومی است؟

"رای‌دهندگان در تأمین مالی به وسیله‌ی کسری بودجه، منافع مخارج جاری را بیش از حد و بار مالیاتی آینده را کمتر از حد برآورد می‌کنند"

(۱) چارچوب میان مدت مخارج

(۲) انضباط مالی

(۳) کالای عمومی

(۴) توهّم مالی

نکته؛ مشکلات اساسی در تهیه و تنظیم بودجه فعلی ایران شامل موارد زیر می‌شود؛

۱. ضعف قوانین و استنباط نادرست مجریان از قوانین

۲. ناهماهنگی میان برنامه و بودجه

۳. مسائل اقتصادی و اجتماعی بودجه

۴. مسائل مربوط به نظام اداری

۵. مشخص نبودن تمرکز یا عدم تمرکز اداری و بودجه‌ای

۶. ناهماهنگی میان منابع و مصارف بودجه

۷. مسائل اجرایی طرح‌ها و برنامه‌ها

فصل دوم؛ اصول بودجه

نکته؛ اصل سالیانه‌بودن؛ سالیانه بودن تا جایی به مفهوم بودجه‌ی کشوری گره خورده است که در ادبیات انگلیسی معمولاً برای اشاره به بودجه‌ی بخش دولتی اصطلاح «بودجه‌ی سالیانه» به کار می‌رود. اصل سالیانه بودن بودجه، یک ریشه‌ی تاریخی و یک ریشه‌ی قانونی دارد. ریشه‌ی تاریخی این اصل، اغلب ناشی از ابتدای اداره‌ی دولت بر روند- چرخه‌های یکساله در درآمدزایی از یک سو و محدودیت امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای حسابرسی در بازه ترازهای کوتاه یک سال بوده است. مضاف بر اینکه حسابرسی در دوره‌های زمانی طولانی‌تر نیز می‌توانست به بی- انضباطی مالی و احیاناً فساد مالی منجر شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد حکمت‌های قدیمی بودجه‌ی سالیانه امروز منتفی شده است. با این حال بر اساس قانون اساسی، الزامی برای تقدیم بودجه به صورت سالیانه وجود دارد. با استفاده از

برخی ابزارهای تقنینی نوظهور، می‌توان هم حدود قانون اساسی را تا زمان بازنگری محترم داشت، هم به اهداف کاهش منزلت قاعده‌ی سالیانه بودن بودجه از یک اصل تخطی‌ناپذیر به یک اصل کارکردی یاری رساند. سالیانه بودن از جمله اصول بدیهی در بودجه‌ریزی به شمار می‌رود که در قانون اساسی ایران نیز منعکس شده است.

تست؛ ریشه‌ی تاریخی کدام اصل در بودجه‌ریزی اغلب ناشی از ابتدای اداره‌ی دولت بر روند چرخه‌های یکساله در درآمدزایی و محدودیت امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای حسابرسی بوده است؟

(۱) اصل جامعیت

(۲) اصل سالیانه بودن

(۳) اصل تقدم درآمد بر هزینه

(۴) اصل شمولیت

نکته؛ فلسفه‌ی سالیانه بودن بودجه؛ در تعاریف قانونی صورت گرفته از بودجه، مدت دار بودن و به تعبیر دیگر سالیانه بودن یک عنصر مشترک است، به گونه‌ای که وصف توقیتی بودن را از مفهوم بودجه جدا کرد. این توقیت که معمولاً در نظام تقنینی مالی ایران محدود به یک سال است، می‌تواند مبتنی بر دلایل زیر باشد؛

✓ سری زمانی درآمدزایی

در مورد قید سالیانه بودن بودجه، یکی از دلایل احتمالی این امر را یکساله بودن مأخذ مالیات‌ستانی ارضی دانسته است. محصولات کشاورزی مانند برنج، گندم و کشمش در چرخه‌ی یکساله به عمل می‌آمده‌اند و منطقاً مالیات‌ستانی از مردم نیز از چرخه‌ی یکساله تبعیت می‌کرده است. همین چرخه‌ی یکساله‌ی درآمدزایی دولت‌ها، بودجه‌های عمومی یکساله را رقم زده است.

✓ حسابرسی سالیانه

حسابرسان دولتی ترجیح می‌دهند تا بازه‌ی حسابرسی از یک سال نیز طولانی‌تر نشود؛ تغییر سریع مدیران سیاسی و گاه مدیران حرفه‌ای، عدم دقت در گزارش‌های تفصیلی و اتکای فرایندهای حسابرسی به ذهنیت مجریان از دلایل این ترجیح است. به هر حال اصل این موضوع که در شرایط امروز می‌توان بازه‌های حسابرسی را تغییر داد و حتی یک زمان ترکیبی (بازه طولانی‌تر برای هزینه‌های عمرانی و بازه کوتاه‌تری برای هزینه‌های جاری) مستقر کرد، غیرقابل تردید است. این واقعیت می‌تواند یکی از حکمت‌های اصل سالیانه بودن بودجه را منتفی کند.

✓ ارزش راهبردی بودجه سالیانه

بودجه‌ی سالیانه در حقیقت چشم‌اندازی راهبردی از وضعیت مالی دولت به دست می‌دهد. تأمل بیشتر در این مزیت جانبی، ناروا بودن آن را نشان می‌دهد، چرا که بودجه‌های سالیانه اغلب بر پایه‌ی ایجاد تغییرات افزایشی در بودجه‌ی سال گذشته نوشته می‌شوند و همین مسئله خود مانع از اولویت‌بندی مجدد سیاست‌های دولت می‌شود. ردیف‌های تکرارشونده به مرور خصلتی تغییرناپذیر می‌یابند، حال آنکه نیازها در حال تغییرند.

✓ ایجاد بینش مقایسه‌ای در عملکرد بودجه‌ای

از دیگر مزایای جانبی بودجه، وجود فرصت مقایسه بین حساب‌های سالیانه به صورت کلی و بخشی در سال‌های مختلف است. به همین سبب بودجه یک ابزار اندازه‌گیری دقیق برای مقایسه‌ی عملکردها در سال‌های مختلف است. افزون بر آن گزارش تفریغ بودجه نیز می‌تواند این مقایسه را دقیق‌تر و واقعی‌تر کند. در حقیقت آنچه به نمایندگان مجلس با تخصص‌های مختلف (که لزوماً دارای توان کارشناسی برنامه‌ریزی اقتصادی نیستند) توان مقایسه‌ی بین بودجه‌های تقدیمی دولت در ادوار مختلف را می‌دهد و ایشان را مجاب به پذیرش یا رد کلی بودجه‌ی تقدیمی می‌کند، امکان مقایسه مطالعه‌ای و گذاشتن بودجه‌ی تقدیمی سال جاری در محک بودجه‌ی مصوب سال گذشته و ارزیابی این دو با عملکرد جاری یک دستگاه است.

نکته؛ در رابطه با اصل سالیانه بودن این استثنائات وجود دارد: پرداخت مبالغ تخصیص‌یافته برای سال جاری در سال آتی؛ انتقال تخصیص‌ها در پایان سال به سال آتی؛ ایجاد تعهدات هزینه‌ای در سال قبل برای سال بعد در حالی که هنوز بودجه‌ی سال بعد به تصویب پارلمان نرسیده است. از منظر این استثنائات، اصل سالیانه‌بودن بیشتر برای گزارش-دهی‌های بودجه‌ای تا تخصیص‌های بودجه‌ای صورت بگیرد. بودجه یک یا چند دوازدهم و اعتبارات برنامه‌ای استثنائاتی بر اصل سالانه بودن بودجه است.

تست؛ بودجه یک یا چند دوازدهم از استثنائات بر کدام اصل بودجه‌ریزی می‌باشد؟

(۱) اصل کاملیت

(۲) اصل انعطاف‌پذیری

(۳) اصل سالیانه‌بودن

(۴) اصل تعادل

نکته؛ اصل جامعیت یا کاملیت؛ بودجه باید بصورت کامل و برای همه دستگاه‌های دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و همچنین شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به صورت یکی تهیه و به مجلس تقدیم می‌گردد. اصل جامعیت یعنی تمرکز عایدات و مخارج در مالیه عمومی و این بدان معناست که کلیه درآمدها در خزانه‌داری کل واریز و همه پرداخت‌ها از محل اعتبارات پرداخت می‌شود. اصل جامعیت مقرر می‌دارد که همه‌ی درآمدها و هزینه‌ها به صورت ناخالص در بودجه گنجانده می‌شوند. درآمدها به مصارف خاص اختصاص نمی‌یابند و هزینه‌ها از درآمد کسر نمی‌شوند. بنابراین اصل باید ارقام درآمد و هزینه به صورت کامل و به شکل ناخالص نوشته شوند نه این که با هم تهناتر شوند. عدم رعایت این اصل با اصل مالیه عمومی (اصل تمرکز عایدات) تناقض خواهد داشت.

نکته؛ اصل وحدت بودجه بدین معناست که برای هر سال مالی تمامی درآمدها و مخارج کشور باید در قالب سندی واحد که بودجه نامیده می‌شود، درج شوند. اصل وحدت به معنای تجمیع تمام منابع عمومی در خزانه‌داری کل و

واگذاری آنها از همان محل برای مصارف عمومی در هر دوره مالی با رعایت اولویت‌های عملیاتی و ارتباط منابع با مصارف در هر یک از حوزه‌های بخش عمومی است. برخی فعالیت‌های دولت همانند سیاست‌های خارجی و عملیات سری و نظامی در بودجه عمومی گنجانده نمی‌شود و به عنوان استثنای اصل وحدت شناخته می‌شوند.

نکته؛ بر اساس اصل وحدت بودجه تمام برنامه‌ها، فعالیت‌ها و طرح‌های دولت و نیز تمام درآمدها و هزینه‌های آن و اجباراً بودجه تمام دستگاه‌ها باید در یکجا نوشته شود و برای رسیدگی و تصویب و آگاهی همگان ارائه شود. به عبارت دیگر برای یک سال مالی بایستی یک لایحه بودجه تنظیم شود و کلیه دخل و خرج دولت در سندی واحد ارائه گردد.

تست؛ برخی فعالیت‌های دولت همانند سیاست‌های خارجی و عملیات سری و نظامی در بودجه عمومی گنجانده نمی‌شود و به عنوان استثنای اصل شناخته می‌شوند.

(۱) اصل شمولیت

(۲) اصل انعطاف‌پذیری

(۳) اصل سالیانه‌بودن

(۴) اصل وحدت

نکته؛ فواید رعایت اصل وحدت بودجه به قرار زیر است:

۱. فقط تنظیم بودجه است که به پارلمان و عامه مردم امکان می‌دهد بدانند که آیا بودجه دولت متعادل است و یا خیر و اگر بودجه دولت نیز متعادل نباشد، لااقل میزان کسری بودجه با یک مقایسه و برآورد دخل و خرج دولت مشخص می‌شود.

۲. اگر بودجه در سندی واحد تنظیم گردد، اهمیت فشار مالیاتی به نسبت درآمد ملی مشخص خواهد شد و هنگام وضع قوانین مالیاتی و افزایش نرخ مالیات‌ها و یا تحمیل مالیات‌های جدید بر مردم معلوم خواهد شد که درجه فشار این گونه مالیات‌ها بر تولید و مصرف تا چه اندازه است.

نکته؛ در قوانین و مقررات بودجه ای کشور برای اصلاح بودجه و متمم بودجه در موارد اضطراری پیش‌بینی‌هایی به عمل آمده است و به موجب آن دولت در شرایط خاص اقتصادی و حوادثی نظیر جنگ تحمیلی، لایحه متمم بودجه تقدیم مجلس شورای اسلامی نموده است. اصلاح بودجه و متمم بودجه استثنائاتی بر اصل وحدت بودجه است.

نکته؛ اصل شمولیت در بودجه به معنی تهیه بودجه با ریز و تفصیل طرفین حساب است. این اصل دولت را ملزم می سازد تا در تدوین و پیشنهاد بودجه به قوه قانون گذاری، درآمدها را به صورت مشروح و دستگاهی طبقه بندی نموده و هزینه های دستگاههای اجرایی را به صورت تفصیل و در چارچوب برنامه ها، مواد هزینه و به تفکیک هزینه های جاری و عمرانی و همچنین ملی، استانی و شهری مشخص کند. این اصل موجب می شود که نظارت پارلمانی، از طریق نمایندگان مردم و دیوان محاسبات کشور تحقق یابد.

از طرف دیگر بودجه نمی تواند به عنوان مجموعه ای از اعداد و ارقام خشک و بی روح تلقی شود بلکه می باید در قالب گزارش های مفصل توجیهی و مستدل مطرح گردد.

نکته؛ اصل کفایت؛ بنا بر اصل کفایت، بودجه باید برای انجام حوایج جامعه کافی باشد و تمام نیازمندی های ضروری جامعه را برآورده سازد. وجوه بودجه باید طوری خرج شود که حداکثر فایده اجتماعی نصیب گردد؛ یعنی اگر بودجه به شیوه دیگری خرج شود به جامعه به این اندازه منفعت نرساند. این نظریه را که بر اساس اصل اقتصادی هزینه فرصت مطرح شده است، نظریه بودجه ریزی می گویند.

نکته؛ تعادل بودجه به برابری هزینه ها و درآمدها در سند بودجه اشاره دارد و از مهم ترین مطالب در بودجه ریزی است. به طور کلی در خصوص تعادل در بودجه سه نظریه کلی وجود دارد؛

- یک نظریه این است که دولت موظف است تعادل بودجه خود را سالانه با تنظیم مخارج نسبت درآمدها رعایت کند که این دیدگاه از سوی کلاسیک ها طرفداری می شود. استدلال آنها این است که؛
- ✓ همانطور که رعایت تعادل در بودجه در اقتصاد بخش خصوصی، امر مطلوبی است، در بخش عمومی نیز تعادل سالانه بودجه مناسب خواهد بود.
- ✓ رعایت تعادل در بودجه باعث جلوگیری از رشد بی رویه بخش عمومی و مخارج دولت (به ویژه مخارج بیهوده) می شود.
- ✓ کسری بودجه باعث ایجاد تورم می شود و این عدم توازن بودجه باعث می شود دولت نتواند تورم را مهار کند.
- نظریه دوم سیاست بودجه نامتعادل است. طرفداران این نظریه خواهان انجام وظایف اقتصادی دولت هستند و معتقدند که مهم ترین وظیفه دولت ایجاد ثبات اقتصادی از طریق بودجه در اقتصاد است، ممکن است در رسیدن به هدف ثبات اقتصادی در یک دوره بلندمدت در بودجه دولت عدم تعادل به وجود آید و دولت با افزایش میزان کسری بودجه رو به رو شود که این وضعیت نباید باعث نگرانی شود.
- نظریه سوم حمایت از تعادل در بودجه ولی نه به صورت سالانه است. طرفداران این نظریه که در مقایسه با دو نظریه قبلی حالت بینابینی دارند، معتقدند بودجه دولت باید در یک دوره تجاری چندساله متوازن شود. آنها از نارسایی های ناشی از تعادل سالانه در بودجه و همچنین مشکلات ناشی از وجود عدم تعادل طولانی آگاه هستند و خواهان وضعیتی هستند که بتواند کسری ایجاد شده در دوره رکود اقتصادی را با مازاد دوره رونق اقتصادی جبران کند.

نکته؛ اصل تعادل بودجه به حفظ موازنه بین درآمدها و مخارج، به گونه ای که دولت بتواند بدون متوسل شدن به استقراض، تعهدات مالی خود را بپردازد، اشاره دارد. بنا بر این اصل، جمع ارقام کلیه منابع درآمدهای پیش بینی شده باید با جمع کلیه ارقام هزینه هایی که برای سال بودجه در اجرای برنامه ها و فعالیت های مصوب محاسبه یا برآورد می گردد برابر و مساوی باشد. به تعبیری دیگر بودجه دولت بایستی نه کسر داشته باشد و نه اضافه. منظور از کسری بودجه، فزونی هزینه ها بر درآمدها و مازاد بودجه بیانگر فزونی درآمدها بر هزینه هاست. در صورتی مخارج دولت از هزینه ها بیشتر شود دولت برای از بین بردن کسری بودجه باید به استقراض از منابع داخلی یا خارجی روی آورد. یک از روش های از بین بردن کسری بودجه جهت رعایت اصل تعادل استقراض دولت از بانک مرکزی است.

نکته؛ تعادل بودجه ای بیانگر سلامت اقتصادی عملکرد دولت در جامعه می باشد، به این دلیل که مازاد و کسری بودجه دولت به نوبه خود دارای آثار منفی ناشی از دخالت دولت در اقتصاد می باشند.

نکته؛ اصل وضوح و روشن بودن؛ بر اساس اصل وضوح تمامی اقلام درآمدی و هزینه ای باید مشخص و روشن باشند و از ایجاد اعتبارات سرجمع باید اجتناب شود. این اصل، بازرسی و رسیدگی مناسب را در تمامی سطوح تسهیل می سازد و کمک می کند تا نگاهها متوجه پیشرفت های واقعی بوده و کنترل بودجه ای اعمال گردد. بر اساس اصل وضوح، بودجه باید برای تمامی شهروندان قابل فهم باشد.

نکته؛ اصل تخصیص بودجه؛ بودجه جنبه پیش بینی و مصرف جنبه عملکرد دارد. تمام ارقام منظور در بودجه باید به همان وضع و ترتیبی که در بودجه تعیین شده و مجوز آن صادر شده وصول یا به مصرف برسد، هر رقم اعتباری که برای هزینه ای پیش بینی و مصرف جنبه عملکردی دارد و باید پیش بینی و عملکرد انطباق داشته باشد.

نکته؛ اصل عدم تخصیص؛ اصل عدم تخصیص از مهم ترین اصول اقتصادی و مالی ناظر بر فرآیند بودجه ریزی است که دال بر نفی پیش بینی درآمد اختصاصی برای نهادهای گوناگون حکومتی است. اصل عدم تخصیص در قوانین و مقررات ناظر بر بودجه است، چرا که بیان می دارد؛ " کلیه ی عواید دولت باید بوسیله ی متصدیان مربوط مستقیماً به خزانه تحویل شود و کلیه مخارج در حدود قوانین و نظام نامه های مربوط و مقررات راجع به هر نوع خرجی به موجب حواله و نظارت مستقیم وزارت مالیه به خزانه ی دولت پرداخته شود. اصل عدم تخصیص از مهم ترین اصول اقتصادی مالی ناظر بر بودجه ریزی است. منظور از اصل مذکور این است که در قانون بودجه هیچ درآمدی برای هزینه یا هزینه های خاصی تخصیص نیابد و هیچ هزینه ای از محل درآمدهای خاص تأمین و اعتبار نشود، بلکه باید همه ی درآمدهای دولت به خزانه واریز شود و همه ی اعتبارات مربوط به هزینه های دولت نیز از محل درآمدهای عمومی واریزی به خزانه تأمین و پرداخت شود. اصل عدم تخصیص در مالیه ی عمومی یکی از نموده های اصل جامعیت بودجه است. در واقع این اصل بیانگر دومین مفهوم اصل جامعیت بودجه است؛ یعنی ارقام بودجه هر دستگاه اجرایی باید به طور ناخالص منظور شود و نهادهای عهده دار تهیه، تنظیم و تصویب بودجه حق تهاتر منابع و مصارف یک دستگاه اجرایی را ندارند.

نکته؛ اصل انعطاف‌پذیری بودجه عبارت است از تغییر و جابجایی در ارقام هزینه‌ها و برنامه‌های دستگاه اجرایی بدون آنکه در سر جمع اعتبارات مصوب تغییری حاصل شود. بر اساس این اصل تا حدودی به مدیران دستگاه‌های دولتی اختیار داده می‌شود تا برای رفع برخی از مشکلات اجرایی بودجه تغییراتی جزئی در بودجه مصوب سالانه خود بدهند. البته این اصل برای کشورهای مختلف متفاوت است و هر کشوری بر اساس نیازها و اوضاع و احوال خود درجه‌ای از تخصیص را به اندازه‌ای از انعطاف‌پذیری مخلوط می‌کند و می‌آمیزد و از اختلاط آنها متناسب‌ترین شکل را برای خود بوجود می‌آورد. مثلاً در مواردی که اوضاع و احوال اقتصادی دچار نوسان‌های شدید و غیر منتظره است، انعطاف‌پذیری بودجه بیشتر مطلوب و مورد نیاز است. مطابق با اصل انعطاف‌پذیری چنانچه دولت در پیش‌بینی بودجه اعم از درآمدها و یا هزینه‌های خود در طول سال با مشکل مواجه شود، می‌تواند از طریق سیستم بودجه و ارائه آن به مجلس بودجه خود را ترمیم یا تصحیح نماید. ضمناً در داخل هر دستگاه اجرایی به وزیر یا مسئول مربوطه تا حدی اجازه داده می‌شود که نسبت به جابجایی اعتبارات از طریق معاونت راهبردی اقدام کند (اصلاحیه بودجه). لیکن در این زمینه نیز مانند هر موضوع دیگری باید اندازه نگه داشت تا این اصل راه‌گزینی از مقررات و توجیه برون رفتن از چارچوب معیارها نگردد. بنابراین می‌توان گفت زمانی که قوه‌ی مجریه قبل از آنکه اقدامات تصویبی پارلمان به اتمام برسد، در بودجه پیشنهادی خود بازنگری نماید، به این فرآیند ترمیم یا تصحیح بودجه گفته می‌شود.

نکته؛ روش‌های مختلف انعطاف‌پذیری در بودجه به قرار زیر است؛

- اصلاح بودجه: منظور اصلاحی است که دولت با جابجایی اعتبارات مصوب در سطح مواد بودجه یا برنامه یا طرح‌های عمرانی به عمل می‌آورد و بدین وسیله بسیاری از مشکلات اجرایی سازمان‌ها را از بین می‌برد.
- متمم بودجه: بودجه‌ای است که طی آن تغییرات سقف اعتبارات دستگاه‌های اجرایی به قوه‌ی مقننه تقدیم می‌شود تا مورد بررسی و تصویب قرار گیرد.
- اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده: اعتباری است که در قانون بودجه کل کشور منظور می‌شود و بنا به پیشنهاد وزرای ذی‌ربط و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و تصویب هیأت وزیران با رعایت مقررات عمومی دولت قابل مصرف است.

اعتبارات دولت: اعتباری است که برای امر خاصی که جنبه عمومی و استثنایی دارد، در اختیار دولت قرار می‌گیرد و همانند اعتبار هزینه‌های پیش‌بینی نشده به مصرف می‌رسد.

نکته؛ اصل تخمینی‌بودن درآمدها؛ درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه جنبه تخمینی دارد و این بدان معنی است که منظور شدن مبلغی به عنوان درآمد در بودجه کل کشور مجوزی برای وصول از اشخاص حقیقی و حقوقی نمی‌شود و در هر مورد نیاز به مجوز قانونی دارد و پیش‌بینی به هر میزان مانع وصول درآمدهای بیشتری از منابع مربوط نیست. بر

اساس این اصل اصول درآمد بیشتر از مبلغ پیش‌بینی شده یا کمتر از آن به موجب قانون بلامانع است، لکن وصول مبلغ بیشتری خارج از ضوابط تعیین‌شده در قانون از افراد حقیقی و حقوقی خلاف است.

تست؛ بر اساس کدام اصل بودجه، اصول درآمد بیشتر از مبلغ پیش‌بینی شده یا کمتر از آن به موجب قانون بلامانع است، لکن وصول مبلغ بیشتری خارج از ضوابط تعیین‌شده در قانون از افراد حقیقی و حقوقی خلاف است؟

(۱) اصل تخمینی بودن درآمدها

(۲) اصل تحدیدی بودن هزینه‌ها

(۳) اصل انعطاف‌پذیری

(۴) اصل کاملیت

نکته؛ اصل تحدیدی بودن هزینه‌ها؛ منظور از اصل تحدیدی بودن هزینه‌ها آن است که حداکثر پرداخت‌ها در حد اعتبار مصوب می‌باشد و تجاوز از آن ممنوع است، یعنی وقتی اعتبار به مبلغ معین تصویب شد، نمی‌توان کمتر یا بیشتر هزینه کرد. به عبارت دیگر تصویب اعتبارات اجازه خرج است نه تکلیف. لذا میزان تعهد برای دستگاه‌های اجرائی حداکثر برابر تخصیص اعتبار می‌باشد و تخصیص اعتبار حداکثر برابر اعتبارات مصوب در سند بودجه است و رابطه زیر در هر مقطع زمانی طی یکسال مالی باید همواره برقرار باشد.

نکته؛ اصل تنظیم بودجه بر مبنای عملیات؛ بر مبنای این اصل، تهیه و تنظیم بودجه بایستی بر مبنای فعالیت و عملکرد دستگاه‌های اجرایی صورت گیرد، نه عادات سنواتی؛ چرا که چنین عاداتی زمینه چانه‌زنی دستگاه‌ها را برای دریافت اعتبارات بیشتر فراهم و اولویت‌بندی بین برنامه‌ها را با مشکل رو به رو می‌سازد. بکارگیری این اصل علاوه بر عملیاتی ساختن برنامه‌های دولت باعث می‌شود برای فعالیت‌های مناسب، اعتبار لازم در نظر گرفته شود. ماده ۵۰ قانون محاسبات عمومی می‌گوید؛ وجود اعتبار در بودجه کل کشور به خودی خود برای اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی ایجاد حق نمی‌کند و استفاده از اعتبارات باید با رعایت مقررات مربوط به خود بعمل آید.

نکته؛ اصل تقدم درآمد بر مخارج؛ منظور آن است که قبل از هرگونه اقدامی در امر بودجه‌ریزی، ابتدا بایستی منابع درآمدی و سقف هر یک از آنها به طور دقیق پیش‌بینی شود و اثرات بر شاخص‌های کلان اقتصاد مورد بررسی قرار گیرد و سپس در مرحله بعد، حجم عملیات و مخارج مورد نیاز برنامه‌ها را معین نمود، زیرا اولاً اقتصاد به شدت از قدرت خریدی که دولت از مردم جدا می‌کند، اثر می‌پذیرد. مثلاً افزایش مالیات‌ها قطعاً بر پس‌انداز و خرید مردم تأثیر می‌گذارد، لذا بایستی مقدار مالیات طوری معین گردد که حداقل اثر منفی را بر اقتصاد داشته باشد. ثانیاً به لحاظ اینکه در هر بودجه‌ای مخارج تابعی از درآمدهاست، بررسی درآمدها مقدم بر مخارج است.

تست؛ عبارت زیر ناظر بر کدام اصل بودجه‌ای است؟

قبل از هرگونه اقدامی در امر بودجه‌ریزی، ابتدا بایستی منابع درآمدی و سقف هر یک از آنها به طور دقیق پیش‌بینی شود و اثرات بر شاخص‌های کلان اقتصاد مورد بررسی قرار گیرد.

۱) اصل تفکیک هزینه‌های مستمر از غیر مستمر

۲) اصل تقدم درآمد بر مخارج

۳) اصل تخصیص بودجه

۴) اصل تنظیم بودجه بر مبنای عملیات

نکته؛ اصل تفکیک هزینه‌های مستمر از غیر مستمر؛ با بکارگیری این اصل یعنی تفکیک هزینه‌های مستمر از غیر مستمر می‌توان حجم، سهم و ترکیب هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده بودجه را در برنامه‌های دولت معین نمود. هزینه‌های مستمر دولت عمدتاً شامل مخارج مصرفی و هزینه‌های غیر مستمر آن شامل سرمایه‌گذاری‌های مختلف است که هر کدام از آنها در سطوح کلان اقتصاد (رسیدن به تعادل بین عرضه و تقاضای کل، اشتغال، سطح عمومی قیمت‌ها، تولید و ...) اثر دارند. با تفکیک هزینه‌ها از یکدیگر، دولت می‌تواند از بودجه به عنوان ابزاری برای هدایت اقتصاد جامعه استفاده نماید.

نکته؛ اصل وحدت پولی؛ این اصل بیان می‌دارد که تمامی عملیات بودجه‌ای باید در قالب واحد پول ملی بیان شود. بر طبق این اصل کلیه عملیات بودجه‌ای باید بر اساس پول رایج ملی انجام شود. رعایت این اصل کاملاً ضروری است و وسیله‌ای است که از طریق آن اطمینان وحدت بیانی مباحث اجرایی درآمدها و هزینه‌ها حاصل می‌شود.

نکته؛ اصل علنی بودن؛ اصل علنی بودن بودجه یا اصل اطلاع‌رسانی همگانی به معنی اطلاع‌رسانی موقعیت مالی دولت در قالب بودجه سالیانه هم به شهروندان و هم در عرصه بین‌المللی است. دلیل اصلی علنی بودن بودجه رشد افکار عمومی است که خواهان کسب اطمینان از شفافیت نحوه درآمدزایی و مصرف اعتبارات عمومی و دولتی هستند. برخی از روش‌های علنی‌سازی و شفافیت بودجه عبارتند از؛

- مناظره‌های عمومی در خصوص پروژه‌ها و برنامه‌های بودجه‌ای در طول مرحله تصویب در مجلس؛
- استفاده از رسانه‌های جمعی برای انتشار اطلاعات مرتبط با محتوای سند بودجه. بر طبق این اصل کلیه اجزاء و عناصر بودجه دولتی باید به آگاهی عامه مردم برسد.

نکته؛ صدای ملت اشاره به تنوعی از ساز و کارهای رسمی و غیررسمی دارد که از طریق آن ترجیحات دیدگاه‌ها و نظراتشان را در خصوص فعالیت‌های دولت را ابراز می‌دارند که مشتمل بر اعتراضات سازمان‌دهی شده، شکایت، لابی-کردن و مشارکت در تصمیم‌گیری، خدمات‌رسانی یا اجرای خط مشی دولتی است.

نکته؛ اصل اقتدار قانونی؛ مهمترین اصل بودجه‌ای اصل اقتدار قانونی است. این اصل بیان می‌دارد که در فرآیند بودجه اختیار قانونی تصمیم‌گیری باید به نهادهای مرتبط با قوه مقننه و قوه مجریه واگذار گردد. بر اساس این اقتدار و اختیار قانونی، هر نهادی به نوبه خود می‌تواند اختیارات را به واحدهای سطوح پایین‌تر تفویض نماید. اصل اقتدار قانونی اصل فراگیر بودجه دولتی است که بر اساس آن اختیار تصمیم‌گیری باید به طور روشن و شفاف در قانون سیستم بودجه مشخص شود.

نکته؛ اصل مدیریت مالی منطقی؛ بر اساس این اصل اعتبارات بودجه‌ای باید مطابق اصول صرفه‌ی اقتصادی، کارایی و اثربخشی به مصرف برسد. اصل صرفه‌ی اقتصادی مستلزم این است که منابع مورد استفاده‌ی قیمت در دسترس قرار گیرد. اصل کارایی با بهینه‌سازی روابط بین منابع بکار گرفته شده و نتایج تحقق دستگاه‌های دولتی برای انجام فعالیت‌ها باید به صورت به‌هنگام با کمیت و کیفیت مناسب و بهترین یافته سرو کار دارد. اصل اثر بخشی نیز به دنبال دستیابی به اهداف خاص تعیین شده و نتایج قصد شده است. کاربرد اصل مدیریت مالی منطقی مبتنی بر تعیین اهداف خاصی است که قابل سنجش، قابل دستیابی، مرتبط و زمان‌بندی شده برای تمامی بخش‌های فعالیت می‌باشند. دستیابی به این اهداف از طریق شاخص‌های عملکرد امکان‌پذیر است که از سبک مدیریت منبع‌محور به سبک مدیریت نتیجه‌محور حرکت کرده باشد.

نکته؛ اصل صحت؛ برآوردها و پیش‌بینی‌های بودجه باید تا آنجایی که ممکن است از درستی و دقت برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که نباید در پیش‌بینی مخارج به هزینه‌ها شاخ و برگ اضافی داد (بیش‌برآورد) و یا با پنهان ساختن ذخایر درآمد را کمتر از آنچه هستند، تخمین زد (برآورد کم). کمتر یا بیش برآورد درآمدها و هزینه‌ها منجر به بی‌قاعدگی و بهم ریختگی جدی بودجه‌ای می‌شود. بنابراین نه تنها بودجه باید دارای جامعیت باشد و تمامی اقلام دریافتی و پرداختی برنامه‌ریزی شده باشد، بلکه پیش‌بینی‌های درآمدی و هزینه‌ای نیز باید حتی الامکان دقیق باشد نه کمتر و نه بیشتر.

نکته؛ اصل پیوستگی درونی؛ اصل پیوستگی درونی این اصل مستلزم آن است که بین عناصر مختلف بودجه بویژه مخارج جاری که برای عملیات دستگاه مورد نیاز است و پروژه‌های سرمایه‌گذاری که در بودجه منعکس شده است پیوستگی و سازگاری وجود داشته باشد. علاوه بر این اصل مذکور دلالت ضمنی بر این دارد که نباید سیستم دوگانه وجود داشته باشد؛ چرا که مسئولیت‌ها در میان وزراء نهادها و واحدهایی که در آماده‌سازی و اجرای هزینه‌های جاری و سرمایه (توسعه‌ای) نقش داشته‌اند، تکه تکه می‌شود.

نکته؛ اصل اخلاقیات در بودجه؛ واژه اخلاق با استانداردهای مربوط به درست و غلط بودن رفتارها سر و کار دارد. اخلاق حرفه‌ای عبارت است از مقررات، استانداردها، کدها و یا اصولی که دستورالعمل‌های لازم برای انجام رفتارهای درست اخلاقی و وجدانی و همچنین درستکاری در شرایط خاص حرفه‌ای را فراهم می‌سازند. رفتارهای غیراخلاقی نیز شامل تمامی اقداماتی است که منجر به برخورد غیر منصفانه با دیگران می‌شود، خواه این رفتارها قانونی یا غیر قانونی باشد. کدهای اخلاقی در شکل‌گیری رفتارهای مناسب حرفه‌ای از اهمیت والایی برخوردارند. کدهای اخلاقی بیانگر رفتار مناسب بین اعضا یک گروه بین فرد به عنوان عضو گروه با گروه به عنوان یک مجموعه و همچنین با افراد خارج از گروه می‌باشند. عامل مهم موفقیت سازمان‌های امروزی تبدیل آنها به سازمان‌های اخلاقی است. لزوم رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در نظام بودجه دولتی از جمله مواردی است که باید در کلیه فرآیند بودجه‌ریزی دولتی (مرحله تهیه و تنظیم، تصویب، اجرا و کنترل) بودجه مورد توجه قرار گیرد.

فصل سوم؛ درآمدها و هزینه‌ها در بودجه‌ریزی

نکته؛ درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار در بودجه ایران از نظر نوع به سه طبقه الف) درآمد عمومی ب) درآمد اختصاصی و ج) درآمد شرکت دولتی تقسیم می‌شود. بخش عمده‌ای از درآمد عمومی در بودجه ایران عبارت است از؛ درآمد مالیاتی، درآمد حاصل از فروش نفت و گاز، درآمد حاصل از فروش ارز، درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت، اصل و فرع وام‌های دولت به کشور خارج، درآمد حاصل از فروش کالا و خدمات و سایر درآمدها. همچنین می‌توان گفت که درآمد مالیاتی شامل مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر درآمد، مالیات بر ثروت، مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش است. بطور کلی می‌توان گفت برای پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی اعم از مالیات بر درآمد افراد، روش‌های کمی در مقایسه با روش‌های کیفی و قضاوتی مناسب‌تر است.

نکته؛ درآمد عمومی؛ برابر ماده ۱۰ قانون محاسبات عمومی، درآمد عمومی عبارتست از درآمدهای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و مالیات و سود سهام شرکت‌های دولتی و درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت و سایر درآمدهایی که در قانون بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد عمومی منظور می‌شود.

تست؛ درآمدهای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و مالیات و سود سهام شرکت‌های دولتی و درآمد حاصل از انحصارات و مالکیت با عنوان در بودجه‌ریزی شناخته می‌شود.

۱) درآمد اختصاصی

۲) درآمد عمومی

۳) درآمد مالیاتی

۴) درآمد شرکت‌های دولتی

نکته؛ طبق ماده ۱۴ قانون محاسبات عمومی کشور، درآمد اختصاصی عبارت است از درآمدهایی که به موجب قانون برای مصرف یا مصارف خاص در بودجه کل کشور تحت عنوان درآمد اختصاصی منظور می‌گردد. این درآمدها به موجب قانون توسط دستگاه‌های اجرایی وصول و به خزانه دولت واریز و کلاً به مصرف هزینه‌های خاص همان دستگاه می‌رسند. قانون‌گذار عرفاً در هنگام صدور مجوز وصول درآمد اختصاصی موارد هزینه را مشخص می‌نماید. این نوع درآمد نیز باید به استناد قانون مربوط به آن وصول شود، نه پیش‌بینی آن در بودجه کل کشور. اما مطابق با ماده ۱۲ قانون محاسبات عمومی کشور، "سایر منابع تأمین اعتبار عبارتند از وجوهی که تحت عنوان وام، انتشار اوراق قرضه، برگشتی از پرداخت‌های قبل و عناوین مشابه در قانون بودجه کل کشور پیش‌بینی شده است و ماهیت درآمد ندارند".

نکته؛ اوراق قرضه با اسنادی گفته می‌شود که توسط بانک مرکزی منتشر می‌شود. در صورتی که بانک مرکزی این اوراق را خریداری کند، حجم پول افزایش می‌یابد و در صورتی که بانک مرکزی این اوراق را بفروشد، حجم پول در جامعه کاهش می‌یابد. اوراق قرضه به عنوان ابزار سیاست پولی شناخته می‌شود که در حقیقت در کشور ما از نظر شرعی صحیح نیست و دولت بجای آن از اوراق مشارکت و اسناد خزانه اسلامی استفاده می‌کند. مطابق با ماده ۱۲ قانون محاسبات عمومی کشور، سایر منابع تأمین اعتبار عبارتند از وجوهی که تحت عنوان وام، انتشار اوراق قرضه، برگشتی از پرداخت‌های قبل و عناوین مشابه در قانون بودجه کل کشور پیش بینی شده است و ماهیت درآمد ندارند. در واقع اوراق قرضه، در شرایط ثبات اقتصادی با هدف تثبیت شرایط به قرضه‌های جدید تبدیل می‌شود.

نکته؛ درآمد شرکت‌های دولتی؛ بر اساس ماده ۱۵ قانون محاسبات عمومی درآمد شرکت‌های دولتی عبارتست از درآمدهایی که در قبال ارائه خدمت و یا فروش کالا و سایر فعالیت‌هایی که شرکت‌های مذکور به موجب قوانین و مقررات مجاز به انجام آنها هستند و عاید آن شرکت‌ها می‌گردد.

تست؛ کدام یک از درآمدها به موجب قانون توسط دستگاه‌های اجرایی وصول و به خزانه دولت واریز و کلاً به مصرف هزینه‌های خاص همان دستگاه می‌رسند؟

(۱) درآمد اختصاصی

(۲) درآمد عمومی

(۳) درآمد مالیاتی

(۴) درآمد شرکت‌های دولتی

نکته؛ طبق ماده ۶۴ قانون محاسبات عمومی کشور، اعتبارات مصوب از محل درآمدهای اختصاصی تا آخر سال مالی قابل تعهد و پرداخت است و مانده وجوه اعتبارات از محل درآمد اختصاصی مصرف نشده هر سال باید تا پایان فروردین ماه بعد به خزانه برگشت داده شود تا به حساب درآمد عمومی کشور منظور گردد.

نکته؛ درآمدهای غیرمالیاتی وجوهی هستند که دولت از فعالیت‌های اقتصادی خود جمع‌آوری می‌کند، این درآمدها یا به شکل درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاری‌های مختلف است و یا دریافت کارمزدی است که دولت از خدمات گوناگون خود دریافت می‌کند. از ویژگی‌های چنین درآمدی اختیاری بودن آن است، به عبارت دیگر میزان این درآمدها بستگی

به خرید یا عدم خرید تولیدات و خدمات مختلف ارائه شده دولت از طرف مردم دارد. بنابراین چنین درآمدهایی اغلب نامنظم و تا اندازه ای نامطمئن هستند که مهم ترین آنها عبارتند از:

منابع داخلی: استقراض از مردم (انتشار اوراق قرضه عمومی)، استقراض (دریافت وام) از بانک مرکزی

منابع خارجی: استقراض از کشورها، استقراض از نهادهای اقتصادی جهانی

تست؛ میزان کدام یک از درآمدها بستگی به خرید یا عدم خرید تولیدات و خدمات مختلف ارائه شده دولت از طرف مردم دارد و چنین درآمدهایی اغلب نامنظم و تا اندازه ای نامطمئن هستند؟

(۱) درآمد عمومی

(۲) درآمد اختصاصی

(۳) درآمد شرکت های دولتی

(۴) درآمدهای غیرمالیاتی

نکته؛ هزینه های جاری بیانگر اعتباراتی است که ظرفیت های ایجاد شده توسط دولت را حفظ و نگهداری می کنند و هزینه های نگهداری از ظرفیت های موجود را در قالب هزینه جبران خدمت کارکنان، استفاده از کالا و خدمات، هزینه های اموال و دارایی، یارانه، کمک بلاعوض، رفاه اجتماعی و سایر هزینه های تأمین و هزینه های اعمال حاکمیت و استقرار و اقتدار نظام را تأمین می نماید. اعتبارات هزینه ای عموماً از محل درآمدهای عمومی تأمین می شوند.

نکته؛ منافع اجتماعی به عنوان انتقالات نقدی یا غیرنقدی به منظور حمایت از کل مردم یا بخش های خاصی از آنها در برابر خطرهای معین اجتماعی تعریف می شود. نمونه هایی از مزایا یا منافع اجتماعی عبارتند از؛ ارائه خدمات دارویی، پرداخت حقوق بیکاری و پرداخت حقوق بازنشستگی تأمین اجتماعی.

تست؛ هزینه جبران خدمت کارکنان، استفاده از کالا و خدمات، هزینه های اموال و دارایی، یارانه، کمک بلاعوض، رفاه اجتماعی و سایر هزینه های تأمین و هزینه های اعمال حاکمیت و استقرار و اقتدار نظام جزء کدام دسته از هزینه های دولت به حساب می آید؟

(۱) هزینه های سرمایه ای

(۲) هزینه های جاری

۳) منافع اجتماعی

۴) منافع سرمایه‌ای

نکته؛ طبقه‌بندی وظیفه‌ای در بودجه پس از معرفی بودجه‌ی برنامه‌ای مرسوم شده است و هدف آن روشن نمودن کارهایی است که دولت در جامعه انجام می‌دهد؛ زیرا طبقه‌بندی سازمانی و فصول هزینه نشان نمی‌دهد که هدف دولت از خرج پول چیست و در هر وظیفه یا برنامه به چه میزانی به مصرف می‌رسد؛ در حالیکه با استفاده از طبقه‌بندی عملیاتی (وظیفه‌ای) برای هر دو سؤال می‌توان پاسخ یافت. همچنین در طبقه‌بندی عملیاتی یا وظیفه‌ای حوزه‌های اصلی که دولت در تنظیم و تدارک مستقیم خدمات در کارکردهای مختلف درگیر است، مشخص می‌گردد.

نکته؛ امروزه در تمام کشورها، سیاست بودجه‌ای دولت به عنوان مهم‌ترین وسیله برای توسعه یا تثبیت اقتصادی شناخته شده است. ولی این سیاست بدون دستیابی به آمارها و اطلاعات مورد نیاز درباره‌ی ارزیابی آثار فعالیت‌های اقتصادی دولت بر جامعه امکان‌پذیر نیست. طبقه‌بندی اقتصادی عملیات دولت، اطلاعاتی را که جهت بررسی آثار اقتصادی عملیات دولت مورد نیاز است در اختیار می‌گذارد.

نکته؛ طبقه‌بندی اقتصادی به تجزیه و تحلیل آثار اقتصادی مخارج دولتی می‌پردازد. در طبقه‌بندی اقتصادی، هزینه‌های جاری از هزینه‌های سرمایه‌ای و خرید کالاها از خدمات و پرداخت‌های انتقالی دولت تفکیک می‌شوند.

نخستین قدم در طبقه‌بندی اقتصادی تشخیص و دسته‌بندی حساب‌های زیر است:

۱. حسابهای سرمایه‌ای

۲. حساب‌های جاری

۳. حساب‌های موسسات بازرگانی

۴. سایر حسابها

باید به خاطر داشت که طبقه‌بندی اقتصادی فقط برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در سطوح عالی سیاسی مفید است و کمکی به تهیه و تنظیم بودجه و اجرای آن در سطوح پایین‌تر نمی‌کند. در بودجه دولتی ایران از طبقه‌بندی اقتصادی استفاده نمی‌شود.

هدف طبقه‌بندی اقتصادی این است که درباره آنچه مربوط به وضع اقتصادی کشور می باشد و در اتخاذ تصمیمات مقامات مسئول موثر است اطلاعات لازم و مفید را تهیه کند. همچنین این نوع طبقه بندی نموداری از هزینه ها و دریافت های طبقه بندی شده دولتی را در قالب های اقتصادی که برای تجزیه و تحلیل و سنجش تاثیر عملیات دولت در اقتصاد عمومی ضرورت دارد، در اختیار سازمان بودجه بندی قرار می گذارد.

در بودجه بندی دولتی ایران از طبقه بندی اقتصادی استفاده نمی شود و این نوع طبقه بندی هزینه های جاری از سرمایه ای و خرید کالاها از خدمات و پرداخت های انتقالی دولت تفکیک می شوند.

نکته؛ در طبقه بندی عملیاتی، اعتبارات و هزینه های دولت و سازمان های دولتی، با توجه به مقاصد و اهداف اصلی آنها، به صورت وظایف، برنامه ها، طرح ها و فعالیت های مختلف پیش بینی می شوند و منظور و هدف اصلی و حاصل نهایی از انجام هر هزینه، بدون توجه به نوع و ماهیت هر هزینه، در نظر گرفته می شود.

عناوین اصلی طبقه بندی عملیاتی در ایران عبارتند از: امور، فصل، برنامه، فعالیت و طرح

تست؛ در کدام نوع طبقه بندی بودجه، اعتبارات و هزینه های دولت و سازمان های دولتی، با توجه به مقاصد و اهداف اصلی آنها، به صورت وظایف، برنامه ها، طرح ها و فعالیت های مختلف پیش بینی می شوند؟

۱) اقتصادی

۲) عملیاتی

۳) وظیفه ای

۴) سرمایه ای

نکته؛ با استفاده از طبقه بندی عملیاتی دولت یا سازمان دولتی مشخص می نماید که کدام عملیات را، با چه میزان اعتبارات، باید برای نیل به اهداف و وظایف مصوب خود انجام دهد. در این طبقه بندی به این سوال پاسخ داده می شود که چرا و برای چه؟

به طور کلی در این طبقه بندی بیشتر اثر هزینه های دولت بر اقتصاد کشور تجزیه و تحلیل می شود و از این نظر با برنامه ریزی توسعه اقتصادی بیشتر ارتباط دارد.

نکته؛ برای پیش بینی درآمدها و برآورد هزینه ها روش های مختلفی شناسایی و به کار گرفته شده که به شرح آن پرداخته می شود؛

نکته؛ روش های پیش بینی درآمدها؛ پیش بینی منطقی و دقیق درآمدهای دولت اهمیت بسیار دارد، چرا که تصمیم گیری و برنامه ریزی در مورد هزینه های دولتی در درجه اول تابع درآمدها و توان مالی دولت است. زیرا نیامندی های دولت

نامحدود و منابع و امکانات او محدود می‌باشد. از این رو لازم است در آغاز مجموع درآمد حاصل از منابع گوناگون پیش بینی گردیده و سپس چگونگی توزیع درآمد پیش بینی شده بین نیازمندی‌های مختلف از طریق برآورد هزینه مشخص گردد. برای پیش بینی درآمدها روش‌های گوناگون ابداع که مورد استفاده قرار گرفته است که در زیر به چهار روش متداول اشاره خواهد شد؛

نکته؛ روش سال ما قبل آخر؛ این روش در سال ۱۸۲۳ در فرانسه مورد استفاده قرار گرفت و بر اساس این روش پیش‌بینی درآمدهای سال آینده تحقق یافته سال گذشته مبنا قرار می‌گیرد. یعنی درآمد سال آینده باید دقیقاً برابر درآمد قطعی سال گذشته «ما قبل آخر» باشد. برای مثال پیش‌بینی درآمد سال ۱۳۸۵ باید برابر درآمد قطعی سال ۱۳۸۴ باشد.

نکته؛ روش حد متوسط‌ها؛ این روش در اواخر قرن ۱۹ در فرانسه ارائه شد. این روش به دلیل سادگی و قابلیت فهم از روش‌هایی است که به صورت گسترده پذیرفته شده است و مطابق با این روش، حد متوسط افزایش یا کاهش هر یک از انواع درآمدها از سالی به سال دیگر، در خلال یک دوره پنج ساله یا هفت ساله محاسبه شده و پس از به دست آوردن روند افزایش یا کاهش مزبور، میانگین آن را به درآمد سال ما قبل آخر اضافه می‌کنند.

نکته؛ روش پیش‌بینی مستقیم؛ این روش در آغاز در انگلستان معمول شد. کارشناسان با مطالعه و تجزیه و تحلیل سیاست‌ها و گرایش‌های اقتصادی دولت، درآمدهای تحقق یافته سال‌های پیش و دیگر آمارها و اطلاعات مربوط و بررسی اثر عوامل گوناگون را به هر یک از انواع درآمدها و همچنین با تکیه به تخصص و تجارب و آگاهی خویش اقدام به پیش‌بینی درآمد برای سال آینده می‌نمایند. برای مثال برای پیش‌بینی درآمد، مالیات بر درآمد شرکت‌های دولتی، میزان افزایش یا کاهش درآمد را با توجه به سیاست دولت در جهت گسترش و توسعه یا تعدیل و کاهش تعداد شرکت‌های دولتی، سیاست حمایت و بخشودگی مالیاتی و نیز روند رشد نرخ تولید کالا و خدمات بوسیله این شرکت‌ها با استفاده از تجارب علمی کارشناسان محاسبه و در پیش‌بینی لحاظ می‌گردد.

نکته؛ روش سنجیده منظم؛ در این روش که دارای تکنیک و فرمول‌های خاص است، پیش‌بینی درآمد بر اساس تجزیه و تحلیل همبستگی‌ها و جمع‌آوری پرسش‌های نمونه انجام می‌شود. در تجزیه و تحلیل همبستگی‌ها، بستگی میان وصول مالیات‌ها و منابع مختلف درآمد در طی دوره یا دوره‌های معین اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و سپس بر اساس آن و با توجه به پیش‌بینی وضع اقتصادی در یک دوره آتی میزان درآمدها پیش‌بینی می‌گردد.

تست؛ بر اساس کدام روش به منظور پیش‌بینی درآمدهای سال آینده، درآمدهای سال گذشته مبنا قرار می‌گیرد؟

۱) روش سنجیده منظم

۲) روش پیش‌بینی مستقیم

۳) روش سال ماقبل آخر

(۴) روش حد متوسطها

تست؛ بر اساس کدام روش پیش بینی درآمد بر اساس تجزیه و تحلیل همبستگی ها و جمع آوری پرسش های نمونه انجام می شود؟

(۱) روش سنجیده منظم

(۲) روش پیش بینی مستقیم

(۳) روش سال ماقبل آخر

(۴) روش حد متوسطها

فصل پنجم؛ چرخه ی بودجه ریزی

نکته؛ به طور کلی بودجه از چهار مرحله تشکیل می شود که در مجموع این چهار مرحله را سیکل بودجه ای نامیده اند. این چهار مرحله عبارتند از؛

۱- تهیه و تنظیم و پیشنهاد بودجه (بودجه پیشنهادی)

۲- تصویب بودجه (بودجه مصوب)

۳- اجرای بودجه (بودجه تخصیصی)

۴- نظارت و کنترل بودجه (تفریغ بودجه)

نکته؛ مرحله تهیه و تنظیم و پیشنهاد بودجه: هدف ها و سیاست های کلی دولت در تنظیم بودجه سالانه که توسط شورای اقتصاد تنظیم می شود، از طریق بخشنامه بودجه از سوی رئیس جمهور به تمامی دستگاه های دولتی ابلاغ می شود. دستگاه های دولتی، بودجه یک سال آینده خود را در قالب اهداف و خطمشی تعیین شده و با رعایت دستورالعمل سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تنظیم و پیشنهاد می کنند. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور پس از بررسی های لازم و با توجه به اولویت ها و میزان درآمدهای پیش بینی شده، بودجه دستگاه های دولتی را پس از انجام تعدیل لایحه بودجه را مورد بررسی قرار داده و پس از تأیید در مهلت قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم می کند. رئیس جمهور هنگام تقدیم بودجه ضمن گزارش مشروحاتی، رؤس برنامه های دولت را به اطلاع نمایندگان مجلس می رساند. بخشنامه بودجه حاوی سیاست ها و خطمشی ها و راهنما در تهیه و تنظیم بودجه دستگاه های اجرایی می باشد پس از تصویب شورای اقتصاد و با امضاء رئیس جمهور به استانداری ها ابلاغ می شود و معاونت برنامه ریزی استانداری ها بخشنامه را جهت تهیه بودجه پیشنهادی به کلیه دستگاه های اجرایی منعکس می نماید. برای اینکه بتوان پیشنهادهای

بودجه توسط دستگاه‌های اجرایی را جمع‌آوری تجزیه و تحلیل و مورد بررسی و تلفیق نهایی قرارداد همراه بخشنامه بودجه دستورالعمل‌هایی که منظم به فرم‌های خاصی در جهت اخذ اطلاعات مالی و عملیاتی است در قالب مقرراتی که به ضوابط مالی ناظر به تهیه و تنظیم بودجه مشهور است در دو جلد یکی برای وزارتخانه‌ها - مؤسسات دولتی و نهادهای انقلابی و دستگاه‌هایی که دارای فصل و برنامه هستند و دیگری برای شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و کلیه دستگاه‌های اجرایی که به طریق بازرگانی اداره می‌شود، ارسال می‌گردد.

نکته؛ مرحله تصویب بودجه: نظارت و رسیدگی قوه مقننه بر بودجه عمومی که حاوی تمامی برنامه‌ها، طرح‌ها و فعالیت‌های قوه مجریه در سال آتی است، انجام می‌گیرد. لایحه بودجه در کمیسیون‌های مختلف مجلس مورد بررسی قرار گرفته و کمیسیون تلفیق اصلی مسئولیت رسیدگی نهایی را بر عهده دارد. نکته مهم در این مرحله این است که هدف، تصویب اعداد و ارقام نیست، بلکه منظور اصلی، رسیدگی به سیاست‌ها و برنامه‌های دولت است که با توجیهات اقتصادی، اجتماعی و ... همراه است و به صورت اعداد و ارقام تجلی یافته است.

نکته؛ اجرای بودجه: تمامی مراحل را شامل می‌شود که جهت وصول درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار از یک طرف و مصرف اعتبارات پیش‌بینی شده و مصوب از طرف دیگر به مورد اجرا گذاشته می‌شود. اجرای بودجه، شامل تحقق ارقام پیش‌بینی شده در بودجه مصوب و به عبارتی دیگر، وصول درآمدها و پرداخت هزینه‌ها برای نیل به مقاصد و اهداف معین طبق قوانین و مقررات مربوط است. در مرحله اجرا، بودجه خود دارای مراحل فرعی دیگری است. به این ترتیب که پس از ابلاغ بودجه، دستگاه‌های دولتی موظفند برای مصرف اعتبارات مصوب، موافقت‌نامه‌ای تنظیم و با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مبادله کنند.

نکته؛ نظارت بر بودجه: از جهت صحت عملیات اجرایی و انطباق آن با هدف‌ها و برنامه‌ها نقش مهمی دارد، چون بودجه مأموریتی است که از طرف قوه مقننه به دولت محول شده است. باید به نحوی از درستی انجام این مأموریت آگاهی یابد. نظارتی که مجلس در آغاز توسط دیوان محاسبات به طور غیرمستقیم و سپس با رسیدگی به گزارش تفریغ بودجه به صورت مستقیم انجام می‌دهد، در پی این منظور است که روی هم نظارت قضایی و نظارت پارلمانی را پدید آورد. از طرف دیگر دستگاه دولت نیز به سبب وسعت فراوانی که دارد باید اطمینان یابد که آن چه در درونش و توسط اعضایش صورت می‌پذیرد، در جهت هدف‌های برنامه است. این احتیاج نیز لزوم نظارت اداری و عملیاتی را که دولت خودش بر خودش و بر کارکنانش به عهده دارد، مطرح می‌سازد.

تست؛ عبارت زیر مربوط به کدام یک از مراحل ۴ گانه بودجه‌ریزی می‌باشد؟

"لایحه بودجه در کمیسیون‌های مختلف مجلس مورد بررسی قرار گرفته و کمیسیون تلفیق اصلی مسئولیت رسیدگی نهایی را بر عهده دارد"

۱) اجرای بودجه

۲) تهیه و تنظیم و پیشنهاد بودجه

۳) تصویب بودجه

۴) نظارت بر بودجه

نکته؛ شورای اقتصاد با هدف هدایت و هماهنگ کردن امور اقتصادی کشور به ریاست رئیس جمهور تشکیل می شود و دیگر اعضای آن عبارت اند از رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی و عده ای از وزیران (وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر بازرگانی، وزیر جهاد کشاورزی، وزیر صنایع و معادن، وزیر نفت، وزیر نیرو) یکی از معاونان رئیس جمهور و بر حسب ضرورت سایر وزیران نیز در جلسات شرکت خواهند کرد.

شورای اقتصاد وظایف زیر را عهده دار خواهد بود:

۱. تعیین هدف های کلی برنامه های عمرانی کشور

۲. بررسی خط مشی ها و سیاست های اقتصادی و اجتماعی به منظور طرح در هیئت وزیران

۳. اظهار نظر درباره برنامه های عمرانی برای طرح در هیئت وزیران

۴. تعیین خط مشی تنظیم بودجه کشور

۵. بررسی بودجه کل کشور برای طرح در هیئت وزیران و

شورای اقتصاد سیاست های بودجه ای سال آینده را از طریق پیش بینی مقدماتی بودجه و بررسی و تهیه گزارش های اقتصادی که حاوی پیش بینی های کلی تعادل های اساسی اقتصاد است، تعیین می کند.

نکته؛ هنگام بررسی لایحه بودجه در کمیسیون بر حسب برنامه زمانی مشخص نمایندگان دستگاه اجرایی و نمایندگان سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به پرسش های نمایندگان مجلس در مورد درآمد ها و هزینه های بودجه و تبصره های بودجه پاسخ می گویند و سپس در هر مورد رأی گیری به عمل می آید و ارقام جابجا کسر و یا اضافه می شود و یا کالا به تصویب می رسد. در همین مقطع نمایندگان ظرف مدت ۱۰ روز می بایستی پیشنهادهای خود را در خصوص لایحه بودجه به کمیسیون های تخصصی ارائه نمایند و کمیسیون های تخصصی باید ظرف ۱۰ روز نظرات خود را به کمیسیون تلفیق ارجاع نمایند و کمیسیون تلفیق ظرف ۱۵ روز به جلسه علنی ارائه نماید.

نکته : مسئولیت رسیدگی نهایی لایحه بودجه به عهده کمیسیون تلفیق می باشد.

نکته؛ رئیس قوه مجریه هنگام ارائه بودجه به مجلس، پیام بودجه را بطور شفاهی به آگاهی اعضای مجلس می-رساند. این پیام وسیله ی مهمی برای انتقال مسائلی است که در اجرای برنامه بودجه پیش خواهد آمد. هدف پیام بودجه توجیه شکل بودجه و روشن کردن نکات برجسته آن است و در آن نکات عمده سیاست مالی پیشنهادی و شرایط اساسی برآورد هزینه ها مطرح می شود. تغییرات پیشنهادی در خدمات عمومی، تغییرات مهم در اهداف برنامه ها، هزینه ها و درآمدها، و تمایلات مالی دولت در این پیام تشریح می شود. پیام بودجه همچنین شامل خلاصه ای است از عملیات سال مالی گذشته و سال جاری، تحلیلی از موقعیت مالی در زمان حاضر، و تبیین ارقام اساسی بودجه.

تست؛ هدف توجیه شکل بودجه و روشن کردن نکات برجسته آن است و در آن نکات عمده سیاست مالی پیشنهادی و شرایط اساسی برآورد هزینه‌ها مطرح می‌شود.

(۱) تبصره‌های بودجه

(۲) مبادله موافقت نامه طرح و فعالیت

(۳) ابلاغ بودجه

(۴) پیام بودجه

نکته؛ تبصره بودجه در واقع نحوه‌ی خرج و تأمین منابع اعتبار را مشخص می‌سازند. معمولاً یک ساله هستند و در یک ماده و چندین تبصره تقدیم مجلس می‌گردد و از جمله لوایح یک شوری است. هر ساله سازمان برنامه و بودجه به همراه بخشنامه بودجه، فرم‌هایی را جهت جمع‌آوری نقطه‌نظرات و پیشنهادات دستگاه‌های اجرایی ملی و محلی در خصوص حذف، ابقاء و اصلاح تبصره‌های سال جاری و همچنین در صورت داشتن پیشنهاد جدید می‌توانند فرم‌های تبصره‌های پیشنهادی را تکمیل و به همراه بودجه پیشنهادی خود ارسال نمایند. همچنین می‌توان گفت که تبصره‌ها خط‌مشی و اصول راهنمای بودجه را مشخص می‌کنند. در واقع آنها همچون اصول راهنمایی، نحوه‌ی هزینه‌کرد اعتباراتی که در ردیف‌ها و جدول‌های مختلف پیش‌بینی شده است را مشخص می‌سازند. با وجود این، تبصره‌هایی که هر سال تکرار می‌شوند باید به صورت دائمی درآیند و برای یک مدت معینی معلوم و ثابت باشند. بنابراین می‌توان گفت که تبصره‌ها می‌تواند محدود به یک دوره زمانی یا به صورت دائمی باشد.

نکته؛ بر اساس اصل هشتاد و نهم قانون اساسی نمایندگان مجلس می‌توانند هر یک از وزراء و یا رئیس‌جمهور را مورد استیضاح قرار دهند. نمایندگان با استیضاح وزیران، رأی اعتمادی که قبلاً به آنها داده‌اند را پس گرفته و در استیضاح درواقع رأی عدم اعتماد به آنها می‌دهند. درواقع استیضاح به عنوان ابزاری برای ضمانت اجرایی نظارت پس از خرج نیز محسوب می‌شود.

نکته؛ اجرای بودجه از نظر هزینه‌ها یا مخارج دارای ۴ مرحله است:

۱. ابلاغ بودجه

۲. مبادله موافقت نامه طرح و فعالیت

۳. تخصیص اعتبار مصوب

۴. مصرف اعتبارات

تست؛ مراحل اجرای بودجه در کدام گزینه با ترتیب صحیح آورده شده است؟

- ۱) مصرف اعتبارات - ابلاغ بودجه - تخصیص اعتبار مصوب - مبادله موافقت نامه طرح و فعالیت
- ۲) ابلاغ بودجه - مبادله موافقت نامه طرح و فعالیت - تخصیص اعتبار مصوب - مصرف اعتبارات
- ۳) مبادله موافقت نامه طرح و فعالیت - ابلاغ بودجه - مصرف اعتبارات - تخصیص اعتبار مصوب
- ۴) تخصیص اعتبار مصوب - مبادله موافقت نامه طرح و فعالیت - ابلاغ بودجه - مصرف اعتبارات

نکته؛ ابلاغ بودجه؛ لایحه بودجه پس از تصویب مجلس به تأیید شورای نگهبان حکم قانون بودجه را پیدا می‌کند و جهت اجرا از طرف مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور و از طریق ایشان به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و همچنین به کلیه دستگاه‌های اجرایی ابلاغ می‌شود. بر اساس ماده ۱۹ قانون برنامه و بودجه مصوب اسفندماه سال ۱۳۵۱ بودجه هر یک از دستگاه‌های اجرایی به تفکیک اعتبارات جاری و عمرانی در قالب هر برنامه به دستگاه‌ها جهت اجرا از طرف معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی)، ابلاغ می‌شود. اعتبارات هزینه‌ای در قالب فصول و برنامه به دستگاه ابلاغ می‌شود. اعتبارات هزینه‌ای استان‌ها نیز از طرف شورای برنامه‌ریزی در اختیار دستگاه‌های محلی قرار می‌گیرد. به موجب قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فصل هشتم نظام درآمد- هزینه استان، اعتبارات جاری به صورت "دستگاه اجرایی استانی" و به تفکیک "برنامه" و "فصل هزینه" و اعتبارات عمرانی مصوب بین فصول و برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی و دستگاه‌های اجرایی استانی به تفکیک شهرستان بر اساس پیشنهاد از طرف سازمان برنامه و بودجه استان‌ها پس از طرح در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به دستگاه‌های اجرایی محلی اختصاص می‌یابد. این اعتبارات از محل درآمدهای استان و سهمی از منابع ملی و اعتبارات جاری و عمرانی از محل درآمد عمومی و اختصاصی در چارچوب بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های تهیه و تنظیم بودجه کل کشور خواهد بود.

نکته؛ مبادله موافقت‌نامه‌های جاری و عمرانی؛ ابلاغ اعتبارات دستگاه‌ها که در بودجه کل کشور تصویب شده است، فقط ارقام ریالی در قالب برنامه و یا فصل و یا ردیف‌ها را نشان می‌دهد، چون ارقام بایستی در عملیاتی مصرف شود که دستگاه‌ها را به اهداف تعیین شده برساند. بنابراین جهت هماهنگی و مشخص شدن دقیق عملیات اجرایی دستگاه در چارچوب اهداف دولت موافقت‌نامه شرح عملیات بین دستگاه اجرایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در مرکز و یا استان مبادله می‌شود. موافقت‌نامه سندی است که به موجب آن دستگاه اجرایی از یک طرف تعهد می‌نماید که شرح عملیات موجود در آن را مراعات نماید و از طرف دیگر معاونت برنامه‌ریزی استانداری نیز متناسب پیشرفت امور نسبت به تخصیص اعتبار اقدام نماید. موافقت‌نامه قراردادی است حقوقی، فنی، مالی که دستگاه اجرایی تعهد می‌کند از یک طرف شرح عملیات مندرج در آن را رعایت کند و از طرف دیگر سازمان برنامه و بودجه یا سازمان برنامه و بودجه استان‌ها به موازات پیشرفت فیزیکی عملیات اعتبارات مصوب را بر اساس تخصیص اعتبار در اختیار دستگاه اجرایی قرار دهد. لذا هر تغییری که ضرورتاً در حین اجرا بوجود آید، مستلزم مبادله موافقت‌نامه اصلاحی است. موافقت‌نامه یک

سند مالی معتبر است و در دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور که دو مرجع ناظر بر قوه مجریه هستند، قابل استناد است. موافقت نامه یکی از ابزارهای نظارت قوه مجریه است. تجمیع اطلاعات کمی در موافقت نامه ها می تواند در برنامه ریزی و تخمین ظرفیت ها و نیازهای مالی و غیرمالی که در نهایت وضع واقعی دولت را بیان می کند، مورد استفاده قرار گیرد.

نکته؛ ماده ۳۷ سازمان برنامه و بودجه موظف است گزارش های مربوط به پیشرفت عملیات عمرانی و بودجه کل کشور را به شرح زیر تنظیم و به رئیس جمهوری تسلیم نماید؛

۱. گزارش شش ماهه حاوی پیشرفت عملیات و مشکلات اجرای طرح ها و فعالیت ها با توجه به پرداخت های انجام شده و همچنین پیشنهادهای مشخص جهت رفع این مشکلات.

۲. گزارش اقتصادی سالانه شامل تجزیه و تحلیل وضع اقتصادی کشور در سال گذشته و پیش بینی وضع سال جاری و سال بعد. گزارش مزبور باید با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتهی تا پایان شهریور ماه هر سال توسط سازمان به رئیس جمهور تسلیم شود.

۳. گزارش جامع درباره عملیات انجام شده و کارهای ناتمام در هر دوره برنامه بانضمام خلاصه ای از هزینه های عمرانی پرداخت شده حداکثر تا شش ماه پس از پایان هر دوره برنامه. گزارش مربوط به هر دوره برنامه باید حاوی اظهارنظر صریح نسبت به ارزشیابی عملیات و تحقق هدف های برنامه بوده و پیوست گزارش جامع عملکرد هر دوره برنامه توسط رئیس جمهور به مجلس شورای اسلامی تقدیم می شود. مبادله موافقت نامه جهت اجرای طرح های عمرانی که از بودجه عمومی دولت استفاده می کند، در طول برنامه فقط برای یک بار کافی است.

✓ اجزای موافقت نامه

۱. اهداف

۲. وظایف

۳. حجم عملیات.

نکته؛ تخصیص اعتبار عبارتست از تجویز استفاده از مبالغ معینی از اعتبارات مصوب سالانه در دوره های زمانی مشخص که از ابزارهای کنترل و نظارت قبل از خرج محسوب می شود. (سه ماهه، چهار ماهه، شش ماهه و غیره). به عبارت دیگر، تخصیص اعتبار تعیین حجم اعتباری است که در دوره های زمانی معین در سال، برای تامین هزینه

اجرای برنامه ها، عملیات و سایر پرداخت ها مورد نیاز است. هدف اصلی تخصیص اعتبار، کنترل دقیق هزینه های دولت و سازمان های دولتی و ایجاد تعادل میان دریافت ها و پرداخت های دولت می باشد. به همین علت، هنگام تخصیص اعتبارات مصوب به سازمان های دولتی، میزان دقیق درآمدها و سایر دریافت ها و موجودی های دولت و اعتبارات لازم برای اجرای برنامه ها و طرح های موسسات دولتی، با توجه به اولویت ها و جریان پیشرفت آنها در دوره تخصیص اعتبار، در نظر گرفته می شود. درآمدهای پیش بینی شده در بودجه کل کشور در طول سال به تدریج وصول و هزینه ها نیز با توجه به زمان - فصل و سایر عوامل در ۱۲ ماه پرداخت می شود. بر اساس اصل تقدم درآمدها بر هزینه ها اعتبارات سالانه دستگاه ها در قالب یک ماهه یا ۳ ماهه قسط بندی می شود که به آن تخصیص گویند.

تست؛ تجویز استفاده از مبالغ معینی از اعتبارات مصوب سالانه در دوره های زمانی مشخص که از ابزارهای کنترل و نظارت قبل از خرج محسوب می شود، با عنوان شناخته می شود.

(۱) تخصیص اعتبار

(۲) تسجیل

(۳) مصرف اعتبار

(۴) حواله

نکته؛ مصرف اعتبار؛ در این مرحله مخارج دولت به مرحله عمل در می آید و مطابق قانون محاسبات عمومی مراحل تفصیلی اجرای بودجه یا مصرف اعتبارات در مراحل ذیل انجام می شود.

نکته؛ مطابق قانون محاسبات عمومی، مراحل مصرف اعتبارات یا مراحل خرج به ترتیب زیر است:

۱. تشخیص ۲. تامین اعتبار ۳. تعهد ۴. تسجیل ۵. حواله ۶. درخواست وجه و ۷. هزینه قطعی

همانطور که مشخص است مرحله آخر مصرف اعتبارات، هزینه ها می باشد.

نکته؛ تشخیص؛ تشخیص به معنای تعیین و انتخاب کالا و خدمات و سایر پرداخت ها می باشد. مرحله تشخیص به عهده دستگاه اجرایی است.

نکته؛ تأمین اعتبار؛ اختصاص دادن تمام یا قسمتی از اعتبارات مصوب برای هزینه معین.

نکته؛ تعهد؛ از نظر این قانون عبارت است از ایجاد دین بر ذمه دولت ناشی از؛

الف) تحویل کالا یا انجام دادن خدمت

ب) اجرای قراردادهایی که با رعایت مقررات منعقد شده باشد.

ج) احکام صادرشده از مراجع قانونی و ذیصلاح

د) پیوستن به قراردادهای بین المللی.

نکته؛ تسجیل؛ تسجیل عبارت است از تعیین میزان بدهی قابل پرداخت به موجب مدارک اثبات کننده بدهی.

نکته؛ حواله؛ دستور پرداختی است که پس از طی مراحل چهارگانه قبل، از طرف رئیس دستگاه یا نماینده مجاز وی به ذی حساب داده می شود تا نسبت به پرداخت بدهی مسجل گشته، عهده ذینفع اقدام کند.

نکته؛ درخواست وجه؛ به منظور پرداخت حواله های صادره، وجوه لازم از محل اعتبارات مصوب و تخصیص یافته در اختیار دستگاه اجرایی قرار می گیرد.

نکته؛ هزینه؛ هزینه عبارت است از پرداخت هایی است که به طور قطع به ذی نفع در قبال تعهد یا تحت عنوان کمک یا عناوین مشابه با رعایت قوانین و مقررات مربوط صورت می گیرد.

تست؛ بر اساس کدام یک از مراحل مصرف اعتبارات یا مراحل خرج، تمام یا قسمتی از اعتبارات مصوب برای هزینه معین اختصاص داده می شود؟

۱) حواله

۲) تسجیل

۳) تأمین اعتبار

۴) تعهد

نکته؛ پرداخت غیرقطعی؛ در مراحل خرج برای رفع تنگناهای مالی ناشی از قوانین و مقررات در خرید کالا یا خدمات، راهکارهایی در نظر گرفته شده است تا بتوان انعطاف لازم را در انجام خرید یا دریافت خدمات صورت داد. این پرداخت ها تحت عنوان پرداخت غیرقطعی است و عبارت است از: تنخواه گردان پرداخت، پیش پرداخت و علی الحساب

نکته؛ تنخواه گردان پرداخت: تنخواه گردان پرداخت وجهی است که از محل تنخواه گردان حسابداری برای برخی از پرداخت های ضروری در وجه کارپرداز یا مامور خرید یا عامل ذی حساب داده می شود. حداکثر مبلغ تنخواه گردان در حال حاضر ۵ میلیون ریال است. تنخواه گردان به تضمین نیاز ندارد، ولی قابل انتقال به سال مالی بعد نیست و باید حداکثر تا آخر فروردین واریز شود. باید توجه داشت که تنخواه گردان عبارت از مبلغی است که برای تأمین مخارج نقدی و جزئی تعیین می شود و در نوبت های معین معادل وجوه مصرفی (طبق مدارک مثبت) آن را به میزان اولیه می- رسانند.

نکته؛ پیش پرداخت: پیش پرداخت وجهی است که طبق ضوابط و مقررات قبل از انجام دادن تعهد پرداخت می شود. پیش پرداخت در مقابل ضمانت نامه معتبر بانکی داده می شود و قابل انتقال به سال مالی بعد است. حداکثر پیش پرداخت ۲۰ درصد قرارداد است.

نکته؛ علی الحساب: علی الحساب وجهی است که برای ادای قسمتی از تعهد پرداخت می شود؛ به تضمین بانکی احتیاج ندارد؛ قابل انتقال به سال مالی بعد است. علی الحساب، سقف و درصد نیز ندارد.

تست؛ کدام از گزینه های زیر در خصوص مفاهیم بودجه ای صحیح می باشد؟

- (۱) پیش پرداخت وجهی است که برای ادای قسمتی از تعهد پرداخت می شود.
- (۲) هزینه وجهی است که از محل تنخواه گردان حسابداری در وجه کارپرداز یا مامور خرید یا عامل ذی حساب داده می شود.
- (۳) تنخواه گردان پرداخت عبارت است از پرداخت هایی است که به طور قطع به ذی نفع در قبال تعهد یا تحت عنوان کمک یا عناوین مشابه با رعایت قوانین و مقررات مربوط صورت می گیرد.
- (۴) علی الحساب وجهی است که به تضمین بانکی احتیاج ندارد؛ قابل انتقال به سال مالی بعد است و همچنین سقف و درصد نیز ندارد.

نکته؛ نظارت و کنترل به معنی مقایسه، ارزیابی و تعیین مغایرت بین اجرا (عملیات مالی و فعالیت ها) با آنچه قبلاً پیش- بینی شده بود و آنچه قرار است در آینده بدست آید با تکیه بر قوانین و مقررات و اصول حرفه ای به منظور اعمال اصلاحات ضروری برای جبران خسارات و یا آمادگی های مقدماتی برای آینده است. نظارت بر بودجه از جهت صحت عملیات اجرایی و انطباق آن با هدف ها و برنامه ها نقش مهمی دارد، چون بودجه مأموریتی است که از طرف قوه مقننه به دولت محول شده است. باید به نحوی از درستی انجام این مأموریت آگاهی یابد. نظارتی که مجلس در آغاز توسط دیوان محاسبات به طور غیرمستقیم و سپس با رسیدگی به گزارش تفریغ بودجه به صورت مستقیم انجام می دهد در

پی این منظور است که روی هم نظارت قضایی و نظارت پارلمانی را پدید می‌آورد. از طرف دیگر دستگاه دولت نیز به سبب وسعت فراوانی که دارد باید اطمینان یابد که آن چه در درونش و توسط اعضایش صورت می‌پذیرد در جهت هدف‌های برنامه است. این احتیاج نیز لزوم نظارت اداری و عملیاتی را که دولت خودش بر خودش و بر کارکنانش به عهده دارد، مطرح می‌سازد. در فرآیند بودجه‌ریزی که شامل چهار مرحله تهیه و تنظیم، تصویب، اجرا و نظارت می‌باشد، مرحله نظارت از جایگاه خاصی برخوردار است، زیرا اعمال نظارت یکی از ارکان اساسی مدیریت محسوب می‌شود. برآیند پارلمانی نظارت بر اجرای بودجه در قالب گزارش تفریغ بودجه مشاهده می‌شود.

نکته؛ معیارهای ارزیابی فرآیند بودجه شامل موارد زیر می‌شود؛

- ۱- بهبود و بهره‌وری
- ۲- منطبق بر قوانین و مقررات
- ۳- منطبق بر سیاست‌ها
- ۴- مطابق با نهادها و سازمان‌ها
- ۵- کارآمدی و پاسخگویی
- ۶- عقلانیت

نکته؛ اشکال سه‌گانه نظارت بر بودجه شامل نظارت اداری، نظارت قضایی و نظارت پارلمانی می‌شود.

نکته؛ نظارت اداری؛ نظارت اداری به وسیله سازمان‌های قوه مجریه انجام می‌گیرد و می‌توان گفت که نوعی نظارت درون سازمانی در درون قوه مجریه است. نظارت اداری بر اجرای بودجه علاوه بر این که از سوی مقامات و متصدیان مربوط در هر سازمان و تشکیلات اداری در مراحل مختلف اجرای بودجه صورت می‌گیرد، عمدتاً به وسیله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت امور اقتصاد و دارایی انجام می‌شود.

نکته؛ نظارت قضایی از طریق نظارت سازمان بازرسی کل کشور؛ به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. سازمان بازرسی کل کشور به عنوان یک نهاد قضائی بر اجرای صحیح قوانین از جمله قانون بودجه کل کشور در سازمان‌های اداری نظارت می‌کند و قانون‌گذار نیز بر این بازرسی ضمانت‌های اجرایی مقرر نموده است. اعمال نظارت قضایی بر عهده دیوان محاسبات کشور است که مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی انجام وظیفه می‌کند. همانطور که اشاره شد، بر اساس قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران، دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه ها، موسسات، شرکت های دولتی و سایر دستگاه هایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد، رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات تعدادی هیئت مستشاری دارد که به مواردی که بر اساس قانون معین شده است رسیدگی می کنند و در صورت احراز وقوع جرم یا تخلف از ناحیه مسئول یا مسئولان، ضمن اعلام رای، پرونده را جهت صدور حکم مقتضی به مراجع مربوط ارسال می نمایند.

نکته؛ نظارت پارلمانی؛ نظارت در جریان اجرای بودجه از دو طریق صورت می گیرد؛

الف - از طریق تذکر، سؤال و استیضاح، تحقیق و تفحص

ب - از طریق گزارش های دریافتی

نظارت پارلمانی در پایان سال مالی از طریق رسیدگی به گزارش تفریغ بودجه اعمال می گردد. دیوان محاسبات رابط بین دولت (قوه مجریه) و پارلمان (قوه مقننه) در مورد گزارش تفریغ بودجه است. در تحقق اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی، دیوان محاسبات حسابها و اسناد و مدارک لازم و مربوط را بر اساس قانون جمع آوری نموده و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به همراه مواردی که با توجه به نظارت خود تهیه نموده است به مجلس شورای اسلامی تسلیم می کند. این گزارش باید در اختیار و دسترس عموم مردم باشد.

تست؛ نظارت به وسیله سازمان های قوه مجریه انجام می گیرد و می توان گفت که نوعی نظارت درون سازمانی در درون قوه مجریه است.

(۱) نظارت پارلمانی

(۲) نظارت قضایی

(۳) نظارت اداری

(۴) نظارت سیاسی

تست؛ نظارت در پایان سال مالی از طریق رسیدگی به گزارش تفریغ بودجه اعمال می گردد.

(۱) نظارت پارلمانی

(۲) نظارت قضایی

(۳) نظارت اداری

(۴) نظارت سیاسی

نکته؛ انواع نظارت از دیدگاهی دیگر شامل سه مرحله زیر می‌شود؛

- نظارت پیش از پرداخت؛ شامل پیش‌بینی و برآورد درآمدها و اعتبارات برای هزینه‌هاست که نهادهایی همچون پارلمان، شورای اقتصاد، هیئت وزیران و وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه در آن نقش تعیین‌کننده دارند. در این مرحله نظارت با اعلام خط مشی‌ها و رویه‌های تنظیم و نرم‌های محاسبه اعتبارات اعمال می‌شود.
- نظارت ضمن خرج؛ این نظارت پس از ابلاغ بودجه مصوب و در مرحله هزینه‌کردن اعتبارات انجام می‌گیرد و اصولاً دارای ابعاد مالی، عملیاتی و نظارتی پیشرفت کار است، بعد مالی به عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است که با تعیین ذی‌حساب بعنوان نماینده خویش طبق ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی و ماده ۹۰ و ۹۱ قانون محاسبات عمومی و سایر مواد آن قانون به عمل می‌آید. این نوع نظارت عمدتاً از طریق تأمین اعتبار، تطبیق پرداخت‌ها با قوانین و مقررات، درخواست وجه و در صورت لزوم واخواهی و اعلام موارد خلاف به وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات کشور انجام می‌گیرد.
- نظارت پس از خرج؛ نظارت پس از خرج به طور غالب توسط دیوان محاسبات کشور، مجلس شورای اسلامی و هیأت وزیران به عمل می‌آید که در آن عملکرد مالی دستگاه که به صورت اطلاعات مالی در اسناد، حساب‌ها و گزارشات منعکس شده جهت حسابرسی و رسیدگی به دیوان محاسبات تسلیم و آن دیوان در اجرای قانون دیوان محاسبات که منبث از اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی است به بررسی آنها می‌پردازد. این موارد عمدتاً شامل رسیدگی به اسناد، حساب‌ها و انطباق آنها با صورتحساب عملکرد دولت طبق ماده ۱۰۴ قانون محاسبات عمومی و بالاخره تهیه گزارش تفریغ بودجه کل کشور است که در نهایت به صورت طرح به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب و در اختیار عمومی مردم گذاشتن، تسلیم می‌شود. در حقیقت دیوان محاسبات حساب‌های و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌کند. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود. بر اساس اصول پنجاه و چهارم و پنجاه و پنجم قانون اساسی، نظارت مجلس شورای اسلامی بر اجرای بودجه سالیانه کل کشور بر عهده دیوان محاسبات کشور است که زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن به موجب قانون خاص می‌باشد.

تست؛ کدام نوع نظارت عمدتاً از طریق تأمین اعتبار، تطبیق پرداخت‌ها با قوانین و مقررات، درخواست وجه و در صورت لزوم واخواهی و اعلام موارد خلاف به وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات کشور انجام می‌گیرد؟

(۱) نظارت پس از خرج

(۲) نظارت ضمن خرج

(۳) نظارت پیش از پرداخت

(۴) هیچکدام

نکته؛ صورت های مالی شرکت های دولتی در اجرای تبصره یک ماده ۱۳۲ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶، پیش از طرح در جلسه مجمع عمومی صاحبان سهام باید از طرف حسابرسی منتخب وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان حسابرسی) مورد رسیدگی قرار گیرد و سازمان حسابرسی نیز ناگزیر است به منظور بررسی صورت های مالی شرکت های دولتی عملکردهای حسابداری آنان را همه ساله حسابرسی نماید و این کار یک نوع کنترل بعد از خرج است که بوسیله خود قوه مجریه انجام می شود و علاوه بر آن سازمان حسابرسی حکم بازرس قانونی شرکت های دولتی را دارد و از این طریق نیز می تواند ضمن تطبیق عملکرد هیات مدیره با قوانین و مقررات از جمله مقررات بودجه ای با تهیه گزارش هایی برای مجمع عمومی اقدام به کنترل نماید.

نکته: نظارت بر عملکرد مالی شرکت های دولتی توسط بازرسان قانونی شرکت ها، هیات مدیره و مجمع عمومی شرکت ها صورت انجام می پذیرد.

فصل ششم؛ روش های بودجه ریزی

نکته؛ در روش بودجه ریزی برنامه ای به گونه ای عمل می گردد که برای هر برنامه کاری اعتباری پیش بینی و منظور می گردد و عموماً بر اساس برنامه ریزی های میان مدت انجام می پذیرد و به این ترتیب هزینه اعتبارات و محصولی که به صورت کالا و خدمات در یک برنامه کار به دست می آید، قابل اندازه گیری و تجزیه و تحلیل خواهد بود. در بودجه ریزی برنامه ای انتظار بر این است که بخش دولتی کالا و خدماتی را به صورت محصول نهایی یا خدمات عمومی در راستای اهداف اقتصادی، اجتماعی، دفاعی و عمومی ارائه دهد. در بودجه بندی برنامه ای برخلاف روند موجود در بودجه ریزی سنتی، اعتبارات تمامی فعالیت های هر برنامه، در قالب فصول و مواد هزینه طبقه بندی و پیش بینی می شود. در بودجه ریزی برنامه ای برای هر ریال اعتبار مصوب، اهداف خرج و برنامه قابل سنجشی در نظر گرفته می شود. هدف اصلی رویکرد بودجه ریزی برنامه ای تلاش برای بهبود اولویت بندی مخارج دولتی می باشد.

نکته؛ بودجه ریزی عملکرد نوعی سیستم بودجه ریزی مأموریت گرا و نتیجه محور است. این رویکرد تلاش می کند تا به روشنی پیوند هر افزایشی در منابع را با هر افزایش در خروجی ها یا سایر نتایج برقرار سازد. در بودجه عملکرد، هر بودجه ای اطلاعات لازم در خصوص اینکه سازمان دولتی می خواهد چه بکند یا انتظار می رود که چه انجام دهد، ارائه نماید، منابع مالی برایش فراهم می گردد.

نکته؛ از آنجایی که مدیریت عملکرد، به رؤسای دستگاه های اجرایی و مقامات ارشد تصمیم گیرنده، به منظور اتخاذ تصمیمات بهتر و به کارگیری اثربخش تر منابع کمک می نماید، تأثیر بسزایی در بهبود کیفیت مدیریت دارد. کمی کردن

عملکرد به مدیران اجازه می‌دهد تا بر روند تغییرات، نظارت کرده، مشکلات و مسائل احتمالی و بالقوه را شناسایی کنند و بتوانند اقدامات اصلاحی لازم را به موقع انجام دهند. اطلاعاتی که عملکرد را در قالب پاسخگویی به سؤالات زیر توضیح می‌دهد به مدیران اجازه می‌دهد تا منابع را به فعالیت‌های موفقیت‌آمیز تخصیص دهند و مسئولین ارشد کشور را به پشتیبانی و حمایت این دسته از فعالیت‌ها و اقدامات وا می‌دارد. به طور کلی ابعاد مدیریت عملکرد شامل هدف‌گرایی، اثربخشی، کارایی و صرفه‌ی اقتصادی می‌شود.

نکته؛ در رابطه با بودجه عملیاتی می‌توان گفت که اثربخشی یک برنامه یا یک دستگاه اجرایی با نسبت خروجی به نتایج اندازه‌گیری می‌شود. بودجه عملیاتی در برگیرنده‌ی برنامه‌های تمامی فعالیت‌های درآمدزایی است که عملیات معمولی سازمان یا شرکت را شکل می‌دهد. عناصر اصلی بودجه‌های عملیاتی عبارتند از بودجه‌های فروش، تولید، موجودی انبار، مواد اولیه، نیروی انسانی، سربار و تحقیق و توسعه.

نکته؛ بودجه عملیاتی یا بودجه بر حسب عملیات بر اساس وظایف، عملیات و پروژه‌هایی که سازمان‌های دولتی تصدی اجرای آنها را بر عهده دارند، تنظیم می‌شود. در تنظیم این نوع بودجه به جای توجه به کالاها و خدماتی که دولت خریداری می‌کند و یا به عبارتی به جای توجه به وسایل اجرای فعالیت‌ها، خود فعالیت و مخارج کارهایی که باید انجام شود، مورد توجه قرار می‌گیرد.

در طبقه بندی مورد بحث، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و عملیات متجانس و مشابه دولت یا سازمان‌های دولتی که اهداف و مقاصد کمی و کیفی مشابه دارند و نتیجه نهایی آنها قابل ارزیابی و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است در هر یک از گروه‌ها و طبقات کلی پیش‌بینی می‌شوند تا دولت و مراجع قانون‌گذاری بتوانند در مورد میزان اعتبارات لازم برای هزینه‌های مختلف با در نظر گرفتن اولویت‌ها و فواید و نتایج کلی حاصل از اجرای برنامه‌ها تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند. همچنین در این نوع از بودجه بندی است که ارتباط بین بودجه و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی برقرار می‌شود.

تست؛ بودجه بر اساس وظایف، عملیات و پروژه‌هایی که سازمان‌های دولتی تصدی اجرای آنها را بر عهده دارند، تنظیم می‌شود.

(۱) برنامه‌ای

(۲) عملکرد

(۳) عملیاتی

(۴) تعهدی

نکته؛ ویژگی عمده بودجه عملیاتی در اندازه گیری حجم عملیات و چگونگی محاسبه هزینه است. در بودجه برنامه ای عملیات دستگاه بر حسب برنامه ها و فعالیت های مربوطه طبقه بندی می شود و هزینه های داخل برنامه ها و هزینه فعالیت ها بر اساس فصول هزینه برآورد می گردد. در حالی که در بودجه عملیاتی حجم عملیات طبق فنون و روش های مختلف مانند حسابداری قیمت تمام شده یا اندازه گیری کار محاسبه می شود. در بودجه عملیاتی فنون یادشده در فوق جای فصول هزینه را می گیرد.

حیاتی ترین جزء بودجه عملیاتی برآورد و بودجه بندی اجزای سود و زیان است که با بودجه فروش و برآورد درآمدها آغاز می گردد، زیرا بودجه های دیگر تا حدودی به آن وابسته است و یا از آن منتج می شود و با تهیه صورت سود و زیان بودجه ای خاتمه می یابد.

نکته؛ در روش بودجه ریزی تعهدی، ملاک ثبت عملیات در دفاتر دریافت و پرداخت وجوه نقدی نیست، بلکه باید هر زمان که تعهدی برای دولت یا مؤسسه به وجود می آید به عنوان یک عمل مالی در دفاتر منعکس گردد. در روش تعهدی زمانی که درآمد تحقق یابد و یا هزینه ای صورت گیرد بدون توجه به دریافت یا پرداخت وجه نقد باید عملیات در دفاتر مالی منعکس گردد. در این روش اساس کار اکتساب است و درآمدها بدون توجه به زمان دریافت آنها، هر وقت که خدمات یا کالای موردنظر به مشتری ارائه شود به حساب گرفته می شود. هزینه ها نیز بدون توجه به تاریخ پرداخت آنها هر زمان که انجام گیرند، ثبت می شوند. از محاسن این روش مشخص بودن به روز هزینه های واقعی انجام گرفته و همچنین شفاف بودن درآمدها و کارکرد واقعی انجام شده در سازمان می باشد. از معایب این روش بودجه ریزی نیز کاهش کنترل پارلمانی بر روی بودجه است.

نکته؛ رویکرد جدید (رویکرد کینزین)؛ کینز معتقد بود که اشتغال کامل وجود ندارد و از اشتغال کامل به عنوان هدف سیاست بودجه ای دفاع می کند. وی معتقد بود که نیازی نیست که الزاماً بودجه متوازن باشد و کسری بودجه شاخصی برای تلاش های دولت برای افزایش سطح درآمد، خروجی ها و اشتغال است. این موضوع منجر به نوسازی خط مشی بودجه ای سستی شد. در چارچوب این رویکرد، آلوین هانسن، نظریه بودجه ریزی ادواری را مطرح کرد که بر اساس آن مخارج عمومی یا دولتی به سمت کنترل نوسانات اقتصادی گرایش دارد. رویکرد جدید یک نظام بودجه کنترل شده یا مدیریت شده است که بر تنظیم مالیات و مخارج دولتی برای تحقق ثبات اقتصادی تأکید می نماید. بر این اساس بودجه دولتی، هدف نیست، بلکه هدف دستیابی به اشتغال کامل منابع انسانی و منابع اولیه کشور است.

نکته؛ چون کینز معتقد به لزوم دخالت دولت در اقتصاد است، به نظر وی مالیات نه فقط برای تامین هزینه تولید کالاهای عمومی بلکه برای اجرای سیاست های اقتصادی دولت نیز باید اخذ شود. از نظر طرفداران کینز به این دلیل که سرمایه گذاری در اقتصاد به نرخ بهره حساس است و از جنبه دیگر، منحنی LM کاملاً عمودی نمی باشد، لذا سیاست

های مالی کارا هستند. به عبارت دیگر اگر دولت سیاست مالی انبساطی را در نظر داشته باشد باعث می شود که تقاضای کل جامعه افزایش یابد و در اثر افزایش تقاضای کل، تولید ملی نیز افزایش یابد.

نکته؛ رویکرد عقلایی؛ از دهه ۱۹۵۰ میلادی، دولت‌ها نقش فعال‌تری در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور پیدا کردند و برنامه‌های دولت بسط یافت، گونه‌ای که سطح مخارج عمومی به سرعت گسترش پیدا نمود. مدافعان اصلاحات بودجه‌ای استدلال نمودند که اگر خواهان بکارگیری منابع به صورت کارا و اثربخش هستیم، رویکردی به شدت فنی برای تصمیم‌گیری موردنیاز است. این سخت‌گیری فنی منجر به کار بست رویکرد بودجه‌ریزی عقلایی شد؛ به گونه‌ای که تغییرات بنیادی در ساختار و تدوین خط‌مشی بودجه‌ای دولت و فرآیندهای تخصیص منابع ایجاد نمود. رویکرد عقلایی بر خلاف رویکرد اداری بودجه‌ریزی در جستجوی برقراری ارتباط خط‌مشی با اهدافی بود که به روشنی تعریف شده‌اند، تا بر آن اساس ملاحظات دولتی شکل بگیرد.

نکته؛ رویکرد بودجه‌ریزی مواد-هزینه؛ این رویکرد با عناوینی همچون بودجه سنتی، مخارج اقلامی، رویکرد اقلامی، رویکرد کالایی و رویکرد بودجه مواد-هزینه شناخته می‌شود. بودجه‌ریزی مواد-هزینه متداول‌ترین روشی است که در دولت به کار می‌رود. مهم‌ترین انتقاد وارد بر بودجه‌ریزی اقلام هزینه این است که میزان اطلاعات مفید حداقلی را برای سطح کلان دولت فراهم می‌کند و ناآگاهانه با مدیریت سطح خرد مواجه می‌شود. اقلام هزینه نوعی تخصیص بودجه است که به صورت جزء به جزء طبق ردیف مجزا در سند بودجه می‌آید و در بودجه دولتی به پایین‌ترین یا تفصیلی‌ترین سطح اشاره دارد که نیازمند مجوز خرج سیاسی است. و نیازمند تصویب مجلس است که در قانون مشخص شده است. بودجه مواد-هزینه شکلی از بودجه سنتی است که از طبقه‌بندی موضوعی برای مخارج پیشنهادی استفاده می‌کند و هدف اصلی آن کنترل مالی دستگاه‌های دولتی است.

نکته؛ بودجه‌ریزی بر مبنای صفر یک برنامه عملیاتی و فرآیند بودجه‌ای است که هر مدیر را ملزم می‌کند که به نحوی کامل، مشروح و مستدل درخواست بودجه خود را از پایه صفر (زیرا مبنا صفر است) توجیه کند و مسئول اثبات این امر است که چرا باید هر مبلغ را به مصرف برساند. بودجه‌ریزی بر مبنای صفر نوع پیشرفته سیستم نظام طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و بودجه است که تمام عوامل اجرایی (برنامه‌ها، فعالیت‌ها، درحین عملکرد اطلاع‌رسانی برای بودجه یک سال بر مبنای صفر دوباره بازنویسی می‌شوند و بر طبق این سیستم بودجه به سادگی بر مبنای رضایت از بودجه‌های سال قبل پایه‌ریزی می‌شود. بودجه‌ریزی بر مبنای صفر توجیه مجدد هر فعالیت از مبنای صفر است و برای هر فعالیت یا برنامه باید توجیهی وجود داشته باشد که آیا لازم است یا خیر؟ چنین بودجه‌ای برای هر ریالی که مصرف می‌شود باید توجیه منطقی وجود داشته باشد. در ظاهر بودجه‌ریزی بر مبنای صفر باعث می‌شود که بتوان اولویت‌های بودجه را به شیوه‌های بهتری تعیین کرد و کارایی سازمان را بالا برد، ولی واقعیت این است که چنین کاری باعث می‌گردد تا مقدار بیشتری کارهای دفتری انجام شود و احتمالاً روحیه افراد و مدیرانی که باید برای اقلام هزینه‌های پیشنهادی دلایل موجهی ارائه

نمایند، تضعیف گردد که در نتیجه موجودیت برخی از هزینه‌های زیر سؤال خواهد رفت، به همین دلیل است که در زمان کنونی نسبت به سال‌های پیشین کمتر از این بودجه‌بندی استفاده می‌شود. طبق معمول در فرآیند تهیه بودجه، هزینه‌های انجام‌نشده در سال پیش به عنوان نقطه آغاز به حساب می‌آید. در بودجه‌ریزی بر مبنای صفر هزینه‌ها به جای اینکه بر مبنای سطح جاری محاسبه شود، از صفر شروع می‌شود. با چنین بودجه‌ای برای هر ریالی که مصرف می‌شود، باید توجیه منطقی وجود داشته باشد. پیتز فیر بودجه‌بندی بر مبنای صفر را این‌گونه تعریف می‌کند؛ برنامه عملیاتی و فرآیند بودجه‌ای است که هر مدیر را ملزم می‌کند که به نحوی کامل، مشروح و مستدل درخواست بودجه خود را از پایه صفر (زیرا مبنا صفر است) توجیه کند و مسئول اثبات این امر است که چرا باید هر مبلغ را به مصرف برساند. در ظاهر بودجه‌ریزی بر مبنای صفر باعث می‌شود که بتوان اولویت‌های بودجه را به شیوه‌های بهتری تعیین کرد و کارایی سازمان را بالا برد ولی واقعیت این است که چنین کاری باعث می‌شود تا مقدار بیشتری کارهای دفتری انجام شود و احتمالاً باعث تضعیف روحیه افراد و مدیرانی می‌شود که باید برای اقلام هزینه‌های پیشنهادی دلایل موجهی ارائه کنند. تقسیم دستگاه‌های دولتی در قالب واحدهای تصمیم و تعیین بسته‌های تصمیم در رویکرد بودجه‌ریزی بر مبنای صفر مطرح می‌شود.

نکته؛ بودجه‌بندی بر مبنای صفر؛ طبق معمول، در فرآیند تهیه بودجه هزینه‌های سال پیش که به مصرف رسیده به عنوان یک نقطه آغاز به حساب می‌آید. کار افرادی که بودجه جدید را می‌نویسند یا تهیه می‌کنند این است که چه اقلامی از بودجه را باید حذف کرد و چه فعالیت‌هایی و بر همان اساس چه اقلامی را باید اضافه نمود. یک چنین کاری باعث می‌شود که مدیریت برای ادامه دادن یا ادامه ندادن نوع خاصی از کار تعصب ویژه‌ای به خرج دهد. (به ویژه زمانی که به سبب تغییرات محیطی یا تغییری که در هدف‌های سازمان رخ داده مساله مفید بودن آن قلم فعالیت، دیگر مطرح نیست. بودجه بندی بر مبنای صفر توجیه مجدد هر فعالیت یا برنامه و برای هر ریالی که مصرف می‌شود باید توجیهی وجود داشته باشد که آیا لازم است یا نه؟ در بودجه بر مبنای صفر هزینه‌ها به جای اینکه بر مبنای سطح جاری محاسبه شوند، از صفر شروع می‌شوند. و برای اینکه فعالیتی باید ادامه داشته باشد و یا متوقف شود، توجیه لازم است. در بودجه بندی بر مبنای صفر، برای هر فعالیت یا برنامه و برای هر ریالی که مصرف می‌شود باید توجیهی وجود داشته باشد که آیا لازم است یا خیر؟ لذا در بودجه بندی بر مبنای صفر، تناسب حجم عملیات دستگاه‌ها با وظایف محول شده به آنها مورد تاکید است.

تست؛ کدام روش بودجه‌ریزی به دنبال توجیه مجدد هر فعالیت یا برنامه است و تأکید می‌کند که برای هر ریالی که مصرف می‌شود باید توجیهی وجود داشته باشد.

(۱) بودجه‌بندی بر مبنای صفر

(۲) بودجه‌ریزی بر مبنای هدف

۳) بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد

۴) بودجه‌ریزی بر مبنای مواد - هزینه

نکته؛ در بودجه‌ریزی بر مبنای هدف که نظام و مبنای بودجه‌ریزی طرح و برنامه را رد می‌کند، در بعضی کشورها با عنوان بودجه پاکتی یا کیسه اعتباری نامیده می‌شود. بودجه‌ریزی بر مبنای هدف، بودجه‌ریزی با فرآیند سهمیه‌بندی از بالا به پایین است که در آن تعیین اولویت‌ها و محدودیت‌ها در بالا، اساس انتخاب راهکارها در پایین است. این نوع بودجه‌بندی نه بر عقلایی بودن اقتصادی که بر عقلایی بودن سیاسی از طرق زیر تکیه می‌کند:

- الف) اجازه در مورد تعیین سقف‌ها، اولویت‌ها و سطوح اعتبار برای مخارج هر وزیر
- ب) تفویض اختیار جهت تامین اعتبار پیشنهاد‌های جدید از منابع اعتباری تعیین شده
- ج) اجازه برای تامین اعتبار اضافی برای پیشنهاد‌های جدید از طریق ذخیره محدود سیاسی

فصل هفتم؛ کسری بودجه و روش‌های تأمین مالی کسری بودجه

نکته؛ کسری بودجه هنگامی اتفاق می‌افتد که مخارج دولت از درآمدهای آن بیشتر می‌شود. در ادبیات اقتصادی کسری بودجه فی نفسه امری مذموم نیست، آنچه که کسری بودجه را مذموم می‌کند، دلیل ایجاد آن است. اگر کسری بودجه بخاطر فزونی هزینه‌های مصرفی باشد، کسری بودجه مطلوب تلقی نمی‌شود. زیرا دولت مجبور است برای هزینه‌های مصرفی اقدام به استقراض نماید، یعنی تعهدات دولت و ملت (مقروض کردن نسل‌های آینده) را افزایش می‌دهد. اما اگر کسری بودجه به دلیل مخارج سرمایه‌گذاری باشد، نه تنها امری مذموم نیست، بلکه اگر درست و به جا خرج شود، قابل توصیه است.

نکته؛ مشکلات کسری بودجه؛

- بالا رفتن سطح تورم
- ایجاد کسری بودجه در حساب‌های جاری
- مقروض شدن شدید اقتصاد کشور
- کند شدن رشد اقتصادی

نکته؛ مهم‌ترین کاربردهای کسری بودجه؛

- سیاست‌های مالی

- مقایسه تطبیقی کشورها

- تعیین کسری بودجه استاندارد

نکته؛ کسری بودجه غیر داوطلبانه یا غیر قصدمندانه؛ در این حالت نرخ تورمی که دولت در بودجه پیشنهادی خود پیش-بینی نموده، بیشتر از نرخ تورم واقعی است که در کشور ایجاد شده است. این شرایط باعث خواهد شد که رشد درآمدهای مالیاتی کمتر از آن چیزی شود که در سند بودجه پیش‌بینی شده و مورد انتظار بوده است. پدیدار شدن این کسری بودجه نه بخاطر مدیریت اقتصادی نامناسب دولت، بلکه به خاطر موفقیت سیاست‌های ضدتورمی بوده است.

نکته؛ کسری بودجه واقعی (پنهان) یا صوری؛ کسری بودجه صوری از شکاف حسابداری درآمدها و هزینه‌ها حاصل می‌گردد. کسری بودجه واقعی یا پنهان ناشی از بیش برآوردی درآمدها یا کم برآوردی هزینه‌ها در ابتدای سال است، با علم به اینکه متولیان امر می‌دانند که این پیش‌بینی‌ها در عمل تحقق پیدا نخواهد کرد.

نکته؛ کسری بودجه درآمدی؛ اگر کل دریافتی‌های درآمدی را از کل مخارج کسب درآمد کم کنیم، این کسری بودجه محاسبه می‌شود.

نکته؛ کسری بودجه مالی؛ مخارج کل - کل دریافتی‌ها به استثنای قرضه‌ها

نکته؛ کسری بودجه اصلی؛ اگر پرداخت‌های نرخ بهره قرضه‌ها را از کسری بودجه مالی کم کنیم، کسری بودجه اصلی بدست می‌آید.

نکته؛ کسری بودجه با بدهی عمومی تفاوت دارد. کسری بودجه در یک سال مالی سنجیده می‌شود ولی بدهی عمومی میزان کل استقراض صورت گرفته توسط دولت است که در سال‌های مختلف روی هم جمع شده است.

نکته؛ کسری بودجه را می‌توان از یک نظر به کسر بودجه اداری که ناشی از افزایش مخارج جاری دولت است و کسری بودجه اقتصادی و یا ساختاری که ناشی از افزایش مخارج سرمایه‌گذاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای است تقسیم کرد. یکی از انواع کسری بودجه، کسری بودجه ساختاری است که به دلیل عدم هماهنگی بین دخل و خرج عمومی در بلندمدت بروز می‌کند. عدم هماهنگی گاه در نتیجه افزایش مخارج عمرانی است که به منظور تقویت

زیربناهای اقتصادی، اجتماعی در بلندمدت به وقوع می پیوندند. به طوری که در پی آن ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه متحول می شود و اقتصاد کشور از مراحل ابتدایی توسعه اقتصادی به مراحل بالاتر توسعه می یابد. بدین معنی که اقتصاد کشور از درجه توسعه نیافتگی به درجه توسعه یافتگی متمایل می شود.

عدم تکافوی درآمدهای دولت برای تأمین مالی مخارج عمرانی اغلب به علت ضعف توانایی مالی جامعه است که در این مواقع به صورت کسر بودجه عمرانی بروز می کند و دولت ها مجازند با این نوع کسری بودجه مواجه شوند به شرطی که با مازاد بودجه ناشی از درآمدهای اجرای این پروژه ها در سال های بعد جبران شوند. در کسر بودجه ساختاری برای تغییر ساختارهای اقتصادی به سرمایه گذاری در زیرساخت های کشور اقدام می شود.

نکته؛ کسری بودجه دولت دارای دو منشاء ساختاری و غیرساختاری است. در حالت ساختاری کسری بودجه دولت در نتیجه عدم هماهنگی بین دخل و خرج عمومی دولت در بلندمدت به وجود می آید. این عدم هماهنگی گاهی در نتیجه اولویت بندی سیاست های کلان اقتصادی همچون افزایش مخارج عمرانی با هدف تقویت زیربنای اقتصادی و اجتماعی در بلندمدت بروز می کند. در حالت غیرساختاری یک شوک خارجی سمت درآمدهای بودجه ای را کاهش داده و کسری بودجه را به وجود می آورد.

نکته؛ کسری بودجه ادواری؛ در حالت غیرساختاری و ادواری وقوع یک شوک خارجی همچون وقوع خشکسالی و قحطی خصوصاً برای کشورهای که تولیدات کشاورزی سهم زیادی از بودجه دولت را تأمین می سازد و می تواند درآمدهای بودجه ای را کاهش داده و کسری بودجه را به وجود آورد. بخشی از کسری بودجه که ناشی از نوسانات چرخه ای حیات بازرگانی و تجاری کشور هستند، کسری بودجه ادواری نامیده می شوند. کسری بودجه ای که می تواند به علت کاهش درآمدهای مالیاتی یا افزایش مخارج دولت ایجاد شده است.

نکته؛ در کسری بودجه ساختاری عدم هماهنگی گاه در نتیجه افزایش مخارج عمرانی است که به منظور تقویت زیربنای اقتصادی، اجتماعی در بلندمدت به وقوع می پیوندند. به طوری که در پی آن ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه متحول می شود و اقتصاد کشور از مراحل ابتدایی توسعه اقتصادی به مراحل بالاتر توسعه می یابد. بدین معنی که اقتصاد کشور از درجه توسعه نیافتگی به درجه توسعه یافتگی متمایل می شود.

نکته؛ عدم تکافوی درآمدهای دولت برای تأمین مالی مخارج عمرانی اغلب به علت ضعف توانایی مالی جامعه است که در این مواقع به صورت کسری بودجه عمرانی بروز می کند و دولت ها مجازند با این نوع کسری بودجه مواجه شوند، به شرطی که با مازاد بودجه ناشی از درآمدهای اجرای این پروژه ها در سال های بعد جبران شوند. جان مینیارد کینز معتقد است تعادل سالیانه در اجرای پروژه های عمرانی لازم نیست، ولی تعادل دوره ای (مثلاً در بازه های چند ساله) مجاز می باشد.

نکته؛ کسری بودجه اداری کسری بودجه ای است که در نتیجه فقدان سازمان صحیح اداری بوجود می آید؛ در اینطور موارد در واقع به علت سازمان ناقص و در نتیجه عدم هماهنگی در کار، مخارج اداری اغلب حیف و میل شده و بازده کار کارمندان دولت به شدت پایین می آید؛ بخصوص اگر در اینطور مواقع بدون توجه به اصول مدیریت و سازمان، از نظر بهره برداری از کادر موجود، دولت مجبور شود از نظر اجرای وظایف عمومی، متوسل به استخفاف جدید کارمند گردد. به تدریج مخارج اداری نامتناسب با سایر مخارج افزایش می یابد و در نتیجه در بودجه عادی دولت کسر بودجه به صورت افزایش مخارج اداری ظاهر می گردد. کسر بودجه اداری ممکن است ناشی از عوامل زیر باشد:

- سازمان غلط وصول درآمدها
- عدم صلاحیت کادر اداری سازمان های وصول کننده مالیات ها
- انتخاب غلط سیستم مالیاتی

تست؛ در کدام نوع کسری بودجه به علت سازمان ناقص و در نتیجه عدم هماهنگی در کار، مخارج اداری اغلب حیف و میل شده و بازده کار کارمندان دولت به شدت پایین می آید؟

- ۱) کسری بودجه مالی
- ۲) کسری بودجه ساختاری
- ۳) کسری بودجه عمرانی
- ۴) کسری بودجه اداری

نکته؛ ابزار عملیات خزانه؛ جهت تأمین مالی کسری بودجه در موارد یاد شده فوق، خزانه ابزار هایی در اختیار دارد که عبارتند از:

۱- استفاده از تنخواه گردان:

منظور از تنخواه گردان، اعتبار در حساب جاری یا مساعده ای است که بر اساس آن بانک مرکزی موافقت می کند حساب خزانه در آن بانک تا ۳ درصد از کل بودجه عمومی بدهکار شود. به کمک این اعتبار، خزانه داری کل می تواند در مواقعی از سال مالی که درآمدهای جاری کفاف مخارج جاری را نمی دهد، کسری موجود را تأمین و بلافاصله پس از افزایش وصول درآمد، آن را مسترد دارد. تنخواه گردان باید در پایان یال مالی واریز گردد.

۲. استفاده از نظام بانکی:

استفاده از نظام بانکی به دو صورت امکان پذیر است:

الف) خزانه می تواند با استقراض از بانک مرکزی و سایر بانک ها، در مقابل واگذاری اوراق بهادار به آن ها، احتیاجات خود را رفع کند.

ب) در صورتی که وضع نظام بانکی مساعد نباشد بانک مرکزی موظف است احتیاجات مالی دولت را در چارچوب مقررات انتشار اسکناس و پشتوانه و قانون پولی و بانکی کشور از طریق انتشار پول جدید تامین کند.

۳. استقراض:

جبران کسر بودجه از طریق اخذ وام را می توان به صورت زیر طبقه بندی کرد.

الف) دریافت وام از منابع داخلی

ب) دریافت وام از منابع خارجی

نکته؛ فروش دارایی های ملی یکی دیگر از شیوه های تأمین مالی کسری بودجه است که معمولاً اعتبارات فوق العاده ای را نصیب دولت می کند. درآمدهای حاصله از خصوصی سازی و فروش شرکت های دولتی یکی از نمونه های فروش دارایی های ملی است.

نکته؛ تأمین مالی کسری بودجه از طریق اوراق بهادار یکی از روش های تأمین مالی کسری بودجه است.

نکته؛ واگذاری دارایی های مالی همچون اوراق قرضه؛ استفاده از منابع حاصل از واگذاری دارایی های مالی یکی از روش های تأمین کسری بودجه است. تا پیش از سال ۱۳۹۰، مهمترین بخش تأمین اعتبارات در ذیل واگذاری دارایی های مالی استفاده از موجودی حساب ذخیره ارزش بوده است که با کاهش مانده حساب ذخیره ارزی، در سال های پس از آن استفاده از منابع موجودی حساب ذخیره ارزی صفر شده است. هر چند ابزار اصلی تأمین کسری بودجه، انتشار اوراق مشارکت است، اما با در نظر گرفتن عملکرد دولت در فروش اوراق مشارکت دولتی در سال های گذشته، به نظر می رسد همین میزان هم تحقق نخواهد یافت و از این رو منابع تأمین کسری بودجه با چالش مواجه خواهد بود.

نکته؛ سیاست های درآمدی و هزینه ای؛ به منظور مدیریت کسری بودجه تنوعی از روش ها به صورت فردی و جمعی قابل استفاده است. مانند افزایش مالیات ها یا کاهش مخارج و

نکته؛ انتشار سند خزانه کوتاه مدت؛ بر اساس قانون وزارت مالیه یا اقتصاد در طول مدت اجرای بودجه سالیانه می تواند اسناد خزانه کوتاه مدت را با بهره مشخص منتشر کند و در پایان سال مالی تسویه می کند.

نکته؛ اخذ وام از بانک های مجاز و بانک مرکزی؛ دریافت وام بدون بهره از بانک مرکزی یکی از راه های تأمین کسری بودجه است.

نکته؛ استفاده از پس اندازهای نقدی بانک‌ها یا سایر مؤسسات دولتی؛ معمولاً برای کوتاه‌مدت استفاده می‌شود.

نکته؛ استفاده از وام‌های بلندمدت یکی از راهکارهای مطلوب برای زمان‌های بحرانی همچون جنگ و ... است.

نکته؛ استقراض خارجی شامل انتقال منابع مالی از سایر نقاط جهان به کشور است که برای کسری بودجه قابل استفاده است.

نکته؛ چاپ پول یا اسکناس نیز یکی از راهکارهای نامطلوب برای تأمین کسری بودجه است.

نکته؛ اقلام داد و ستد در دارایی‌های سرمایه‌ای (اعم از تولید شده و تولید نشده) در طرف درآمدها تحت عنوان واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای شامل ۵ بخش و در طرف هزینه‌ها تحت عنوان تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شامل هفت فصل به شرح زیر می‌باشد.

فصل اول: ساختمان و مستحقات

فصل دوم: ماشین‌آلات و تجهیزات

فصل سوم: سایر دارایی‌های ثابت

فصل چهارم: تغییر در موجودی انبار

فصل پنجم: اقلام گرانبها

فصل ششم: زمین

فصل هفتم: سایر دارایی‌های تولید نشده

تست؛ درآمدهای حاصله از خصوصی‌سازی جزء کدام یک از شیوه‌های تأمین مالی کسری بودجه محسوب می‌شود؟

(۱) فروش دارایی‌های ملی

(۲) واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای

(۳) استقراض از منابع داخلی و خارجی

(۴) فروش اوراق مشارکت دولتی

بخش سوم؛ آزمون‌های تستی مالیه عمومی و بودجه‌ریزی دولتی

آزمون اول

۱) «هرگاه کسری بودجه از ناحیه سرمایه‌گذاری در کارهای عمرانی پیش آید، اشکالی بر آن مترتب نیست» منطبق بر عقیده کدام صاحب نظر اقتصادی است؟

- ۱) ژان باتیست سه
۲) جان مینارد کینز
۳) آلفرد مارشال
۴) دیوید ریکاردو

۲) گروه بندی سرمایه‌گذاری‌های دولتی کدام است؟

- ۱) زیربنایی - اجتماعی - انتفاعی
۲) زیربنایی - عمرانی - انتفاعی
۳) اجتماعی - عمرانی - اقتصادی
۴) مالی - انتفاعی - اجتماعی

۳) تفاوت میان مالیه خصوصی و مالیه عمومی چیست؟

- ۱) سیاست کسری بودجه دارد (مالیه عمومی و خصوصی)، سیاست کسری بودجه ندارد (مالیه عمومی)
۲) سود اجتماعی (مالیه عمومی و خصوصی)، سود شخصی (مالیه عمومی)
۳) مخاطره کمتر در مالیه خصوصی، مخاطره بیشتر در مالیه عمومی
۴) بودجه سالیانه نیاز است (مالیه خصوصی)، نیاز به بودجه سالیانه نیست (مالیه عمومی)

۴) در صورت وجود پیامد مثبت خارجی، به دولت توصیه می‌شود در این بازار کدام سیاست را اتخاذ کند؟

- ۱) وضع کف قیمت
۲) وضع سقف قیمت
۳) وضع مالیات یکجا
۴) وضع یارانه بر واحد

۵) ورود دولت به صورت پرداخت یارانه در بازاری که با پیامدهای خارجی مثبت و منفی مواجه نیست، چه پیامدی دارد؟

- ۱) ایجاد اضافه بار گم شده منفی می‌کند.
۲) ایجاد اضافه بار گم شده مثبت می‌کند.
۳) اضافه بار گم شده را تغییر نمی‌دهد.
۴) تولید را کاهش و قیمت را افزایش می‌دهد.

۶) در برقراری سیستم تامین اجتماعی مطلوب، اولین قدم چیست؟

- ۱) تعیین منبع تامین کمک
۲) تعیین خط فقر
۳) تعیین نحوه انتقال کمک
۴) تعیین گروه هدف

۷) مالیاتی که در مراحل متوالی تولید و توزیع وضع می‌گردد، کدام است؟

- ۱) بر منبع درآمد
۲) قهری
۳) مستقیم
۴) بر ارزش افزوده

۸) کدام مورد، از موارد استثنا بر اصل وحدت بودجه محسوب می شود؟

- (۱) تبصره های بودجه
(۲) تحدیدی بودن بودجه
(۳) متمم بودجه
(۴) انعطاف پذیری بودجه

۹) مازاد درآمدهای موسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته به دولت کجا واریز می شود؟

- (۱) درآمد عمومی
(۲) درآمد مالی
(۳) درآمد اختصاصی
(۴) درآمد تسعیر ارز

۱۰) عوامل موثر در ظرفیت مالیاتی کدام است؟

- (۱) اجتماعی - سیاسی - فرهنگی
(۲) انسانی - اقتصادی - سیاسی
(۳) سیاسی - زیست محیطی - فناوری
(۴) سیاسی - فناوری - محیطی

۱۱) مالیات بهینه بر کالاها مستلزم چیست؟

- (۱) همه کالاها با یک نرخ مشمول مالیات گردند.
(۲) مالیات بر کالاها به اندازه مالیات بر درآمد بستگی داشته باشد.
(۳) مالیات هر کالا به کشش قیمتی تقاضا بستگی داشته باشد.
(۴) مالیات کالاها باعث افزایش تورم نگردد.

۱۲) در مقایسه مالیات های اسلامی با مالیات های حکومتی، خمس منفعت و فواید کسب با کدام نوع مالیات هماهنگی دارد؟

- (۱) بر درآمد
(۲) سرانه
(۳) بر کالاها و خدمات
(۴) بر پس انداز یا سود سالیانه

۱۳) هزینه ایجاد و ساخت مدارس، جزء کدام یک از هزینه های دولت طبقه بندی می شود؟

- (۱) انتقالی
(۲) تمام شدنی
(۳) کوتاه مدت
(۴) بلندمدت

۱۴) اطلاق واژه های سند و لایحه بودجه و پیروی از اصل تصویب بودجه، مربوط به تعریف کدام جنبه از بودجه می گردد؟

- (۱) سیاسی بودجه
(۲) اجتماعی بودجه
(۳) برنامه ای و مدیریتی بودجه
(۴) اقتصادی و مالی بودجه

۱۵) دلبخواه بودن مالیات های مستقیم به چه مفهوم است؟

- (۱) برای پرداخت کنندگان مالیات اختیاری است.
(۲) این نوع مالیات ها، غیر قابل درک هستند.
(۳) برخی بر این باورند که این نوع مالیات ها، استبدادی است.
(۴) طفره رفتن و گریختن از مالیات های مستقیم بسیار راحت است.

پاسخنامه آزمون اول

۱- گزینه (۲)

۲- گزینه (۱)

۳- گزینه (۳)

۴- گزینه (۴)

۵- گزینه (۱)

۶- گزینه (۲)

۷- گزینه (۴)

۸- گزینه (۳)

۹- گزینه (۱)

۱۰- گزینه (۲)

۱۱- گزینه (۳)

۱۲- گزینه (۴)

۱۳- گزینه (۲)

۱۴- گزینه (۱)

۱۵- گزینه (۳)

آزمون دوم

۱) شرط تولید بهینه کالاهای عمومی چیست؟

- ۱) برابری فواید نهایی تولید و مصرف
- ۲) برابری نرخ جانشینی کالا با نرخ تبدیل نهایی کالا
- ۳) برابری هزینه نهایی تولید و درآمد نهایی مصرف کنندگان
- ۴) برابری مجموع فواید نهایی مصرف کنندگان با هزینه نهایی تولید

۲) هزینه پرداخت اصل و فرع قرضه های دولتی جزو کدام پرداخت ها است؟

- ۱) انتقالی مالی
- ۲) انتقالی اداری
- ۳) انتقالی اجتماعی
- ۴) انتقالی اقتصادی

۳) کدام گزینه، جزء ویژگی های نظام بودجه GFS نیست؟

- ۱) هماهنگی متغیرهای آماری بودجه با مفاهیم اقتصادی
- ۲) منظور کردن برنامه خدمات عمومی به صورت مستقل
- ۳) هماهنگی ارقام بودجه با نظام حساب های مالی
- ۴) ارائه چارچوب تحلیل که در آن داد و ستد غیر پولی و موجودی ها در تراز دولت انعکاس یافته باشد.

۴) تقسیمات بودجه به امور، فصل، برنامه، طرح و فعالیت، مربوط به کدام نوع طبقه بندی بودجه است؟

- ۱) هزینه ای
- ۲) سازمانی
- ۳) عملیاتی
- ۴) منابع تامین اعتبار

۵) هنگامی که در بودجه ریزی یا کسری بودجه مواجه باشیم و این کسری از محل تملک دارایی های سرمایه ای باشد. (بدین ترتیب که تملک دارایی های سرمایه ای بیش از واگذاری باشد)، با چه نوع کسر بودجه ای مواجه هستیم و این کسر بودجه در چه شرایطی اتفاق می افتد؟

- ۱) کسر بودجه ناشی از ساختار اقتصادی، هنگامی که دولت اقدام به افزایش مخارج جاری خود می کند.
- ۲) کسر بودجه ناشی از اوضاع و احوال اقتصادی، هنگامی که دولت با رکود مواجه می شود.
- ۳) کسر بودجه ناشی از اوضاع و احوال اقتصادی، هنگامی که دولت اقدام به سرمایه گذاری در زیرساخت های کشور می کند.
- ۴) کسر بودجه ناشی از ساختار اقتصادی، هنگامی که دولت اقدام به سرمایه گذاری در زیرساخت های کشور می کند.

۶) در ساختار مالیات تنازلی، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) نرخ متوسط مالیات کوچکتر از نرخ نهایی مالیات است.
- ۲) نرخ متوسط و نرخ نهایی مالیات با هم برابر است.
- ۳) نرخ متوسط مالیات بزرگتر از نرخ نهایی مالیات است.
- ۴) نرخ نهایی مالیات بزرگتر از نرخ متوسط مالیات است.

۷) برای محاسبه نقش دولت در اقتصاد، کدام گزینه مناسب تر است؟

- (۱) نسبت مالیات ها به GDP
(۲) نسبت صادرات به واردات
(۳) مطلق درآمدهای دولت
(۴) ترکیب هزینه های دولت

۸) در کدام روش پیش بینی درآمد جهت تنظیم بودجه، از تجزیه و تحلیل همبستگی ها و جمع آوری پرسش نامه ای نمونه استفاده می شود؟

- (۱) روش سنجیده منظم
(۲) روش حد متوسط ها
(۳) روش سال ما قبل آخر
(۴) روش پیش بینی مستقیم

۹) هزینه نهایی تولید برنامه های رادیویی و تلویزیونی در صدا و سیما چگونه است؟

- (۱) یک است
(۲) صفر است
(۳) فزاینده است
(۴) کاهنده است

۱۰) اضافه بار گم شده در صورت وضع یارانه در بازار رقابت کامل چگونه است؟

- (۱) منفی
(۲) مثبت
(۳) صفر
(۴) بی نهایت

۱۱) اگر سیاست توزیع مجدد درآمد موجب کاهش انگیزه ابتکار شود، چه نتیجه ای در بر دارد؟

- (۱) اشتغال حادث نمی شود.
(۲) پس انداز ها افزایش می یابد.
(۳) سرمایه گذاری تشویق می شود.
(۴) موجب کاهش آهنگ رشد اقتصادی می گردد.

۱۲) عادلانه بودن، جزو مزایای کدام نوع مالیات نیست؟

- (۱) مالیات مستقیم
(۲) مالیات بر ارث
(۳) مالیات غیر مستقیم
(۴) مالیات بر افزایش ارزش دارایی ها

۱۳) کدام مورد جزو اصل تعادل بودجه است؟

- (۱) انتشار اسکناس
(۲) تنظیم بودجه بر اساس شرایط اقتصادی
(۳) استقراض دولت از بانک مرکزی
(۴) توسعه فعالیت های اقتصادی دولت

۱۴) طبقه بندی عملیاتی بودجه به کدام مورد بیشتر نزدیک است؟

- (۱) تامین اعتبار از طریق استقراض از بانک مرکزی
(۲) تفکیک هزینه های جاری و سرمایه ای
(۳) ارتباط این بودجه با کسری بودجه
(۴) ارتباط این بودجه با برنامه ریزی توسعه اقتصادی

۱۵) ظرفیت مالیاتی کشور به وسیله کدام عامل بیشتر می شود؟

- (۱) رشد سرمایه گذاری ها
(۲) درآمد ملی سرانه و سرعت رشد آن
(۳) درآمد ملی سرانه و توزیع درآمد
(۴) میزان دسترسی به منابع و امکانات بالقوه تولیدی

پاسخنامه آزمون دوم

۱- گزینه (۴)

۲- گزینه (۱)

۳- گزینه (۲)

۴- گزینه (۳)

۵- گزینه (۴)

۶- گزینه (۳)

۷- گزینه (۱)

۸- گزینه (۱)

۹- گزینه (۲)

۱۰- گزینه (۱)

۱۱- گزینه (۴)

۱۲- گزینه (۳)

۱۳- گزینه (۲)

۱۴- گزینه (۴)

۱۵- گزینه (۳)

آزمون سوم

۱- تعاریف مربوط به بودجه، متاثر از در مورد دولت است.

- (۱) نظریه های اقتصادی
(۲) نظریه های مالی
(۳) نظریه های حسابداری
(۴) نظریه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۲- کدام طبقه بندی بودجه ای، آمار و اطلاعات مورد نیاز درباره ارزیابی فعالیت های دولت بر جامعه را امکان پذیر می سازد؟

- (۱) هزینه ای
(۲) اقتصادی
(۳) سازمانی (دستگاهی)
(۴) عملیاتی (وظیفه ای)

۳- نقش «تخصیص اعتبار» در نظام بودجه ایران در کدام گزینه، منظور نشده است؟

- (۱) باعث صرفه جویی در هزینه های دولت می گردد.
(۲) یکی از ابزارهای کنترل و نظارت بعد از خرج می باشد.
(۳) یکی از ابزارهای کنترل و نظارت قبل از خرج محسوب می شود.
(۴) عاملی برای ایجاد تعادل بین درآمدها و هزینه های خزانه به شمار می رود.

۴- بر طبق ماده ۱۲ قانون محاسبات عمومی کشور، کدام مورد از اجزاء سایر منابع تامین اعتبار محسوب نمی شود؟

- (۱) درآمد اختصاصی
(۲) وام از بانک ها
(۳) انتشار اوراق قرضه
(۴) برگشتی از پرداختی سال قبل

۵- عبارت «هر چه درآمد و ثروت بیشتر، مالیات افزون تر» به کدام اصول مالیاتی اشاره دارد؟

- (۱) منفعت
(۲) استفاده از خدمات
(۳) توانایی پرداخت
(۴) معین و مشخص بودن

۶- کدام گزینه، در ارتباط با اقتصاد اسلامی صحیح نمی باشد؟

- (۱) در اقتصاد اسلامی مالکیت مشروع است.
(۲) در اقتصاد اسلامی، انتقال مالیات وجود ندارد.
(۳) در اقتصاد اسلامی، مخارج مصرفی بستگی به مالیات خواهد داشت.
(۴) در اقتصاد اسلامی، تعیین میزان مالیات بر درآمد بستگی به مخارج مصرفی دارد.

۷- پرداخت های غیر قطعی عبارت است از:

- (۱) صدور حواله، تنخواه گردان پرداخت و علی الحساب
(۲) تامین اعتبار، درخواست وجه و پیش پرداخت
(۳) درخواست وجه، پیش پرداخت و علی الحساب
(۴) تنخواه گردان پرداخت، پیش پرداخت و علی الحساب

۸- معایب مالیات های غیرمستقیم در کدام گزینه، منظور شده است؟

- (۱) گریزناپذیری
(۲) با کشش بودن
(۳) تنازلی بودن
(۴) تخصیص مجدد عوامل تولید

۹- به دلیل کمیابی منابع،

(۱) برخی از افراد جامعه ناچاراً فقیر خواهند ماند.

(۲) دولت باید تخصیص منابع در دسترس را انجام دهد.

(۳) هر جامعه ای باید برنامه ریزی مرکزی اتخاذ کند.

(۴) هر جامعه ای باید بین استفاده های رقیب از منابع در دسترس انتخاب انجام دهد.

۱۰- مالیات بر ارزش افزوده به کدام یک از مالیات ها نزدیک تر است؟

(۱) مالیات بر درآمد تصاعدی

(۲) مالیات بر درآمد شرکت ها

(۳) مالیات بر دارایی و اموال

(۴) مالیات بر فروش خرده فروشی

۱۱- اگر وضع مالیات موجب ایجاد اثر جانشینی شود. این مالیات از کدام نوع است؟

(۱) تصاعدی

(۲) خنثی

(۳) انتقالی

(۴) یا بار اضافی

۱۲- کالای خصوصی خالص،

(۱) اصولاً واقعیت ندارد.

(۲) در مصرف با رقابت مواجه است.

(۳) در تولید با رقابت مواجه است.

(۴) در مصرف با رقابت مواجه نیست.

۱۳- عوامل بیرونی منفی، در صورت عدم اصلاح، باعث می شوند کالایی

(۱) بیش از اندازه تولید و کمتر از اندازه قیمت گذاری شود.

(۲) کمتر از اندازه تولید و بیش از اندازه قیمت گذاری شود.

(۳) کمتر از اندازه تولید و قیمت گذاری شود.

(۴) بیش از اندازه تولید و قیمت گذاری شود.

۱۴- اضافه رفاه مصرف کننده با کاهش شیب منحنی تقاضا

(۱) کمتر می شود.

(۲) بیشتر می شود.

(۳) تغییر نمی کند.

(۴) ابتدا کاهش و سپس افزایش می یابد.

۱۵- مجلس طبق قانونی، سهم دولت را در بیمه سپرده های بانکی افزایش می دهد. این مساله ایجاد مخاطره اخلاقی

می کند، زیرا

(۱) سپرده های بانکی محدود می شود.

(۲) بانک ها تشویق می شوند که وام های ریسکی اعطا کنند.

(۳) سرمایه گذاری بانک ها در املاک و اموال را کاهش می دهد.

(۴) بانک ها تشویق می شوند که بر منشا سپرده های افراد نظارت داشته باشند.

۱۶- اگر قرار باشد منافع حاصل از کالای عمومی برای جامعه حداکثر شود، کالا باید در نقطه ای تولید شود که

(۱) هزینه نهایی برابر با منفعت نهایی باشد.

(۲) هزینه نهایی کمتر از منفعت نهایی باشد

(۳) هزینه نهایی بیشتر از منفعت نهایی باشد.

(۴) هر عضو جامعه منفعت یکسان از کالا ببرد.

۱۷- کدام مالیات به راحتی قابل انتقال به غیر نیست؟

(۱) مالیات بر ارزش افزوده

(۲) مالیات بر درآمد شرکت ها

(۳) مالیات بر درآمد اشخاص

(۴) مالیات بر درآمد اصناف

۱۸- عدم کارایی (زیان) حاصل از وضع مالیات

- (۱) ارتباطی با کثش عرضه و تقاضا ندارد.
- (۲) زمانی کمتر است که کثش عرضه و تقاضا بیشتر باشد.
- (۳) زمانی بیشتر است که کثش عرضه و تقاضا کمتر باشد.
- (۴) زمانی بیشتر است که کثش عرضه و تقاضا بیشتر باشد.

۱۹- دو راه برای اصلاح عوامل بیرونی مثبت توسط دولت عبارتند از:

- (۱) نظارت مستقیم و یا مالیات بندی
- (۲) پرداخت یارانه به خریداران یا تولیدکنندگان
- (۳) پرداخت یارانه به تولیدکنندگان و با وضع مالیات بر فروش محصول
- (۴) پرداخت یارانه به خریداران و یا وضع مالیات بر فروش محصول

۲۰- اضافه رفاه بازار با کاهش شیب منحنی تقاضا

- (۱) به صورت صعودی افزایش می یابد.
- (۲) بیشتر می شود.
- (۳) کمتر می شود.
- (۴) تغییر نمی کند.

پاسخنامه آزمون سوم

۱- گزینه (۱)

۲- گزینه (۲)

۳- گزینه (۲)

۴- گزینه (۱)

۵- گزینه (۳)

۶- گزینه (۳)

۷- گزینه (۲)

۸- گزینه (۳)

۹- گزینه (۴)

۱۰- گزینه (۴)

۱۱- گزینه (۴)

۱۲- گزینه (۲)

۱۳- گزینه (۱)

۱۴- گزینه (۱)

۱۵- گزینه (۲)

۱۶- گزینه (۱)

۱۷- گزینه (۳)

۱۸- گزینه (۴)

۱۹- گزینه (۲)

۲۰- گزینه (۳)

آزمون چهارم

۱- پیامدهای خارجی در بازار، چه زمانی بوجود می آید؟

- (۱) فعالیت یک نفر منافع یا هزینه هایی برای نفر دیگر ایجاد کند و قیمت و مقدار بازار تغییر نماید.
- (۲) فعالیت یک نفر هزینه ها را به دیگری تحمیل کند و قیمت بازار افزایش یابد.
- (۳) فعالیت یک نفر منفی برای نفر دیگر ایجاد کند و مقدار بازار افزایش یابد.
- (۴) فعالیت یک نفر منافع یا هزینه هایی برای نفر دیگر بدون اینکه در بازار حضور داشته باشد ایجاد نماید.

۲- کدام مورد، با توجه به تعریف هزینه نهایی بیرونی آموزش درست است؟

- (۱) بیش از میزان هزینه بهینه اجتماعی آموزش است.
- (۲) همان میزان هزینه بهینه اجتماعی آموزش است.
- (۳) کل هزینه بیرونی است که به شخص ثالث تحمیل می شود.
- (۴) تعیین سطح بهینه اجتماعی آموزش با توجه به هزینه آموزش تعیین شود.

۳- کدام مورد، مثالی برای منافع خارجی است؟

- (۱) کاهش بیماری ها، با ایمن سازی جامعه در مقابل آن بیماری رخ می دهد.
- (۲) رضایتی که از استفاده از اتومبیل کم مصرف در قیمتی پایین تر از حد تعادلی است، به دست می آید.
- (۳) رضایت اضافی که صاحب خانه از تزئین باغچه جلوی خانه که همسایگان نیز آن را می توانند ببینند، بدست می آورد.
- (۴) اضافه رفاه مصرف کننده است که وی با خرید اتومبیل کم مصرف از یک بنگاه به قیمت پایین تری که حاضرند بپردازند، بدست می آورد.

۵- سیاست های دولت برای کاهش حد مجاز آلودگی، کدام است؟

- (۱) نظارت، جریمه و استانداردهای آلودگی
- (۲) تحمیل نصب تجهیزات کاهش آلودگی، جریمه ها و استانداردهای آلودگی
- (۳) استانداردهای آلودگی، هزینه اعطای مجوز و میزان آلودگی قابل معامله
- (۴) تحمیل نصب تجهیزات کاهش آلودگی، هزینه اعطای مجوز و میزان آلودگی قابل معامله

۶- پیامد افزایش هزینه های دولت، کدام است؟

- (۱) تولید ملی تعادلی کاهش می یابد.
- (۲) تولید ملی تعادلی بالا می رود.
- (۳) ضریب افزایش هزینه های دولت کمتر می شود.
- (۴) ضریب افزایش هزینه های دولت بیشتر می شود.

۷- کدام مورد با وضع مالیات بر سود انحصارگر، اتفاق می افتد؟

(۱) تولید کاهش می یابد.

(۲) تولید افزایش می یابد.

(۳) تولید تغییر نمی کند.

(۴) تولید در نرخ های پایین تر مالیات بر سود، کاهش می یابد.

۸- کالای عمومی خالص (محض)، چه نوع کالایی است؟

(۱) در مصرف رقابت ناپذیر باشد.

(۲) در مصرف رقابت ناپذیر اما قابل تفکیک است.

(۳) در مصرف رقابت ناپذیر اما غیر قابل تفکیک است.

(۴) رقابت ناپذیر است اما مصرف کنندگان از مصرف آن کالا منع نمی شوند.

۹- کدام مورد با توجه به منحنی لفر، درست است؟

(۱) وقتی نرخ مالیات بالا رود، منحنی صعودی خواهد بود.

(۲) وقتی نرخ متوسط مالیات صفر باشد، کارایی کل اقتصاد کم خواهد شد.

(۳) وقتی نرخ متوسط مالیات صفر باشد، حداکثر درآمد مالیاتی ایجاد خواهد شد.

(۴) با افزایش نرخ مالیات، درآمد مالیاتی تا نقطه ای بالا می رود و پس از آن کاهش می یابد.

۱۰- دریافت از منابع داخلی به دو طریق امکان پذیر است، کدام مورد درست است؟

(۱) انتشار اوراق قرضه بین المللی - صندوق بین المللی پول

(۲) انتشار اوراق قرضه عمومی - دریافت وام از بانک مرکزی

(۳) انتشار اوراق قرضه عمومی - انتشار اوراق قرضه بین المللی

(۴) دریافت وام از بانک مرکزی - دریافت وام از صندوق بین المللی پول

۱۱- جهت تامین مالی کسری بودجه خزانه ابزارهایی در اختیار دارد، کدام مورد درست است؟

(۱) کاهش هزینه ها - قانون خارج شمول - استفاده از تنخواه گردان

(۲) افزایش درآمدها - استفاده از تنخواه گردان - قانون خارج از شمول

(۳) استفاده از تنخواه گردان - استفاده از نظام بانکی - استفاده از استقراض اعم از داخلی و خارجی

(۴) استفاده از قانون خارج از شمول - استفاده از استقراض اعم از داخلی و خارجی

۱۲- بر طبق آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مسئولیت رسیدگی نهایی لایحه بودجه (کلیات لایحه

بودجه)، بر عهده کدام کمیسیون است؟

(۱) کمیسیون برنامه و بودجه (۲) کمیسیون امور اقتصادی

(۳) کمیسیون دیوان محاسبات عمومی و دارایی (۴) کمیسیون تلفیق به عنوان کمیسیون اصلی

۱۳- در طبقه بندی هزینه های تملک دارایی های سرمایه ای بر اساس نظام آمارهای مالی دولت (G.F.S) کدام مورد

درست است؟

(۱) دارایی های تولید شده (۵ فصل)، دارایی های تولید نشده (۲ فصل) است.

(۲) دارایی های تولید شده (۲ فصل)، دارایی های تولید نشده (۵ فصل) است.

(۳) هر کدام از دارایی های تولید شده و تولید نشده (۵ فصل) است.

(۴) هر کدام از دارایی های تولید شده و تولید نشده (۲ فصل) است.

۱۴- شورای اقتصاد بر اساس کدام مورد، سیاست های بودجه ای سال آینده را تعیین می کند؟

(۱) عملکرد سال گذشته و عملکرد شش ماهه اول سال جاری

(۲) پیش بینی مقدماتی بودجه و گزارش اقتصادی

(۳) پیش بینی مقدماتی بودجه

(۴) گزارش اقتصادی

۱۵- آموزش همگانی، به کدام دلیل توسط دولت عرضه می شود؟

(۱) پیامدهای مثبت بیرونی در تحصیلات عالی وجود دارد و بازار نمی تواند به حد بهینه اجتماعی آن را فراهم کند.

(۲) هزینه های خارجی ارائه خدمات عمومی وجود دارد و بخش خصوصی حاضر به انجام نیست.

(۳) یک کالای عمومی است و با مسئله "سواری مجانی" روبه روست.

(۴) یک کالای عمومی است و در مصرف امکان رقابت نیست.

پاسخنامه آزمون چهارم

۱- گزینه (۴)

۲- گزینه (۳)

۳- گزینه (۱)

۴- گزینه (۴)

۵- گزینه (۳)

۶- گزینه (۲)

۷- گزینه (۳)

۸- گزینه (۱)

۹- گزینه (۴)

۱۰- گزینه (۲)

۱۱- گزینه (۳)

۱۲- گزینه (۴)

۱۳- گزینه (۱)

۱۴- گزینه (۲)

۱۵- گزینه (۱)

آزمون پنجم

۱- تولید کالای عمومی.....

- (۱) دارای سود نیست. (۲) به تشخیص دولت صورت می گیرد.
(۳) به شرط وجود تقاضا برای آن انجام می شود. (۴) در صورتی که فروش نرود، تولید آن متوقف می شود.

۲- کدام یک، نشانه سلامت اقتصادی عملکرد دولت است؟

- (۱) تعادل بودجه ای (۲) وحدت بودجه ای (۳) تخصیص بودجه (۴) تفصیل بودجه

۳- ویلیام پتی در کتاب "رساله ای در باب مالیات مالیات و عوارض" معتقد است که،.....

- (۱) گرفتن مالیات یک نوع ظلم و تعدی حکومتی است.
(۲) مخارج حکومت باید از طریق مالیات مستقیم و غیرمستقیم تامین شود و نه از طریق فروش املاک دولتی.
(۳) افراد باید از گرسنگی بمیرند و دولت بایستی با گرفتن مالیات از افراد پردرآمد هزینه ارائه کالای عمومی را فراهم کند.
(۴) قوانین انسانی در صورتی مفید خواهند بود که منطبق با قوانین طبیعی باشند و دخالت دولت از طریق اخذ مالیات موجب شکست قوانین طبیعی می گردد.

۴- به طور کلی تهیه و تنظیم سند بودجه بیشتر متأثر از کدام قوانین است؟

- (۱) قانون اداری و استخدامی کشور و برنامه بودجه

- (۲) قانون اداری و استخدامی کشور و محاسبات عمومی

- (۳) قانون محاسبات عمومی و برنامه و بودجه

- (۴) قانون دیوان محاسبات عمومی و تفریغ بودجه

۵- خصوصیات بودجه ریزی بر مبنای هدف در کدام گزینه لحاظ نشده است؟

- (۱) در این روش بودجه ریزی با فرآیند سهمیه بندی از بالا به پایین است.

- (۲) در این روش بودجه ریزی نه بر عقلایی بودن اقتصادی تاکید دارد.

- (۳) در این روش هزینه عملیات طبق فنون و روش های مختلف حسابداری قیمت تمام شده و اندازه گیری کار محاسبه می شود.

- (۴) در این روش بودجه ریزی دستگاه های اجرایی، بودجه ها را در محدوده اهداف با سقف های مشخص تهیه می کنند و به ملاحظات سیاسی توجه می گردد.

۶- نظارت مالی بر عملکرد شرکت های دولتی از طریق انجام می پذیرد.

- (۱) ذیحساب، دیوان محاسبات عمومی و مجمع عمومی

- (۲) بازرسی قانونی شرکت ها، هیات مدیره و مجمع عمومی

- (۳) دیوان محاسبات عمومی، بازرسان و مجمع عمومی شرکت ها

- (۴) دیوان محاسبات عمومی، مجلس شورای اسلامی و هیات مدیره شرکت ها

۷- ناهماهنگی میان برنامه و بودجه از نظر کار کارشناسان به عوامل مختلفی بستگی دارد. در کدام گزینه عوامل

ناهماهنگی منظور نشده است؟

- (۱) فقدان نظام ارزیابی عملکرد در تخصیص بودجه

- (۲) فقدان اطلاعات و آمار تفصیلی خاص و بهنگام

(۳) فقدان روش های نوین پیش بینی هزینه ها و برآورد درآمدها

(۴) فقدان الگوی اقتصادسنجی مطلوب برای پیش بینی های کوتاه مدت (یک ساله و کمتر) سنجش و سیاست گذاری

۸- در نظام مالیاتی ایران عهد باستان، باج،

(۱) مالیات اراضی زراعی بود. (۲) مالیات راهداری و عوارض گمرکی بود.

(۳) مالیات سرانه افراد بین ۲۰ تا ۵۰ سال بود. (۴) مالیاتی بود که در بلاد اسلامی از غیرمسلمانان اخذ می شد.

۹- در روند شکل گیری مفهوم و نقش بودجه، مرحله چهارم به واسطه محیط بوجود آمد.

(۱) اطمینان (۲) پایداری (۳) غیررقابتی بودن (۴) پیچیدگی

۱۰- مالیات های غیرمستقیم،

(۱) اغلب طبیعت تصاعدی دارند. (۲) نقش کمتری در تغییر توزیع درآمد دارند.

(۳) نقش و تأثیری در تغییر توزیع درآمد ندارند. (۴) ممکن است تأثیر نامطلوبی در توزیع درآمد داشته باشند.

۱۱- کدام مورد از مزایای مالیات های غیرمستقیم است؟

(۱) صعودی بودن (۲) گریزپذیری (۳) تنازلی بودن (۴) گریزناپذیری

۱۲- در مقایسه مالیات های اسلامی، مالیات های معمول، خمس منفعت و فواید کسب با کدام یک از مالیات های زیر

هماهنگی دارد؟

(۱) مالیات بر درآمد (۲) مالیات سرانه

(۳) مالیات بر کالاها و خدمات (۴) مالیات بر پس انداز یا سود سالیانه

۱۳- فرض اساسی در نظریه انتخاب عمومی یا شکست بازار، این است که

(۱) مقامات دولتی در انتخاب بین منافع فردی خود و مصالح و منافع اجتماعی، همیشه منافع اجتماعی را مقدم می دارند.

(۲) به دلیل عدم حسن نیت دولتمردان، منافع شخصی بر منافع عمومی مقدم است.

(۳) هدف مقامات دولتی ترقی و پیشرفت کشور با حفظ منافع فردی است.

(۴) منافع عمومی در تصمیمات دولتی رعایت نمی شود.

۱۴- معیار نافعیت درآمد مالیاتی،

(۱) هزینه های بالای وصول مالیات است.

(۲) نسبت فرار مالیاتی به درآمدهای مالیاتی است.

(۳) نسبت منافع اجتماعی باز توزیع مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است.

(۴) نسبت هزینه های وصول مالیات به درآمدهای مالیاتی است.

۱۵- پایه مالیات بر ارزش افزوده،

(۱) مصرف افراد است. (۲) ارزش کالاهای تولید شده است.

(۳) هزینه های دستمزد و مواد اولیه است. (۴) قیمت تمام شده کالاها و خدمات است.

پاسخنامه آزمون پنجم

۱- گزینه (۲)

۲- گزینه (۱)

۳- گزینه (۲)

۴- گزینه (۳)

۵- گزینه (۳)

۶- گزینه (۲)

۷- گزینه (۳)

۸- گزینه (۲)

۹- گزینه (۲)

۱۰- گزینه (۲)

۱۱- گزینه (۴)

۱۲- گزینه (۴)

۱۳- گزینه (۱)

۱۴- گزینه (۲)

۱۵- گزینه (۱)

آزمون ششم

۱) ایجاد تغییرات در سیاست مالیاتی و هزینه‌ای در راستای خط‌مشی‌هایی که افراد فقیر منتفع شوند، پیرو کدام اصل است؟

- ۱) تثبیت
۲) تخصیص
۳) توزیع
۴) کارایی

۲) نظریه «انتخاب عمومی» چیست؟

- ۱) رشد دولت و عوامل آن
۲) اصلاح جایگاه دولت در اقتصاد
۳) دیکتاتوری خیرخواهانه برای رفع ناکامی‌های بازار
۴) منطقی از اقتصاد خرد که برای امور سیاسی و عمومی به کار می‌گیرد.

۳) شاخص «انضباط مالی» کدام است؟

- ۱) کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی
۲) استقراض از بانک مرکزی به کسری بودجه
۳) درآمدها به هزینه‌ها در بودجه
۴) پیش‌بینی درآمدها به درآمدهای محقق شده در بودجه

۴) «چگونه دولت می‌تواند کنترل فرایند بودجه را تعیین نماید تا بتواند به صورت خودکار هدایتگر عملیات دستگاه‌های اجرایی باشد؟» به عنوان پرسش کلیدی کدام عصر بودجه‌ریزی است؟

- ۱) دوره سوم؛ عصر برنامه‌ریزی
۲) دوره چهارم؛ عصر خط‌مشی
۳) دوره پنجم؛ عصر همکاری
۴) دوره دوم؛ عصر یکپارچگی مدیریت

۵) در کدام یک از ابعاد اصلی انضباط بودجه، عدم استفاده از تبصره‌های قانونی بودجه مورد تأکید قرار می‌گیرد؟

- ۱) خط‌مشی
۲) زمانی
۳) ارقامی
۴) مالی

۶) کدام مورد به عنوان معایب بودجه‌ریزی تعهدی در بخش دولتی محسوب می‌شود؟

- ۱) عدم پاسخگویی بر مبنای نتایج
۲) کاهش کنترل پارلمانی بر روی بودجه
۳) کاهش شفافیت در هزینه‌ها
۴) ناکارآمدی در تخصیص اعتبارات

۷) در کدام نوع طبقه‌بندی بودجه‌ای، هدف از مخارج دولت مشخص می‌شود و حوزه‌های اصلی که دولت در تنظیم و تدارک

مستقیم خدمات در کارکردهای مختلف درگیر است را نشان می‌دهد؟

- ۱) هزینه‌ای
۲) موضوعی یا اقتصادی
۳) سازمانی و مدیریتی
۴) وظیفه‌ای

۸) برای پیش‌بینی کدام نوع درآمدهای بودجه‌ای، روش‌های کمی در مقایسه با روش‌های کیفی و قضاوتی مناسب‌تر هستند؟

- ۱) منابع درآمدی جدید
۲) درآمدهای مالیات بر درآمد
۳) کمک‌های اهدایی
۴) فروش دارایی‌ها

۹) کدام یک از مفاهیم بودجه‌ریزی دولتی دربردارنده‌ی تحلیلی از شرایط اقتصادی دولت و گزارشی از عملیات و تعادل بودجه سال جاری است؟

- ۱) پیام بودجه
۲) بخش‌نامه بودجه
۳) لایحه بودجه
۴) متمم بودجه

۱۰) به فرآیندها، قوانین، ساختارها و نهادهایی که قبول مسئولیت می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که نظام بودجه‌ریزی به صورت اثربخش، باثبات و مداوم به اهدافش نائل می‌شود، چه گفته می‌شود؟

- ۱) قیود بودجه
۲) چرخه بودجه
۳) حکمرانی بودجه‌ای
۴) بودجه‌ریزی مشارکتی

۱۱) پرداخت یارانه بر اساس کدام مورد قابل توجیه‌تر است؟

- ۱) ضرورت کاهش قیمت برای افزایش تولید
۲) پیامدهای خارجی منفی
۳) پیامدهای خارجی مثبت
۴) ضرورت کاهش قیمت برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر

۱۲) وضع مالیات بر واحد در بازار رقابت کامل، چه تغییری در تولید یکایک بنگاه‌ها دارد؟

- ۱) افزایش
۲) کاهش
۳) عدم تغییر
۴) برخی کاهش و برخی را افزایش می‌دهند.

۱۳) در صورتی که ارزش‌های اجتماعی ایجاد شده از طریق تصمیمات همگرا و یکپارچه‌شده در فرآیند سیاسی، در قالب قوانین کدگذاری شوند، عقلانیت بودجه‌ای کدام است؟

- ۱) قانونی
۲) اجتماعی
۳) سیاسی
۴) اقتصادی

۱۴) کدام نظریه مربوط به رشد دولت، در خصوص تأثیر وجود گروه‌های ذی‌نفع در افزایش اندازه دولت است؟

- ۱) ماسگریو
۲) بامول
۳) مولر
۴) پیکاک و وایزمن

۱۵) موضوع «قانون طلایی» در مالیه عمومی چیست؟

- ۱) اشاره به نوعی از سازوکارهای رسمی و غیررسمی دارد.
۲) سیاست مالی که رشد اقتصادی را تقویت می‌کند.
۳) سهم بدهی و دیون دولتی نباید از سرمایه‌گذاری خالص دولتی تجاوز نماید.
۴) سهم بدهی و دیون دولتی باید از سرمایه‌گذاری خالص دولتی تجاوز نماید.

پاسخنامه آزمون ششم

۱- گزینه (۳)

۲- گزینه (۴)

۳- گزینه (۱)

۴- گزینه (۲)

۵- گزینه (۱)

۶- گزینه (۲)

۷- گزینه (۴)

۸- گزینه (۲)

۹- گزینه (۱)

۱۰- گزینه (۳)

۱۱- گزینه (۳)

۱۲- گزینه (۲)

۱۳- گزینه (۱)

۱۴- گزینه (۳)

۱۵- گزینه (۳)

آزمون هفتم

۱ - کدام مفهوم، سه وظیفه برنامه ریزی، سیاست‌گذاری و بودجه ریزی را به هم مرتبط می‌سازد؟

(۱) اعتبارات فرا بودجه‌ای (EBF) (۲) هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC)

(۳) حکمرانی بودجه ای خوب (GBG) (۴) چارچوب مخارج میان مدت (MTEF)

۲ - در حکمرانی مخارج عمومی، کدام قاعده مخارج عمومی بیان می‌دارد که نباید مخارج عمومی صرف گروه خاصی از افراد جامعه شود؟

(۱) منفعت (۲) جواز (۳) مازاد (۴) صرفه اقتصادی

۳ - کدام مورد درباره‌ی تبصره‌های بودجه‌ای مصداق دارد؟

(۱) می‌تواند محدود به یک دوره زمانی یا به صورت دائمی باشد.

(۲) تبصره‌های بودجه‌ای همان قانون تنفیذی است.

(۳) تبصره‌های بودجه‌ای نیازی به تصویب مجلس ندارد.

(۴) در بررسی و تصویب، تبصره‌های هزینه‌ای مقدم بر تبصره‌های درآمدی هستند.

۴ - اگر طبق نظریه ماسگریو، مالیات برای هر فرد، درآمد را به حدی کاهش دهد که مطلوبیت نهایی درآمد برای همه یکسان شود، کدام اصل برابری حادث شده است؟

(۱) برابری مطلق ایثار (۲) برابری نسبی ایثار

(۳) برابری متوسط ایثار (۴) حداقل کاهش در رفاه جامعه

۵ - کدام مورد بیانگر انضباط مالی دولت است ؟

(۱) نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی (۲) نسبت مخارج بودجه به تولید ناخالص داخلی

(۳) نسبت مخارج بودجه به مخارج واقعی (۴) نسبت کسری بودجه به مخارج واقعی

۶ - از نظر کدام اقتصاددانان، دخالت دولت در اقتصاد کارایی را کاهش می‌دهد؟

(۱) کینز (۲) پولیون (۳) کلاسیک (۴) سیکل‌های تجاری

۷ - با افزایش ضریب جینی، توزیع درآمد چه تغییری می‌کند؟

(۱) برابرتر (۲) عادلانه‌تر

(۳) ناعادلانه‌تر (۴) قابل اظهار نیست

۸ - معمولاً هزینه‌هایی که دولت صرف نگهداری ظرفیت‌های موجود کشور می‌کند، چه می‌نامند؟

(۱) عمرانی (۲) جاری (۳) ثابت (۴) نگهداری و تعمیرات

۹ - انتقالات نقدی یا غیرنقدی به منظور حمایت از همه مردم یا بخش‌هایی خاص از آنها در برابر خطرهای معین اجتماعی در طبقه‌بندی هزینه‌ای بودجه عمومی چه نامیده می‌شود؟

(۱) یارانه‌ها (۲) منافع اجتماعی

(۳) کمک‌های بلاعوض (۴) جبران خدمات

۱۰ - تقسیم دستگاه‌های دولتی در قالب واحدهای تصمیم و تعیین بسته‌های تصمیم در کدام رویکرد بودجه‌ریزی

دولتی مطرح می‌شود؟

(۱) بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد (PBB)

(۲) بودجه‌ریزی مواد - هزینه (LIB)

۳) بودجه‌ریزی بر مبنای صفر (ZBB)

۴) سیستم برنامه‌ریزی - طرح‌ریزی - بودجه‌ریزی (PPBS)

۱۱ - بر اساس کدام اصل، بودجه دولتی باید برای تمامی شهروندان قابل فهم باشد؟

۱) علنی بودن ۲) شفافیت ۳) وضوح ۴) پیوستگی درونی

۱۲ - پدیده‌ای که بر اساس آن، هزینه‌های کامل خدمات دولتی پنهان است و یا به وسیله‌ی رأی‌دهندگان به درستی درک و فهم نمی‌شود را اصطلاحاً چه می‌نامند؟

۱) قانون واگنر ۲) توهم مالی

۳) کفالت همگانی ۴) مدل رشد کوهان شتر

۱۳ - زمانی که قوه‌ی مجریه قبل از آنکه اقدامات تصویبی پارلمان به اتمام برسد، در بودجه پیشنهادی خود بازنگری نماید، اصطلاحاً چه نامیده می‌شود؟

۱) اصلاح بودجه ۲) ترمیم یا تصحیح بودجه

۳) متمم بودجه یا بودجه تعدیلی ۴) بودجه اصلاحی یا بازتخصیص بودجه‌ای

۱۴ - هدف اصلی کدام رویکرد بودجه‌ریزی دولتی، به ترتیب بهبود اولویت‌بندی مخارج دولتی و ایجاد پیوند اطلاعات عملکرد با تخصیص و مدیریت منابع است؟

۱) بودجه‌ریزی برنامه‌ای - بودجه‌ریزی بر مبنای صفر

۲) بودجه‌ریزی تدریج‌گرا - بودجه‌ریزی بر مبنای صفر

۳) بودجه‌ریزی بر مبنای صفر - بودجه‌ریزی عملکرد

۴) بودجه‌ریزی برنامه‌ای - بودجه‌ریزی عملکرد

۱۵ - درآمدهای حاصله از خصوصی‌سازی و فروش شرکت‌های دولتی یکی از نمونه‌های کدام نوع سیاست‌های تأمین مالی کسری بودجه دولتی است؟

۱) فروش دارایی‌های ملی

۲) فاینانس یا تأمین مالی

۳) فروش قرضه دولتی

۴) تأمین مالی از طریق اوراق بهادار

پاسخنامه آزمون هفتم

۱- گزینه (۴)

۲- گزینه (۱)

۳- گزینه (۱)

۴- گزینه (۴)

۵- گزینه (۱)

۶- گزینه (۳)

۷- گزینه (۳)

۸- گزینه (۲)

۹- گزینه (۲)

۱۰- گزینه (۳)

۱۱- گزینه (۳)

۱۲- گزینه (۲)

۱۳- گزینه (۲)

۱۴- گزینه (۴)

۱۵- گزینه (۱)

آزمون هشتم

۱- کدام نقش دولت در زمینه‌ی تهیه و تدارک کالاهای عمومی و ترکیب آنها است؟

- (۱) تثبیتی
- (۲) تحلیلی
- (۳) تخصیصی
- (۴) توزیعی

۲- کدام وظیفه‌ی دولت، موقتی است؟

- (۱) تصدی‌گری
- (۲) حاکمیتی
- (۳) نظارتی
- (۴) هماهنگی

۳- کدام مورد مجوز دخالت دولت در اقتصاد محسوب نمی‌شود؟

- (۱) شکست بازار
- (۲) رشد مالکیت خصوصی
- (۳) پیامدهای خارجی مثبت
- (۴) عدم تحقق شرایط رقابت کامل

۴- لزوم دخالت دولت در توزیع درآمد، متعلق به کدام اندیشمند است؟

- (۱) جان لاک
- (۲) جیمز بوکانن
- (۳) جان استوارت میل
- (۴) جرمی بنتام

۵- دولت‌ها در قبال کدام هزینه‌های انتقالی، نمی‌توانند بی‌اعتنا باشند و ناچار به پرداخت هستند؟

- (۱) غیرجمععی
- (۲) مالی
- (۳) اقتصادی
- (۴) اجتماعی

۶- خرید کالاهای و خدمات جاری در بودجه‌ی دولت، جزو کدام نوع هزینه‌ها است؟

- (۱) انتقالی
- (۲) تکلیفی
- (۳) تمام‌شدنی
- (۴) سرمایه‌ای

۷- کدام عامل تعیین‌کننده‌ی اندازه دولت محسوب می‌شود؟

- (۱) جمعیت
- (۲) نرخ مالیات
- (۳) تولید ناخالص ملی
- (۴) تعداد صنایع و زیربخش‌های اقتصادی

۸- نرخ نهایی مالیات چیست؟

- (۱) آخرین نرخ‌ی که بر مبنای آن مالیات اخذ می‌شود.
- (۲) نرخ بار مالیاتی متناسب با ظرفیت مالیاتی
- (۳) همان نرخ تعلق واقعی مالیاتی است.
- (۴) میزان ظرفیت مالیاتی مؤثر

۹- مالیات بر ارزش افزوده، جزو کدام مالیات‌ها نیست؟

- (۱) حقوق و دستمزد
- (۲) مستقیم
- (۳) غیرمستقیم
- (۴) بر ارث

۱۰- کدام مورد جزء اصول چهارگانه‌ی آدام اسمیت در پرداخت مالیات نیست؟

- (۱) عدالت (۲) صرفه‌جویی (۳) مشخص‌بودن (۴) ثبات و تعادل

۱۱- پیامد وضع مالیات و یا یارانه در بازارهای رقابتی چیست؟

- (۱) تخصیص غیرکارای منابع مالی (۲) توزیع عادلانه‌تر درآمد
(۳) انحصاری شدن بازارها (۴) افزایش قیمت‌ها

۱۲- شرط لازم وضع مالیات بهینه بر کالاها چیست؟

- (۱) فراگیربودن مالیات (۲) قطع رابطه‌ی تورم با مالیات
(۳) وابستگی مالیات به کشش قیمتی تقاضا (۴) صفربودن نرخ مالیات بر درآمد

۱۳- تأکید نظام بودجه کنترل‌شده با مدیریت‌شده چیست؟

- (۱) اشتغال کامل
(۲) تحقق ثبات اقتصادی
(۳) تحقق هزینه‌های دولتی
(۴) تحقق درآمدهای مالیاتی

۱۴- کدام مورد می‌تواند منشأ کسری بودجه باشد؟

- (۱) ساختاری
(۲) برون‌سپاری
(۳) نیل به اشتغال کامل
(۴) هماهنگی بین دخل و خرج عمومی دولت

۱۵- کدام مورد جزء ابعاد مدیریت عملکرد نیست؟

- (۱) اثربخشی
(۲) کارایی
(۳) رشد و یادگیری
(۴) صرفه‌ی اقتصادی

پاسخنامه آزمون هشتم

۱- گزینه (۳)

۲- گزینه (۱)

۳- گزینه (۲)

۴- گزینه (۲)

۵- گزینه (۴)

۶- گزینه (۳)

۷- گزینه (۴)

۸- گزینه (۱)

۹- گزینه (۲)

۱۰- گزینه (۴)

۱۱- گزینه (۱)

۱۲- گزینه (۳)

۱۳- گزینه (۲)

۱۴- گزینه (۱)

۱۵- گزینه (۳)

آزمون نهم

۱) اثربخشی یک برنامه با یک دستگاه اجرایی طبق بودجه‌ریزی عملیاتی با کدام نسبت اندازه‌گیری می‌شود؟

- ۱- ورودی به هزینه‌ها
- ۲- خروجی به ورودی
- ۳- خروجی به نتایج
- ۴- نتایج به ورودی

۲) کدام عبارت نظریه «فداکاری نسبی» را نشان می‌دهد؟

- ۱- برابری مطلوبیت ناشی از پرداخت مالیات
- ۲- نسبت مطلوبیت از دست رفته ناشی از مالیات به مطلوبیت کل درآمد
- ۳- نسبت مطلوبیت کل درآمد به مطلوبیت از دست رفته ناشی از مالیات
- ۴- پرداخت مالیات یکسان افراد با درآمد برابر

۳) منظور از «تبدیل مالیات به سرمایه» چیست؟

- ۱- نرخ مالیات به سرمایه انتقال می‌یابد.
- ۲- مالیات به فعالیت‌های بعدی و قبلی انتقال می‌یابد.
- ۳- فقط مالیات‌های فعلی براساس مالیات‌های قبلی انتقال می‌یابند.
- ۴- مالیات بر کالاهای غیرمصرفی فاسدشدنی به ارزش آنها منتقل می‌شود.

۴) هدف اصلی کدام رویکرد بودجه‌ریزی دولتی کنترل مالی دستگاه‌های دولتی است؟

- ۱- روش خودکار
- ۲- بودجه‌ریزی یک قلم
- ۳- بودجه‌ریزی تدریج گرا
- ۴- بودجه‌ریزی مواد - هزینه

۵) از موجودی حساب ذخیره ارزی در کدام روش تأمین کسری بودجه دولتی در ایران استفاده می‌شود؟

- ۱- واگذاری دارایی‌های مالی
- ۲- واگذاری‌های سرمایه‌ای
- ۳- انتشار سند خزانه کوتاه‌مدت
- ۴- افزایش نرخ ارز

۶) براساس چه دیدگاهی رأی‌دهندگان در تأمین مالی به وسیله کسری بودجه منافع مخارج جاری را بیش از حد و بار مالیاتی آینده را کمتر از حد برآورد می‌کنند؟

- ۱- توهم مالی
- ۲- سیاست مقابله ادواری
- ۳- سیاست مالی انبساطی
- ۴- سیاست مالی انقباضی

۷) کدام رویکرد بودجه‌ریزی دولتی در جستجوی برقراری ارتباط خط‌مشی با اهدافی است که به روشنی تعریف شده‌اند؟

- ۱- اداری
- ۲- عقلانی
- ۳- غلطان
- ۴- مشارکتی

۸) گنجانده‌نشدن برخی فعالیت‌های دولت همانند سیاست‌های خارجی و عملیات سری و نظامی در بودجه عمومی به عنوان

استثنای کدام اصل شناخته می‌شوند؟

- ۱- جامعیت
- ۲- شمولیت
- ۳- شفافیت
- ۴- وحدت

۹) تنظیم مالیات و مخارج دولتی برای تحقق ثبات اقتصادی در کدام رویکرد نظریه‌ای بودجه‌ای مورد تأکید قرار می‌گیرد؟

۱- تدریج گرایی	۲- کلاسیک	۳- کینزین	۴- کشورهای توسعه یافته
۱۰) اگر ضریب جینی از ۰/۳۴ به ۰/۳۲ کاهش یابد به چه معنی است؟			
۱- توزیع درآمد عادلانه تر شده است.	۲- توزیع درآمد ناعادلانه تر شده است.		
۳- توزیع کالاها و خدمات عادلانه تر شده است.	۴- توزیع کالاها و خدمات ناعادلانه تر شده است.		
۱۱) در صورت وجود پیامد خارجی مثبت (اقتصادی) کدام سیاست بر بازار کالا پیشنهاد می شود؟			
۱- افزایش مالیات	۲- کاهش یارانه		
۳- وضع یارانه	۴- وضع مالیات		
۱۲) تبدیل اوراق قرضه به قرضه های جدید منتشره در شرایط ثبات اقتصادی به چه منظور است؟			
۱- بهبود توزیع درآمد	۲- تثبیت شرایط		
۳- تخصیص بهینه منابع	۴- کاهش هزینه های جاری		
۱۳) صحبت از اخذ مالیات بیشتر از ثروتمندان در شرایط تورمی به کدام نوع عدالت اشاره می کند؟			
۱- افقی	۲- تثبیتی	۳- تخصیصی	۴- عمودی
۱۴) کدام مورد جزو پیامد خارجی منفی استفاده از کالاها و خدمات محسوب می شود؟			
۱- پدیده ازدحام	۲- برقراری عدالت مالیاتی		
۳- برقراری عدالت افقی	۴- شفاف سازی بودجه		
۱۵) ضمانت اجرایی نظارت پس از خرج کدام است؟			
۱- اصلاح بودجه	۲- استیضاح	۳- تأمین اعتبار بودجه	۴- تفریغ بودجه

۱- گزینه (۳)

۲- گزینه (۲)

۳- گزینه (۴)

۴- گزینه (۴)

۵- گزینه (۱)

۶- گزینه (۱)

۷- گزینه (۲)

۸- گزینه (۴)

۹- گزینه (۳)

۱۰- گزینه (۱)

۱۱- گزینه (۳)

۱۲- گزینه (۲)

۱۳- گزینه (۴)

۱۴- گزینه (۱)

۱۵- گزینه (۲)